

سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱

مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

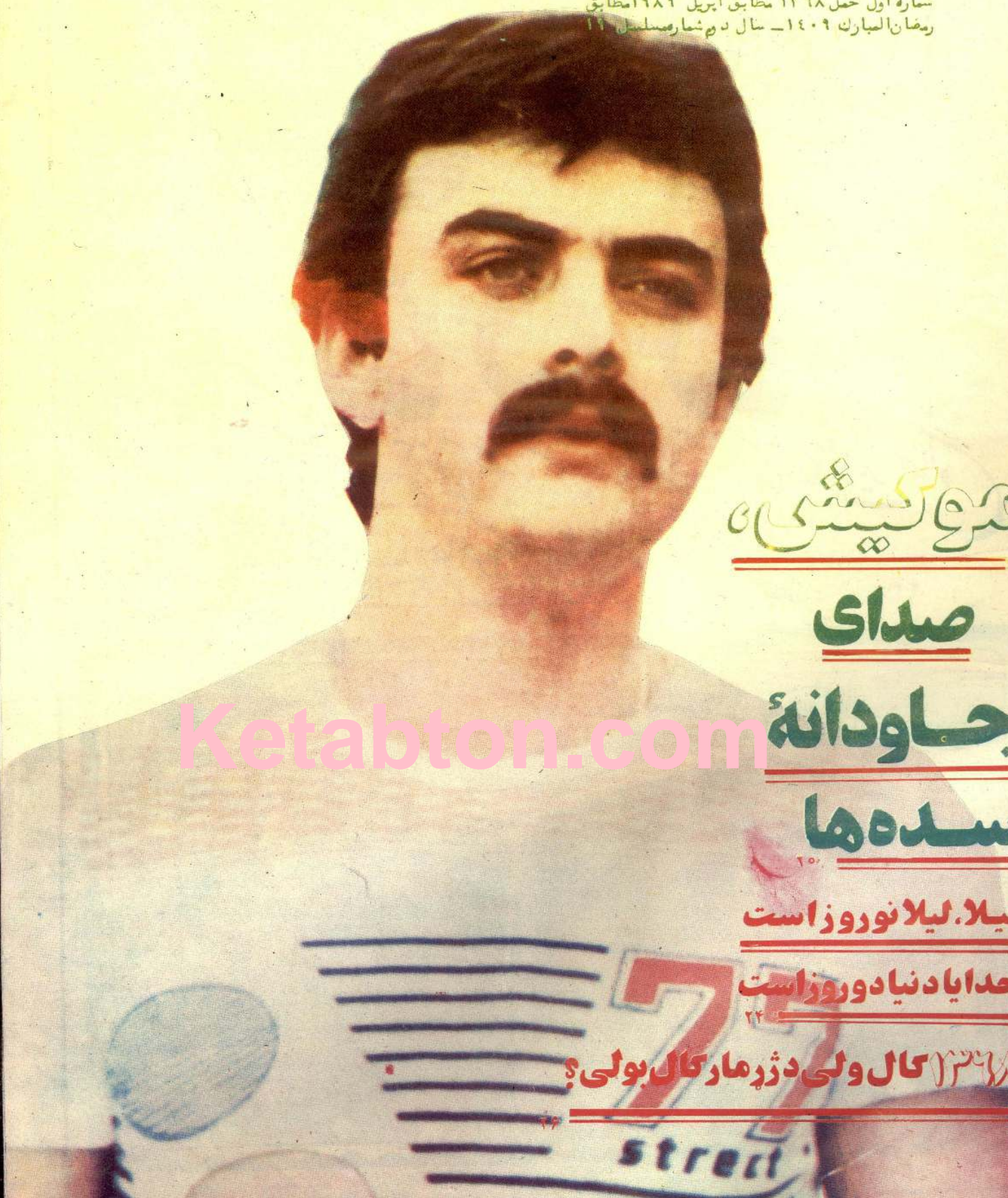
سدها

۲۰
لیلا، لیلا نوروز است

۲۲
خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶
۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

Ketabton.com



لکی فایف



۵۵۵

دعوت کما حقہ
و شخصہ مخصوصہ و شیر خوار شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ
لکے فایف ہمیشہ بکوشش اپنا خاطرہ خواہد بود

آدرس: شہر نرنگہ مقابل مسجد جامع شیر پور • تیلیفون: ۲۰۴۱۰



یمار امین ویدیو کست

بعترین فلمعای ویدئوی گلچین (پښتو، دړی، هندی وایرانی) آماده فروش دارد. فلمبرداری از محافل خوش شمعای یدیرفته میشود.
ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان
۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوشرو سرور شمارا به بدترین وجه برگه از مینماید (همچنان تیبویو یوسی)

اکدیس: چهار راه سردار
تقاب شرفخانه
جمهوریت

خوراکه فروشی انوش

خوراکه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکه باب را به قیمت های مناسب عرضه میدارد. مشتری دایمی خوراکه فروشی انوش باشید. همچنان مجلات و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکه فروشی دستیاب کرده میتوانید.

اکدیس: چوک قلع فتح شه

سباوروس

اعلان تان شمسارا با شرایط بهتر نشه
میرسانه

خوراکه مورد نیاز شمارا به فروش میرساند.

همچنان بلوزهای بهاری هندی و لباس - جین از قبیل براهن، دامن، جیسرهای زنانه، طفلانه و دخترانه ساخت وطن را با قیمت های نازل بدسترس مراه جمعین محنت ترارمیدهد. شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بدست آرید.

اکدیس: سرک ۶ قلع فتح شه تقاب شرفخانه برادران هروی

خوراکه فروشی سباوروس

قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدیدترین لوازم تحریر کلاسوف معارف.

اقسام کتاب و کتابچه، انواع قلم های خودکار خود رنگ و ده ها قلم اجناس دیگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب و رضایت بخش دستیاب نمایید. ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ - افغان. نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

کتاب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای تریکی ارزان و خوب اكدیس: منزل اول فروشگاه بزرگ تقاب شرفخانه

قرطاسیه فروشی اخبارک

قرطاسیه فروشی دوست

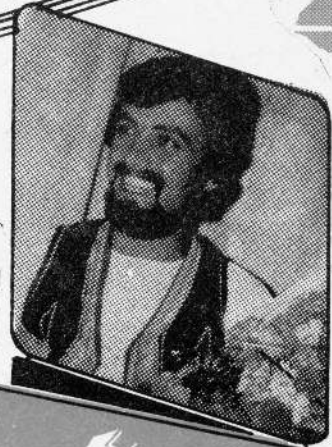
انواع قرطاسیه، جراید و مجلات دخواهتان را عرضه میدارد. ادرس توجه نمایید.

ماکتب مکر و باغ کهنه

ضروری: در شماره یازدهم سال ۶۷ مجله سباوروس در شرح عکسهای مرسوط به استعدادهای ثروت ملی ما، نام محنت قاری فاخره قاری و قاری تصحیح شود.

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم
شماره مسلسل نهم

سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

فاجعه



صدای گمشده، صدای
جاودانه‌سدها
صفحه (۲۰)

صفحه (۸۴)

درسهای موسیقی

پاستی

سیرین

مخ (۸۷)

کوزیر

آیاتاسی دخیل

از مود تا سینما
صفحه (۵۴)

علی فاضلی بسمل
پروما جبرایلی را با
دنیای عشق خود از
سرگردشتان

چون در این بیست
صفحه (۲۲)

از گپها که ما خبر شدیم
صفحه (۴۴)



صفحه (۵۸)

۱۳ ساله و در زمان جوانی
مخ (۲۷)

زن ۱۳ ساله بی نام مرد

صفحه (۴۰)



چهارلی در صد سالگی
صفحه (۳۲)

مدیرمسول: د. کورژا هرطنین
تلفون: ۶۱۹۵۲
معاون: محمد اصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سویچورد: ۶۱۸۷۸
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالیستان
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:
بارق شفیعی
محمد حبیبی
عبدالله شادان
لطیف ناظمی
رهنورد زریاب
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد علی فاضلی
وحمید سمور
مطابقی: کبیر امیر
عبدالله فاضلی
مستقیم: محمد گل
نگار: شریف لطیفی
مطابقی: شایسته

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف
نظر نویسندگان میباشد.

مصیبت‌اشک

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای مائیس و تکالوژی، متاسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدای کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مائیا امروز در هر کجایی شاخ و بنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داری مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سزولکته‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روانها حبه‌ی ترتیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا می‌چی مفهوم دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي ميباشند اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف ميتواند وجود داشته باشد . ناپاسامانی شخصيت مي ثباتی عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري پراي در رفتن اسرار مرز مواد نشه اور و بعضاً هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامشان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگی و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگی است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده می و موارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده می آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده می همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود می آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل می باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار می داشته باشد به مصداق همان شعر :
نشه صهبانمی ارز به تشويش
خسار
در گذر امروز عذاب که فردا
آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض روانی چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشوشات روانی بملاحظه ميرسد گاهی پيشوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش روانی شده است يا تشويش روانی باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوا لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدر انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک می کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساسات عجز و کوتاه نظرمی شود کم حوصلگی و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثر می سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهی هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام مواد استفاده بعمل می آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر می شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده می مصيبت هاي جنگ و بيسوادي و عواملی از ينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخی مناطق از ترياکی بحیث دروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دواي خواب آور استفاده می شود از تبا کوب چرس گاهی براي درمان و معالجه قلع ها کار می گيرند در برخی از ولايات ما در طبابت هاي محلی و غنچهوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار می آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد ترياکی چرس و تبا کوب رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود می آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازاریافته است . متاسفانه زمانی دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعی و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نوعه هاي از مواد ديگر مثل ماند رس ، مخ و بنگ آب و بعضی ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه می گويند : در يکی از مناطق ولايت بدخشان پيغمردی بود که مدت درازی ترياکی دود می کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان می پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود ترياکی نمی پيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده می شود . دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به ترياکی وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود ترياکی و تبا نياردن بيترک آن مرده و زيرمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به ترياکی در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانی وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالی اداره سازمان صحت جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربط ، احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را می نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه (۷۴)

دواي مرگ و تاجران مرگ



بیه میگویند



مهر و وفا

چهار ماهه



چهار ماهه



دو سه و اده

هیله منده م هغه کسان چی به تحینو عقل نار وغیواخته
دی ژر تر زره شفا و موسی او د عقلی او هو بنیابر سترگی بی روضی شی
خبره د اسی ده چی تحنی بی احساسه اوس مسوولیته نارینه
د خیل ژوند بدی او د نیستی روضی چی لومړنی بنیخی ورسره
به ورین تندي کاللی چوره یاده باسی حتی د خیل بیه نسو
اوشعرت شخه تیر یزی او د دوهم واره بند و بست کوی که شه هم
چی د موضوع نوی نه ده ولی به ۶۲ کال کی بی د سارن ناروضی
بته تحانته نیولی او د یروکسانوته بی سرایت و کړ امید واره یس
مسبز کال د اد کورنیو درنگید و ناروضی له منعه ولاړه شی .

لطیما پرداد بیاتون پوهنځی فار التحصیل



پاکي و صفایي

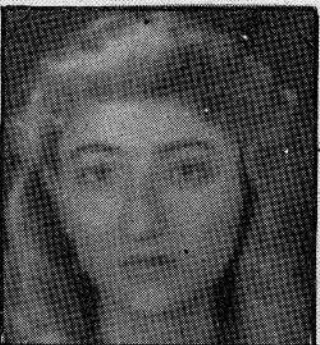
عزیز آقا سراز
دل بستگی خاصی به پاکي و صفایي د ادم آرزومندم صاحب خان
مکروریان شم ، آنجا به معترمی شود پاکي و صفایي راتا مین کرد .
- اگر با دخترین هم سفر زنده کی شوید که ا و چند ان توجه
به پاکي نداشته باشد در آن صورت چه خواهید کرد ؟
- خدای ناخواسته باشد که این چنین شود ، ورته کار زار می شود
با آنم اگر چنین دخترین سرد چار نسدم انوقت اورا به روحیه
خود تربیه میکنم .



نظام و د سپلین در سرویس ها

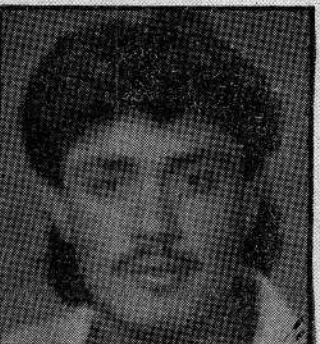
عضوکلان خانوادہ ام میاشتم .. آرزو د ان خواهران و برادرانم
به آرزوهای دلشان نایل آیند .
همچنان آرزومندم که بعضی از همشهریان مانظم و د سپلین
اجتماعی را در سرویس های ملی بس جد ا رعایت نمایند ، و نگرانان
محتشم هم درین زمینه از خود سی تفاوتی نشان ندهند ، بعضی
از مردان به بالا شدن از د روزه اوس سرویس هلاتمندی بسیار
نشان میدهند وقتی برایشان گفته شود که یک کمی دور شوید و یا
به اخل سرویس پیش بروید میگویند : ((برو بی جان توجه
خود می سازن ، ما از خود خوار و مادر د ارم . . .))

مصرفیاتیکان در نشان فار از صواب ۱۲



میخواهد هنرمند سینما شود

محمد فرید محصل سال د م پوهنځی هنرهای زیبا :
در رشته تیاتر و سینما مصروف تحصیل استم ، با ستمک عشق
میورنم و دوستش میدانم ، و همین ام هر نقشه که برام سپرد شود
میتوانم آنرا به خوبی اجرا نمایم ، ولی باتا سف چند باریکه به
اداره فلم های عمری و مستند مراجعه کردم خود را پشت در بسته
یافتم و جواب رد شنیدم ، آرزومندم که امسال آرزو هام برآورده
شود و بتوانم در فلم ها کار نمایم .



پایند حاضری خانه

پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنتنی ژورنالینم :
 تصمیم د ارم اسنال باشخړمورد نظم ازدواج تمام آرزود ارم
 که د زمينه فاميلم مخالفت ننماید .
 آرزومندم بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد ارم و سه
 وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه پایند حاضر د دفتر
 میاشد ، باید پایند حاضر نزد من نیز باشد .

وفادار و پولدار



رزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده کان :
 آرزو د ارم باخوانی داراي تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار
 ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان
 از کشور سوری تمام .
 - اگر باخوانی داراي چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟
 - در آن صورت باهیی کسر از دواج نخواهم کرد .

در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :
 د رزنده کیام سه آرزوی بزرگ د ارم که به حقیقت بیوستن آن
 خیلی مشکل و باهم دوزار امکان است ، نخست آرزو د ارم خیلی ها
 ثروت مند باشم ، آند که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار
 ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس
 موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده
 امریکا سفر تمام .

بنیاست او اخلاق



خیال محمد سر باز :
 زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو -
 ورسته د ژورنالینم به پوهنتنی کی شامل شم . ارم د ژوند ملگري
 چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کن .
 - د د ی خصوصیاتو لرونکو انجلی سره که بیسواده ورا شناسی
 عنده انتخابوی ؟
 - لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگري می باید باسواده وي
 او که نه وه نویایی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم
 شپه اوون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



چهارمین جشنواره شعر جوانان

مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود .
صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمره دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار .
وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد .
باد نیایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند .
هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از وی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و اوهام نداشتید ؟
- البته که واهمه داشتیم ، حتی صدای قلم را میشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله ((شادان)) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .
- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیکلمه می کنید ، آیا اتفاقی افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیکلمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیکلمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیکلمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برایم کافی است .

- شما اکثراً هنگام کارگردانی می کنید همینطور است ؟



پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشان پیچد پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را نا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادرم و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پنج میزتم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها میدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوید ؟
ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. آنرا استر بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بهم نه در آمریکا ، آنرا بوسه دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زودتر از این زمان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا استم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بخوبی دیده در این باشد. بنابراین موه دانه زن میزنم اما را به بوسه نمیزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر، فکر، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- آنروز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتن)) میزنم و اما آنروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دورم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختلاف نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خراب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدید اید عکس العمل تان چه بوده است ؟

وای ! وار خندان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.



میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم

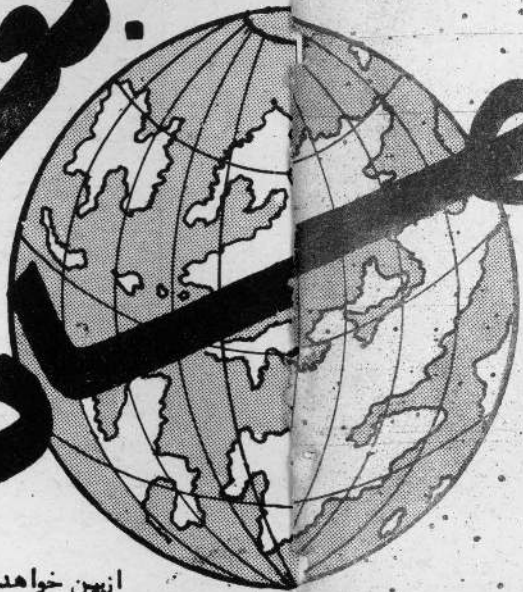


چونان نسل نوبی حد پیرو و از ادا است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهسه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی مسافنه کار استم و عذرت میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز ندرند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدید کسی جلو بروم و ؟

ترجمه: انجنیر حلیم

تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



تأثیر عمده جنگ

ذروی سقوط ناگهانی و سردی

و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست ...

سیاهی جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود؟
از پاسخ این سوال میتوان بهیست مشابه ساح برونه و قاطع
در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت
در کفرانس های دانشندان ذروی در سکو و واشنگتن شهرهای
نیگرنماینده گان جامعه ملی جهان به آخرین مسائبات و تحقیقات
شان بهرامین اینکه جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد
بود توجه جدی مبدول داشته اند . تنهاسه سال قبل دانشندان
ذروی این مفکوره که اگرچه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی ناچهار
انگیز و ناگوار خواهد بود ، ولی موجودات زنده به ناچار مانند کس هتا
کنه نخواهند شد ، کار کردند ، این دانشندان اکنون بعد از دست
یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((خوشبینی)) استدلال ضعیف
وجود دارد ، تغییر عقیده داده اند .

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشندان
زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق
و تجارب مودل های کمپیوتر قرار گرفت ، چه قدرت محض انفجار
(۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمز از نصف زیاد خانه میجرسی
ذروی جهان) باشد ، همه به این نتیجه رسیدند که
موجب انفجارات ذروی نسبت به تانیرات مستقیم آن (امواج تکان
دهنده ، جریان حرارت یافتند باد حرارتی و شمشع) به مراتب وحشت
ناکتر و کشنده تر است .

مودل های اقلیمی که لظرف دانشندان شوروی و امریکایی یعنی
تم ساگان در پوهنتون کورنل ، مشخصین و دانشندان مرکز ملی ایالات
متحده برای تحقیقات اتموسفری در سوتشاید در رأس آن قرار دارد
ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستنچیکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم
شوروی ، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوری از انستیتوت نیک اتموسفر
مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از
جنگ ذروی ارائه میکند . تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی ، سرد
سریع و متلاطم درجه حرارت خواهد بود ، ظرف چند روز محدود جهان
از سردی یقیناً به اندازده سردی قطب شمال دچار سرما خوردگی

خواهد شد وحدافل برای یکسال ادامه خواهد یافت .
آفت ایکولوژیکی سرتاسری!

هفته ذروی بعد از انفجار ((زمستان)) همراه با تاریکی تقریباً
مطلق فرا خورسد ، صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد
در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید
شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت
معکوس را بخود خواهد گرفت .

طبق نظرو ولادیمیر الکساندروف ، درجه حرارت اتموسفر در
ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد
خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنجاه
درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت ، با این کار واکنش زنجیری
از حرکت بازمی ایستد و منتج به آفت ویدیختی ایکولوژیکی سرتاسری
مگردد .

ناپودی صحت بصورت کل

مودل سبب بعدی های درود آنها یکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان
تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند ، طوری که
تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اوسار (هوای خیلی
آهسته تر بر روی اوسار سرد) منتج به تند بادها و توفانهای شدید
در نون های ساحلی خواهد گردید که این به توبه خود چنان بر فباری
های شدید و آید نهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود
خواهد ساخت ، علاوه بر آن تغییرات اتموسفری سببیکل های در ولوتیکی
را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی نواذداری را بر قاره های وسیع
بندان و بدون خورشید حاکم خواهد ساخت .

بعبارت دیگر ، هراتیه که از صهیبت آتش جان سلامت برده ،
سردی یا خشکسالی اثر از بین خواهد برد ، یخبندان ناگهانی وسیع
که الکساندروف ستنچیکوف آنرا پیش بینی کرده ، برای جنگلات در ارتفاعات
متوسط تپاه کن و کشنده خواهد بود ، جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره
بی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگردد ، یقیناً طوری

از بین خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه
حرارت بهمانور نمیتوانند مقاومت کنند .

صریخندگان دیگر!

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا
جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد ، این چه چیزی را اشکار میسازد
یا توضیح میدهد ؟ جنگلات وسیع به صحرانیمه صحرا مبدل خواهد شد
الهدوی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد
گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و
بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید ،
این نشاندهنده امکان پیدایش یک صریخندگان دیگر است .
ملزوماً الکساندروف و ستنچیکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه
بعد از درگیری ذروی ، هوای گرم بر روی ساحات تبت و بعضی نقاط دیگر
موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و
در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد ، بار
دگر سیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد
گرفت .

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع
در نیم کره شمالی رخ خواهد داد ، چون کله های هوای سرد و نیم
کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند ، انسان
میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه بهیست در نیم کره جنوبی
پناه گزین شوند .

زمستان ذروی بر تمام مناطق تیره خواهد انگذد!

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها به خود دلپسه اند ، طبق
نظرو الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره
از بین خواهد برد .

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در
امان نخواهد ماند بهیست تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است .
کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوری دانشندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان بهرامین تغییرات ممکنه در اتموسفر
بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند ، آنان
توفانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر وقوع می پیوندد بعنوان مثال
می آورند .

طبق نظرو گولیتسین ، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان
تابستان بلند میشود ، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر
میگیرد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد ، سطح کره
سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض
جهان پیدا میکند ، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق
خواهد افتاد ، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه بی که بعمل آمده
آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمعاع
خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) -
مراتبه خواهد کاست .

مودل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که
بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما))
کره زمین برای زندگی انسان یا هرارکاترم زنده دیگر جایی مناسبی
نخواهد بود .

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظرو پال ایرلیج ، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد
کالیفرنیا ، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی درمان مانده
باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود ، علت ساده آن اینست
که فوتوسنتز ، این پایه و اساس زنده گی نهات در تارکی غیر ممکن
خواهد بود و بدین زندگی نهات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین
خواهد رفت .

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نیست شکل ارتجایی بخود بگیرد ،
در آنصورت جهان باخطر دیگری یعنی شمعع قوی ماورای بنفش مواجه
خواهد شد .

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر
اوزون اتموسفر طبق نظرو بیوری اسرائیل عضو اکادمی علوم اتحاد شوروی
بقیه در صفحه (۲۷)

اگر نوعیت و احوال کونی زنده می یابد و در آنجا عمل بینین اوست بر اراده ۳۱ آنه و غیر کونی او بیسور بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان جاری او را نیز تغییر دهد (۱۰)

از حکایات باستانی هند
مترجم: ع. فرحسوز
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شام
بایسری که بر این آرزای شده
بود شادمان گردیده بود شام
و ملکه بخاطر دست یافتن به این
الطاف و بخشش شامی از شعایر
و مراسم را بر پا آورد و ریاضت های
بسیاری کشیده بودند از سر
آنها از زمان ازدواج شان در
دوازده سال قبل تا این زمان
کودکی بدنی نیاورده بودند
ملکه از سوی همه نزد یکان و
عزیزان تهنیت گفته شده بود
کودک خوشدل و زیاده رکاب او
لمیده بود و هنگام نیمه شب از
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی
کاخ را ترک گویند تا ملکه
که خدمه ها در بیرون از اتاق
نگهبانی اثر میکردند خواب
را حسی داشته باشد و جراحها
خاموش شدند
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان
بیدار شد و بدظن بر رسید که نوری
در نزدیکی سرش ظاهر شده است
چشمهاش را گشود تا به منبع نور
نگاه کند آنچه را دید او را به
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست
را ستر به سوی سرکودک نوزاد
کشیده شده بود چون ملکه به
آن نگریست موجود نورانی
دستش را عقب کشید و لبخند زد
ملکه بر حایر نشست و گفت
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً
تو پند موجود آسمانی هستی
چون نورانی خاموشی گردید این
کار ملکه را شگفت زد ساخت
ملکه گفت
- برا شما گفتمی زنده
و مود با نه افزود
- آیا شما یک موجود آسمانی
نیستید
رب النوع سرنوشت گفت
- بلی استم اما من رب النوع
سرنوشت ایتم و یگانه و شیفه من
اینست تا آنکه را در زنده کسی
برای یک نوزاد فراهم شده
است در پیشانی او بنگسیار
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه
(کارما) برای یک کودک مقرر
داشته است از زودم من درختان
تولد هر کودکی را تعیینم اما
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت
خاص و بدانی بی است که تو
یداری با وجود آنکه خود از آن
آگاهی نداری
ملکه در برابر رب النوع خم شد
و پرسید
- آیا آنده را در پیشانی کودک
من نباشته این برای من آشکار
نخواهید کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- من نمیتوانم آشکارا تمس
اگر اینکار را بکنم برای توست
ندارد از سوی دیگر اینکار
بدون هیچگونه لزومی باعث
شگرتی تو خواهد شد
- شما همین الان نیم از آن به
را آرزو داشتید بدانم برایم
گفتید چنین به نظر میرسد که
هیچ چیز خوبی در سرنوشت
بسم وجود ندارد شما باید تمام
حقیقت را برایم بگویید در غیر این
شمارا نخواهم گذاشت که بروید
اگر با جبر بروید من خود را
خواهم کشم
ملکه این جمله ها را با صدای
نرم ولی مضم اغشار کرد
مباحثه بین ملکه و رب النوع
ساعتی ادامه یافت بالاخره
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه
آشکار سازد که بر او در زنده کسی
خواهد کرد و دراز کاخ در
جنگلی خواهد زیست
ملکه دریا را بر رویید نگریست
اما بخورد جزا داد تا از
رب النوع خوشبختی تقاضا کند
که اندکی بارید بختی بپوش
را کاهش دهد
رب النوع گفت
- خوب من تضمین میکنم که او
هر روز توانایی شکار یک آهورا

داشته باشد و این امر بزرگی از
سرنوشت او خواهد بود بیشتر
ازین تازی کرد نمیتوانم
و سرانگین سخن ها رب النوع
ملکه را ترسید
روزها سپری شدند ملکه در
و وسواس خود را در دل نگهداشت
یک سال بعد شاه بیمار شد و
در گذشت وزیر سیمه کار او
تا شاهی را به بهانه اینکه
شهرزاده خرد سال است تمسب
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه
و شهرزاده را بکشد اما ملکه با
شهرزاده کویت به موقع فرار
کرد و در جنگلی پناه گرفت
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه
و اقیعیت پیوست هر نام ملکه
جال های را در گوشه و کنار جنگل
می گسترانید و صبح بعد آهویی
را در یکی از جال های یافت
ملکه آهورا به یکی از جنگل نینان
میداد و او آنرا در شهر می فروخت
و بهایش را به ملکه می سپرد
به این ترتیب سالها سپری
شد بزودی شهرزاده نوجوان
به یاری مادر شتابید در عین
حال شهرزاده به شاکردی یک
تارک دنیا رفت و نوشتن خواندن
و فلسفه را آموخت
روزی شهرزاده در اندیشه بی
با خود میگفت
- بسیار شگفتی آور است که
هیچگاهی بیشتر از یک آهور در روز
شکار نمیکم در حالیکه هر روز در
پنج محل جال میگذارم و بسیار
عجیب ترینکه هیچ روزی را بدون
یک آهوی شکار شده سپری نمیکم
مادرش که این سخنها را
شنیده بود گفت
- این بخاطر است که شکار یک

آهور یک روز جزئی از سرنوشت
توست
به این ترتیب ملکه بخشی از
راز را آشکار ساخت شهرزاده
اصرار ورزید تا بداند که مقصود
مادرش چیست و ملکه مجبور شد
تا همه چیز را به یک به او بگوید
شهرزاده نشست و در سکوت
تزیینی فرورفت پس از سکوت
طولانی گفت
- مادر! من سرنوشت خود را
تعمیر خواهم داد
- بسم چگونه اینکار را میتوانی
بکنی کی میتوانی سرنوشت خود
را تغییر دهی
شهرزاده نوجوان گفت
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی
خویش به خاطر اعمال خود در
زنده می قبلی است بسم من
میتوانم اینکار را بکنم
شهرزاده ساعات طولانی بسمه
اندیشه فرورفت و بعد با چهره
مغمم برخاست
روزی دیگر او به عور پنج جال
فقط یک جال را در گوشه بی از
جنگل گسترانید و در نور یک
پیشینی کرده بود یک آهور را
در جال یافت
روز بعد به عور اینکه جال را
روی زمین بگستراند آنرا در
شاخه بی از درختی آویخت
با وجود آن صبح روز بعد آهویی
در جال گیر مانده بود
و بعد جال را در بلند ترین
درخت آویخت و همین سان گرد
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت
نیمه شب از خواب بیدار شد
و موجود نورانی بی را در کنارش
یافت
شهرزاده پرسید

- آیا عارب النور سرنوشت
استیسه
رب النوع خشمگین گفت
- بلی من استم منظور تو از
آویختن نبال در درخت بلند و
افروختن آتس پیرامون آن چیست
ایا تو میدانی با وجودیکه من یک
رب النوع استم در نیای عینی
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم
کار بکنم نمیدانی که بسردن
آهوی بالای درخت تازی است
دنیار
شهرزاده گفت
اما شکار یک آهور هر روز جزئی
از سرنوشت من است اینکه
چگونه آنرا در جال من گیر
میاندازی کارتوست
رب النوع گفت
- آیا باید بخاطر خوشبختی
که برای تو تضمین کرده ام مزا
حم من شوی
شهرزاده آهسته گفت
- اگر کار تاز شوارنی ساختم
تو در برابر من ظاهر میشدی
- اما تو چرا میخواهی که من در
برابر تو ظاهر شوم
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من
نوشته بی و مرا محکم به زنده کسی
در تبعید میکند از جبین من
بزای رب النوع سرنوشت
سکوت کرد شهرزاده چشمانش
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم
از یک سرنوشت تو گردید لحظات
طولانی سپری شد شهرزاده
احساس کرد که دست رب النوع
از پیشانی او میگذرد بعد
چشمانش را باز کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- با اراده و آرزوی خود تو قادر
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی
و افزود
- احسان و بخشش من با تو
خواهد بود
و آنگاه ناپدید شد
روز بعد خوب شکی خوبی
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده
و مادرش آورد قاصد تخت و
تاج که مستبد و مستگر شده بود
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ
رفتند همه کس ملکه را شناخت
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر
سرنهاد



مراسم یک تدفین

امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسایل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکینو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پیناز ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

درین مراسم جاپان بایست پلوما

سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در هلهوی آن حکومت صدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معسوف نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتو منساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی مسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی بی نشان برداختند حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیرامین را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا بحیث تجلیل تبارز جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما موران عالیرتبه شان برداشته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگین



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجوکوگین، که باشکوه های گیلان خود شعرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود و رانجا یک سالون مراسم، که دارای یک دروازه چوبی به ارتفاع ده فوت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هب سیر ۵۵ ساله امپراتور نقش همانند آرو - رهبران مذ هب شنتو نقش بر گزار کننده رسمی مراسم را ایفا نمودند. در پایان مراسم مذ هب بیانییه های از طرف صدراعظم و دیگر ما موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیو نقل داده شد.

از آنجاییکه هوای تیزوری توکیو سرد بود حکومت جاپان تا حد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت ننمایند. البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمانان فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت را مجبور مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت صدراعظم جاپان تا حدیکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او در دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصص داده بود، امپراتور جدید و خاتمش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یان پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

زخم معده یک مریضی

نوشته دکتر کورون الله روحیان
مکروبیست
کشف میکروب کامیابلو بکتیر بیل - کور (Compylobacter pylori)
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکم و اسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز همگی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب بیلوری را در معده شان حمل نموده و محو همین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمیم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یا زخم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلان بالایی فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب بیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میباشند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مراتبه امانه تراز مرخصان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت به رشد بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط به قلوبی اثنا عشر - تشوش روحی، سگری و مسواد مخزش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین و یا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معضات تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردد ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب بیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانده که یکانه میکروبی است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر بیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند. و اکثر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم با کار بزیست از یوزیا میشود که مشابهت با میکروب های نوع سیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges
بقیه در صفحه (۹۰)



موگیشی، صدای جاودانه سده‌ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موگیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موگیش چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازگشتن به هنر او از خوانی این نیز تا "تیر منق" بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنکچ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ ((کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسوا من)) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موگیش را با سیلی زد. اما خود بیسوا من این انسانه را زد کرده میگوید: ((شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موگیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موگیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بمان آورد. تهدیدش کردم که در جلو ارگستر -

لک و کوش خواهم کرد.))
بقیه در صفحه (۷۸)

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر میخیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موگیش و رنیه - مردند چنین چیزهایی واقع نشد و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موگیش ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کردند زیرا موگیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هنر رهنوش)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موگیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موگیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قسطنسخیر شده. هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موگیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتی گیرمانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدا پیش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسانسون آواز از آهنگهای بدیعترین عارایی ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری

ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي .

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود .
- الرزکونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي . هسه سربازان به روزلي دي او سورشال موهم لیري کړي (پوه شوي ؟)
- هو ، ښاغلی جگړن .
- اوپام کوي چی سربازان د سگرت خکولوبه وخت کی احتیاط وکړي . کله چی غشی ویشتونکی دغه د شپې خلیلد ونکی چینجی وینی چی له یوې خوانه بلې خوانه یی گوتی یی خاریت کوي .
په تیره اونۍ کی پناه کسه سربازان په سروندو باندې په گولی ولگیدل ، ښه پاملرنه وکړي !
پوه شوي ؟
- هو ، ښاغلی جگړن .
دوم برید من الرزکله چی د ټولې په لوړ روان

لیکونکی : ولکانگ پورشرت
ژباړونکی : ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه ،
یو کال پنځوس سه شنبی ،
او جگړه ، د یوې سه شنبی لري .

د دې سه شنبی په ورځ

په ښوونځی کی بی القاد لویو تورو مشق کاوه .
د ښوونکی په سترگو ، د بلې ښښې لرونکی عینکی وي . عینکوی جوگا په نه درلود اولنژونه یی هغو -
مړه د بل ووچی سترگی یی په سختی لیدل کیدی .
د وه خلویست دجونۍ د توري تختی ، وړ اندې ناستی وي اونه غټو تورو لیکل :
(فریتس د خلیب بیاله لري . د برتای د خندا غمز تیارسه ورسید . په جگړه کی ټول پلرونه سربازان دي .)
اولا (۱۱۱۵) د خپلی ژبی خوکه . ترسزي پوري ورسوله . ښوونکی هغه ووهله . (اولا (تا - جگړه په (گ) لیکلی . په (گ) لیکل کیسزي . (گ) لکه گور . ماخوچوله درته وپلی دي)
ښوونکی یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په وړاندې یی د چلیبانته کیښوده . (د سبا لیا ر ه دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي ؟)
اولا وویل (هو) اوله ځانه سره یی زیاته کړه : (عینکی یی وگوره) . د ښوونځی په حویلی کی کارخانود د وږي لیري غونډول شوي ټوټی خورلی .

د دې سه شنبی په ورځ

دوم برید من اولرزد ټولې قوماندان وټاکل شو .
(تا سبا یاید خپل سورشال لیري کړي . ښاغلی الرزک)
(بلې ښاغلی جگړن ؟)
(هدا س د ه چی ویس ویل الرزک ! په دوم ټولې کی دغه موضوع په چابنه نه لگزی .)
(ټاکل شوي ده دوم ټولې ته تبدیل شم)
(هو . او هغوي له دغی موضوع سره ښه نلسري .
ته نه شی کولای له هغوي سره سم ولاړ شوسی .
دوم ټولې له انضباط سره عادت کړي . له دغه سره مثال سره په تاسووته منی . تونن هسه داسی کوم شی له ځانه سره نه گرځاوه .
(هسه یی شوي ؟)
- نه ، هغه خبر را کړ چی ناروغه شوي دي ، حال یی ښه نه ، له هغی ورځی نه چی د تونن رتیب

بیغلی سورین وویل : (هو ، هغه کولای شی) .

د دې سه شنبی په ورځ

تونن هسه یی په تسکړه کی له حشراتو سره د مجادلې کوتی ته وپوړی . د ننوتود د روزي پر سر په یوه تابلو داسی لیکل شوي و : (که جنرال یی کی سرباز یی ، دلته باید خپل وښته وخری)
د هسه وښته یی وخرییل . د نرس اوز د یو وړي کوتی د غنی لاسواښوته ورته وي .
د بند وپوشاوغوا یی لږ سره ښکاریدله .
هسه ته یی په کم شی باندې چی د درملتون پوي یی درلود مالش ورکړ . ترس پخپلوی غنی د وړه لاسواښود هسه ښوونځی وروسته یی په یوې د بلې کتابچی کی داسی ولیکل : (تودوخه ارا) ، ښ

۱۱۱۶ . یی هونه ، په قوی گمان ، تیغوس)
کتابچه یی وتر له ، د کتابچی پر وین لیکل شوي و :
(د سمولنسک د ساري ناروغیو روغتون)
کرنی لاندې : (یوزرا و خلو رسوه بسترې)
موهظفینود هسه تسکړه پورته کړه . په زینه کس سر له پر ستنی څخه د باندې وتلی و ، اوله یوې خوا نه بلې خوانه په حرکت کی و ، وښته یی ورته خریلی و .
د تسکړي یوه وړ ونکی ریزش کړیو .

د دې سه شنبی په ورځ

میرمن هسه د گاوندې د کورنیکه وواژه . کله چی د روازه خلاصه شوه ، هسه لیک یی چی په لاسکی و ونسواوه . میرمن یی تونن شوي و .
په هغه بجای کی د سر ودرجه صفر لاندې خلو - پښت وه اودغه لیک نه ورځی په لاره کی و .
د پاکت بروم لیکل شوي و : (میرمن تونن هسه ته د ی ورسيزي)
میرمن هسه لیک جگړ نیولی و ، خواوندې یی هغه نه لید .

خلویستود رچی ساره ، او ترشوندولاندې یی زمزمه کړه : (بیچاره سربازان) .

د دې سه شنبی په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د ساری روغتون رئیس د روغتون له سرطیب څخه پوښتنه وکړه .
(هره ورځ خوکه .)
(پناهغه شپز کسه .)
اوربیس وویل : (نفرت پارونکی ده) .
سرطیب یی په خواب کی وویل : (هو ، نفرت پارونکی ده) .
او هغی یوه د بل سترگوته ونه کتل .

د دې سه شنبی په ورځ

د (جاد ویر فلوټ) قطعه یی غزولسه . میرمن هسه خپلی شونډې سړي کړي وي .

د دې سه شنبی په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسی ولیکل :
(د خندا ایله مرستی پرته استقامت نه شی کیدی)
خوکه چی اسپستان ورتز دی شو . له خایه پورته شوه . اسپستان لکه چی د نرې د یوې وچی نیمه برخه یی برشا پاروي د سالون له منعه په کړ وپسه ملاتیر شو .

الیزابت له هغه پوښتنه وکړه : (هغه ته باید کم شی ورکړم)
د اکتر خواب ورکړ (نه) دغه کلمه یی هومره ورو وویل چی تابه ویل له خپله ځانه شرمیزې او وروسته یی تونن هسه د باندې ولید داوه . د پا - ندې زیات غالمغال اویدل کیده ، چا وویل : ولسی مری په ارامی سره پر ځمکه نه زدی . هر محل هغوي له پاسه خوشی کوي او غالمغال جوړ یزي .
اسپستان له یو بسترنه بل ته یی . هره ورځ اوهره شپه .

اوب د ی وریس اود شپې په اوب د وکی . لکه د هغه چا غونډې چی د روند باری بر اوب ووي . کس و پ د سالون له منعه تیرید .
د باندې . دوه کسه چی تشه تسکړه یی وړ لسه سره خپې را ولویدل . یوه یی وویل : (خلکورم نمبر ریزش کړیو) .

د دې سه شنبی په ورځ

د شپې . اولا په خپله کتابچه کی په غټو تورو داسی لیکل :
(په جگړه کی پلرونه سربازان دي .
په جگړه کی ټول پلرونه سربازان دي) .
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله . او جگړه یی په (گ) لکه گور .



صاحبا ز پوپل

لیلا، لیلا نو روز است خدا یاد دنیا کو روز است



نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان راد یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اید علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من.

— در راد یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی راد یوتلوزین که زنده باشند در روزه های مایوسی را بروی من کشود اید. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انراد ر طلوع سوزنیک ثبت میکم بعد از از زبانی اگر خدا بخواید که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما یوس گله و شکوه به خورد من داد پس بد یعنی چه. بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یوتلوزین کردید از همسان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت بد پند برنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما، گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

همچنان اهنگ: قدح را سرگنیم شب را سرگنیم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت رازین برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— یاد راول هاهم از طرف راد یوتلوزین داشتید.

— بلی. اولین اهنگ راد یوتلوزین با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— با آواز مقبولی که در اید ۷ پارچه خیلی کر نیست؟

— چه باید کرد کسی به راد یوتلوزین راه نمیدهد.

— علت انرا میدانید؟

— بلی میدانم. انانیکه از زبانی اهنگ ها را به عهده دارند نمیتوان خواست شانرا بر آورده بسازم.

— اقتصاد من خیلی خراب است.

— فقط همین علت است.

— یک گپ دیگر هم است من نه کابی بقمه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق صرف در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد یوتلوزین موجود است.

— از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگنیم شب را سرگنیم) میباشند که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی ها بالای ستیز من بینم. او میخورد اید ((نگاهت رازین برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زدم ام)) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرده ام از او دعوت میبایم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انراد یوتلوزین میگزینیم. علاقه مندان او از تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

بمبازند کشور ترک کند او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده و پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشقی قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از انجای فرانسه رفت و فعلاً در کالیفورنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام ((گروه کامیون)) نامیده میشود که در راه بین وقت میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقتی او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقتی میخواند تو میگفتی گلها میشکند و شاخه های خشک درختان شکسته میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۵۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید. و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقتی متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

زاکا کال وولک د ژرما راکا کال یوپی

کی نقل زره نازره وی یو آزی
د خیل احساس سره سم پرمخ
بسی د خیل مراد د لاسسته
راور لود باره توله مخکه رانسکر
زوی د مار به کال زیزید لسی
هک تغار شعوت پرست او
خورا حساس وی اوزیزید لی نجل
بناسته وی به خایانیا نوکی
د بناسته ستاین د باره مار
فوندي بناسته اصطلاح وسیل
کیز یی

نیکمرغه به وی که د مار به
کال زیزید لی د گامینی اوچرگی
به کال زیزید لوسره واده وکړي
خود بیژود کال سره به طالعمنند
نه وی د پراگ او وحشی خوگ
د کلو سره به بد مرغه وی (۱۰)
به یو یزیم کی مارک نیسه
موجود به توگه گیل کیزی د مار
رانو پاچا (موجالیندا) بوداد
سیل به وخت کی وژغوري مار
خو پی ی ترهغه وخته پوری ساتل
کیدي ترخود فیلسوف نگارچون
د نظر له مخی انسانان د مار
د پوهی سطحی ته ورسیدل
همدارنگه به بودایم کی مارک
تهر چرگ د شعوت او خوگ د
جهل سمبول دی

د منحنی آسیا منی خلک په
دی عقیده دی چی د مار به
کال زیزید لی نارینه که د سړی
اومیزی به کال زیزید لی نجل
سره واده وکړي د هغه
اولاد ونه به نامتوانان داره خلک
وی د مار به کال زیزید لی نجل
که د چرگی اوتوپه کال زیزید لی
هک سره واده وکړي دوی به
نجونی زیزوی

د منکولیا اومنجوریا خلک عقیده
لري: ((د مار به کال زیزید لی
یو معتدل اوزره سواند مانسان
دی همدارنگه دی به منطقی
تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی
وی خو عیب به یی دشرویاتو
خینل وی د زره مغلواو نوری
اوز دی ناروی به ولری د د
د باره لازم نه دی چی دخیل
ریس (وظیفوی) سره جنجال
وکړي به لومړی سرکی به رنغ
یو سی اووروسته به له منحنه
ولاړ شی (۱۰)

د مار به کال زیزید لی انسان
به تریوا ویا کلو پوری ژوند وکړي که
د پاک خدی د کراوشا وایسی
مشکله خوگ خان حنی خلاصولو
شی د مار د نوروه نظریوا و فیصلو
وی

د تبت د شپيته کلنی کلیز یی
بیل د جینی کلیزی له بیل سره
سمون نه لري به تبتکی دا
دوره د سوي د کال خخه بیل
کیزی یی داسی حال کی چی به
جین کی د موزک د کال خخه
بیل کیزی یی د دوی ترمنغ توپیر
به د روکلوکی دی به دی خاطر
اوسنی شپيته کلنه دوره به جین
کی به ۱۹۸۴ کال او په تبت کی به
۱۹۸۷ کال کی بیل شوه
د ۱۹۸۹ کال د فبروري د
شپزیم نیتی به شیه نوي کال
یعنی د زره مار کال بیل شو
(چی ۱۳۶۸ هـ ش کال هم به
همدی نامه یاد یزی) د طبیعی
عنا صرو د دی رنگ سره
مخک سمون لري کال مونث
(نرم) بلل کیزی د خختیو
خلکو په روایت به دی کال کی
ژوري او بد مرضی بیسی سختی
نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی
د منحنی اوختیعی آسیا په خلکو
کی د مار خخه مختلف تعبیرونه
شته جابانیا ن عقیده لري:
(مار د حکمت فراست اوارا دی
خو راطالع مند دی
هرخه ته بخان رسولی شی مار
متکبر او مغروردی خو ظرف اغو
سته شوی دی مار خورا خسرود
خواه او موزی دی خود علاقسی
به صورت کی مرستی ته هم دانگی
کله هم داسی ساته کوی چی به
مشکله خوگ خان حنی خلاصولو
شی د مار د نوروه نظریوا و فیصلو
وی

د هر عنصر د باره یوزرگی یعنی
سورد اور ژر د مخکی سپین د
اوسینی تور د اوبواوشین د در
ختی د باره مشخص شوی دی
کلونه به مذکر (کلک) اومونث
(نرم) ټول هم ویش شوی دی
د موزک پراگ نهنگه آس
بیژواو سینی کلونه مذکر (کلک)
اود گامینی سوي مار میزی
چرگه اوخوگ کلونه مونث (نرم)
بلل شوی دی
لویه یا شپيته کلنه دوره به
ختیغه اومنحنی آسیا کی لخورا
پخواخخه د تاریخ به مختلفوزمانو
کی منل شوی ده د انگیزه به
چین کی ترمیلاد مخکی به د وده
پی پی به جابان کی به مغولستان کی
به خلورمه پی پی به مغولستان کی
د میلاد به خوارلمه پی پی ۱۰ و
به تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل
شوی ده

همدارنگه کال میاشت ور
بسی او ساعتونه هم دخارویوه
نامه یاد یولی لکه د (بصفرتر
۲ بجو) د موزک ساعتونه
(۲-۴ بجو) د گامینی
(۴-۶ بجو) د پراگ له
(۶-۸ بجو) د سوي اوهدا
راز تراخره پوری یاد یول
لویه کلیزه
پنجه کوچنی د وولس کلنی
د وری یوه لویه شپيته کلنه دوره
چو وی به دی دوره کی یو
خاروی پنجه واره به تکرار یاد
یزی خوه هر وار کی یوزرگی د
هرخاروی د باره مشخص شوی
دی د ارنگره د پنجه طبیعی
عنصر یعنی درخته اور مخکسه
اوسپنه او اوبوخخه اخیسته
شوی دی د اوشیه لاند نیس
جدول کی به واضح ټول خر
گند یزی:

مور	نر	۱ شین	۱۳ سور	۲۷ ژر	۳۷ سپین	۲۹ تور
کامینه	بنیخه	۲ شین	۲۴ سور	۲۱ ژر	۳۸ سپین	۵ تور
پراگ	نر	۳ سور	۱۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور	۵۱ شین
سور	بنیخه	۴ سور	۱۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور	۵۲ شین
نهنگه	نر	۵ ژر	۱۷ سپین	۲۹ تور	۳۱ سپین	۵۳ سور
مار	بنیخه	۶ ژر	۱۸ سپین	۳۰ تور	۳۱ سپین	۵۴ سور
آس	نر	۷ سپین	۱۹ تور	۳۱ سپین	۳۲ سور	۵۵ ژر
میزه	بنیخه	۸ سپین	۲۰ تور	۳۲ سپین	۳۳ سور	۵۶ ژر
لیژو	نر	۹ تور	۲۱ سپین	۳۳ سور	۳۴ سپین	۵۷ سپین
چرگه	بنیخه	۱۰ تور	۲۲ سپین	۳۴ سور	۳۵ سپین	۵۸ سپین
لیپی	نر	۱۱ شین	۲۳ سپین	۳۵ سپین	۳۶ سپین	۵۹ تور
خوگ	بنیخه	۱۲ شین	۲۴ سپین	۳۶ سپین	۳۷ سپین	۶۰ تور

نامه یاد یزی به دی ټول:
۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا-
نگ ۴- سوي ۵- نهنگه ۶- مار
۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو
۱۰- چرگه ۱۱- سپی ۱۲- خوگه
نوي کال به د جنوري د د یار
لسمی خخه د فبروري ترخلو رو
پشتمی پوری (د جدید رویشتمس
خخه د حوت ترخلورمی پوری)
بیل کیدی تل د سپوزم به
لومړی وړخ نامانعل کیدی
منکولیا یی ژری ویونکی خلک نوي
کال (سگان سر) یعنی سپینه
میانت بولی نوي کال به نیمه
شپه نه نامانعی بلکه د نوي کال
به لومړی وړخ د سهار سپید وته یی
نامانی اوبه دی سهار دی یی
سین خلک د یویل کورته می د
نوي کال مبارکی وایی اوسوماتو
ویش د اعادت تراوسه پوری
به منحنی آسیا کی پاته دی به
به میلمستیایکی د فونواوشید و
خخه نیار سوي خوار به دستر
خوان اینول کیزی سپین
خوار به سپینه میانت لور
حکمت د رلود او خلک به دی
ارمان وه چی د خوار به
نوي کال د رمو به زیانید وکی
اغیزه لري او د پوی خور لسو
به وخت کی یویل ته دخارویو د
بجیانو د زیزید ولو هیلیس
خرگند ولی اوبه مغولستان
کی اوس هم د نوي کال لومړی
وړخ دخارویو دورمی به نامه
یاد ییزی

نه نگاری د دی برخای چی
د اقمری شمسی ویولو به به
وی چی قمری شمسی
مشتري زحل کلیزه یی ویولو
بهره د انگیزه د لمر سپوزمی
مشتري زحل اومخکی د حرکتو
خخه ترتیب شوی ده د ادرکه
هم د وولس کلنه بلل شوی چی
د لمر به تاوخوا یاندي د مخکی
د حرکت خخه تصحیح شوی او
توگه ۱۱۶۸۶ کلنه دوره بولی
د اوره د لمر به تاوخوا یاندي د
مشتري حرکت دی
تراوسه پوری د دی کلیزی د
بید اکید وخیای چاته بحرگند نه
دی البته به آسیا کی دی خو
به ختیغه یا منحنی برخه کی د
خرگند نه ده د پوی خوانجو
می شمیرنه د منحنی آسیا کوچنی
کلتور خخه لیری بریسی اوبه قوی
احتمال د چین د خوزون نجوسی
تاریخ لاسرته راپرته بلل کیزی
د بلی خواد کلیزی ټول خاروی به
لز استتا (بیژواوچرگه) به
منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ
خوه مرعای کی ژوند کولای شی
هرکه نوحمل به سل کی دیوه روایت
تا بید گران گاردی خو بیاه به
اهتمام سره ویلی شوی د دی کلیزی
چوړونکی صحرایی کوچیان دی چی
د منکر کوچی مد نیت خاوندان
ورخرنگه چی مخکی مورویل دوی
کلیزی دی کوچنی کلیزه د وولس
کاله ده هرکال د یوخاروی به

د هر نوي کال به راتلو سره
ټول خلک د نوپیدیدو البته
نیکمرغه پیدیدو به پیر به تمه وی
اوهر یو د خیل قیاس سره سم
راتلونکی اکلونه وړاندي کوی
د ابحوانی آسیا یی عادت به
اروپا کی اوس د کلتور او کچر جیز
گرخید لی دی خو پوهیزی
چی راتلونکی کال د کم خاروی به
نامه یاد یزی اوهغه ټول کالی
ارمانگونه واغوندي اود کال
به لومړی وړخ یا شپه یو بناسته
نوبت بنکاره کړی به عانگری
توگه پنجنی د دی پوینتی سره
پیره علاقه خرگند وی اود نر
زره غواری چی د نوي کال نم
د هغه خصوصیات اوتقریسی
اتکل شوی راتلونکی خان تصعلیم
کسری
د کلونود اوشی یوه ختیغه
عنینه ده چی د یخواخخه د
کلیزی به ټول د کال د عدد سر
خنکه دخاروی نم هم لیکل کیدی
د اوشی دوی دوری لری لومړی
بی د وولس کلنه اود وده یی
شپيته کلنه دوره ده کله یی
پوهان د کوچینی اولوی دوری به
نامه هم بولی د وولس کلنه کلیز
د نورولس هاوولکیزو به برتله
د ویره معموله کلیزه نه ده به
یقینی ټول د انگیزه د ویر
حقیقی نه ده لکه یوه نجوس
اوکلتوری کلیزه چی ده به
علمی ادبیاتوکی بی کله قسری
کلیزه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و نرغاد محلی خخه
د شیر شاه رشاد ژباړه



مرزهای دانش

آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (توسفيو جزمين) در ارتفاع ۲۰-۳۰ كيلومتر سطح زمين - منتشر است، هرگاه آن از ديگر تركيبات اتموسفيو جدا ساخته شود قشری با ضخامت ۳ ميلي متر را تشكيل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هواي نورمال به ۸ كيلومتر میرسد، آزون - راديو اکتیف ماورای بنفش خورشید را جذب نموده، مانع ضرر به پوستی - بالایی سطح زمين و مانع تغییرات حرارت در اتموسفيو میگردد.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشید کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هواي محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمين بر اقليم اثر افکند و درجه حرارت آنرا کمتری میکند. از جمله دشمنان عمده آن فنون - رون و محیط بحرکات مشترک کاربن و فلو و کلور میباشند. از ۶۰ سال است که در میخان ها و کولرهايشکل مانع مورد استفاده قرار میگیرد. این ماده زهر آگین نبوده بود، فواران کم میباشد. در ارتفاعیکه انتقال میکند کاربن را آزاد می نماید، یک اتم - کاربن میتواند ۱۰۰۰۰۰ اتم آزون را تخریب کند.

برعکس فنون کاربن همان - کساید آزون و دیگر موادیکه تعداد آنها به ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب می نمایند.

برای از یاد معلومیات خوانندگان محترم نقل گفتگوی خبر -

نگار روزنامه از ویستیا با پروفسور ولادیسو زخاریف نماینده اتحاد شوروی در کنفرانس مونتهال که پیرامین اتخاذ تدابیر دروقیه قشر آزون از تخریب بعمل آمده تفسیر شدیم. - آهنگ تخریب قشر آزون به چه پیمانها بست و ازین نگاه در سه - ۲۱ چه چیزی را انتظار است.

در دهه ۲۰، که تأثیرات مواد مخرب بر این مورد مطالعه قرار گرفت، چنین پیش بینی بعمل آمده که پایان سده جاری ۲۷ فیصد آزون کاهش خواهد یافت. مگر خوشبختانه این پیشگویی به حقیقت نرسیده است. قرار مسابقات علمی، در صورتی آهنگ تخریب شدت موجود را حفظ کند، تا نیمه سده آینده از ۶ تا ۷ فیصد پوشش محافظت خود را از دست خواهد داد. مقدار کم آزون اتموسفيو هیچگونه به یقین معلوم نبوده است، در - اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ مقدار آن صدمید بلند رفت ولی در اوایل دهه ۶۰ فیصدی آن دوباره پاييس اتموسفيو از ده سال نسبت به دهه ۵۰ بلنند رفت و از نیمه دوم دهه ۷۰ دوباره پاييس آمد، فعلا قشر آزون ۳ فیصد نازک شده است. - کاهش قشر آزون برای انسان چه تهدیدی را در قبال دارد؟ - لزوم نیست از حجم آنتاب نامت شوش داشت، چه لباس مادی - بپوشد (صفحه ۷۵)

آیاتصادم زمین با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای آهنگهای اطراف ما، که بانجم و کواکب مریخ گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب سیاره پرتوفاشانی می کنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنتاب دور میمانند، نجات یافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - اگر یکی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید؟ علما اظهار می دارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این در خلدت این امکان به میسر میسازد.

طبیات سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبابت خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبابت باید در کنار طبابت عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد. برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد:

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش را اکثر آغاز می یابد.

از چه؟ از همه چیز. سر درد میکند، خواب ندادن، اشتها ندادن، یابسی از حد معیسن غذا میخورم، تکلیف عصبی دارم، بابت عالم اندیشه های و تعاسم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشم. قهقهه میریزم تا خود را تشکیس دهم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دارم و...

در بیماری سوزن را بالا نماند. فضا ۱ این دنیای آهنگهای اطراف ما، که بانجم و کواکب مریخ گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب سیاره پرتوفاشانی می کنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنتاب دور میمانند، نجات یافته است. چه مشاهده خواهیم کرد - اگر یکی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید؟ علما اظهار می دارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این در خلدت این امکان به میسر میسازد.



تحقیقات علمی - رتورن وسطی این رابیتشکس میکند که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه بالا تکمله جوانب وسیع موضوع در میان علمای قرون وسطی نمود ولی عده زیادی علمای آن صریحا آنهم ضمنی تفسیر این احتمال میکنند.

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره ۵۰۰۰۰۰۰ دورتر از زمین تا دم میگرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میماند. موجی زمین با بحرانات شدید از زمین، امواج غبار و خرابی، مواجه میگردید. این گونه تصادم ولو گردراب یا خشک به وقوع می پیوست تا شجرات ن سالها سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که منجر به وفیات موجودات و خرابی کاینات میشود. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

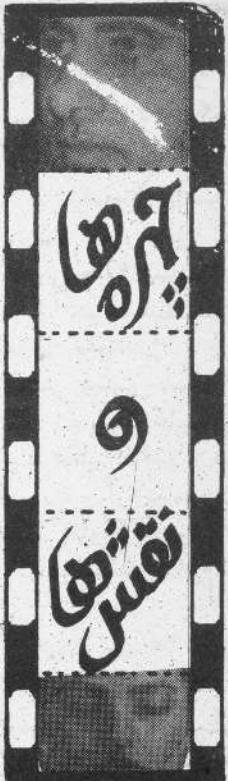
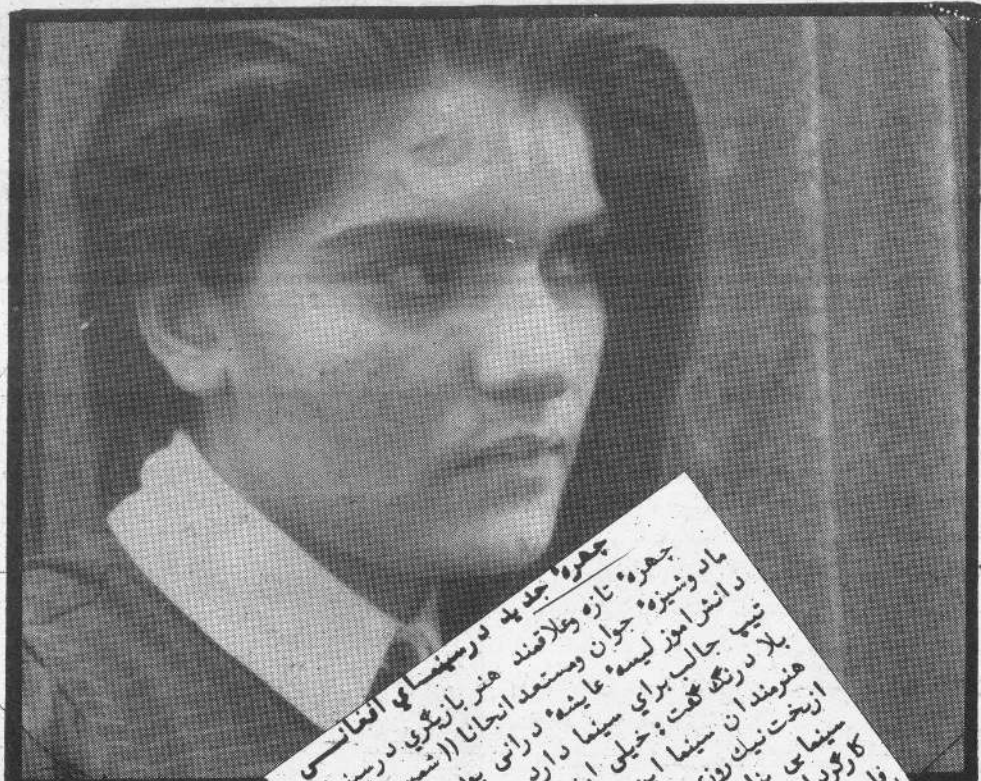
چهاروشش میلیون سال قبل کواکب شکلی از دوام گازها را در اختیار داشت که توسط آنتاب احاطه شده بود، که جذب یک جزآن توسط جز دیگر سبب تشکیل آنان گردید و در - اخیر در نظام شمسی همای شان - متناوب است. علمای امروزی نجوم به نظریه فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، باور دارند هرآن اغانه میکنند: حدود شصت و پنج بلون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

طب سنتی، بجای سوزن زدن سوختاندن و مساز دادن نقاط فعال بیولوژیکی بدن دران - نقاط عصاره برته های گیاهی را بیچکار می کند. با سایر تیوری های طب سوزن، هرگاه عمل سوزن زنی در نقطه مدینه دیده بدن، که در روزی جلد نقطه فعال بیولوژیکی دارد، صورت گیرد می تواند آن صدها مرتبه بالا می رود. این شیوه به صرف کمترین مواد کیمیاوی، احساس کمترین درد و حصول نتایج اعجاز منجر می گردد. به عقیده اکثرهونک پیروان مونی مونی بیورشن تیوریهای و نظریات زیاد و گوناگون و همچنان برای جوان شدن نسخه های

وی میگرداند، تزیین تقریبا ۲۰۰۰ دقیقه ادامه پیدا میکند، جالب این که بیچکاری در زمان صورت گرفته ولی بیمار درد را در دو جناح چپ و راست و سپس در آلات تناسلی و در قسمت پایین معده - یا Solar plexus نقطه دیگر زنده گی خرد احساس درد مینماید.

دراختیار بیچاره داکتر میگوید که بازنگری سازش نمی تواند. داکتر هونک میدانند که امروز تقریبا همه کس به همچو تکالیف سرد چار است. - سرشما را از نقطه زندگی تان، که در نان مسوغیت دارد، تدابیر میگیرم. داکتر بابت بیچکاری نظریه دارای سوزن موماندنی به ناف مریخ نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریبا همه از دست زدن به آن به تقویت می آید، درین اثنا داکتر در حائیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی میشود، استفراغ دارم و...



چهره تازه و علاقتند هنر بازیگری در سینمای مادوشیزه جوان مستعد انجانا (انسی) -
دانش آموز لیسه عایشه درانی بوده است. او که تنها جالب برای سینما دارد در برابر پرستش بلا درنگ گفت: خیلی ارزوداشتم تا روزی در میان هنرمندان سینما این هنر ظریف و جالب قرار بگیرم ازینخت نیک روزی اطلاع یافتم که کار تهیه فیلم برای بنام (سفر) در دست تهیه است و فلسفه انتخاب این هنر ظریف و جالب قرار بگیرم در مسابقه جوایب فیلم بود که برای اجرا کند و نقش (هیروئین) همانا بنا بر علاقتند ی نرز (افانیه) که یک کتر کدر بود نظر انداخته بودم. اما بعد از دیدن فیلم (درد) از آن سینه تویضات در جواب فیلم مورد نظر انداخته بودم. اما بعد از دیدن فیلم (درد) از آن سینه تویضات در جواب فیلم مورد نظر انداخته بودم. اما بعد از دیدن فیلم (درد) از آن سینه تویضات در جواب فیلم مورد نظر انداخته بودم.



لیزا بیوی پرده

دوشیزه ایله آرمسن شش سالگی با مادرش که از جمله هنرپیشه های مستعد سینما و تلویزیون است، بنا بر توشیح بدش راهی هنر تمثیل شد و گام بگام صحنه این راه، را پیچود و کون در سکوی موفقیت قرار دارد. او دوشیزه لیزا است.

لیزا در برابر پرستی افزود: اولین مرتبه ای که در برابر کمره فلمبرداری قرار گرفتم، دلم شور و هیجان خاصی داشت، خوشنود بودم که من روزی مثل مساندن (خورشید) هنرپیشه شوم و این فلم (گناه) نام دارد از ساخته های انجنیر لطیف، باردی به فلم سینمایی (گام های استوار) به کارگردانی توریالی شفق بعداً به فلم سینمایی قرار - بقیعد صفحه (۷۱)



تصویر بردار

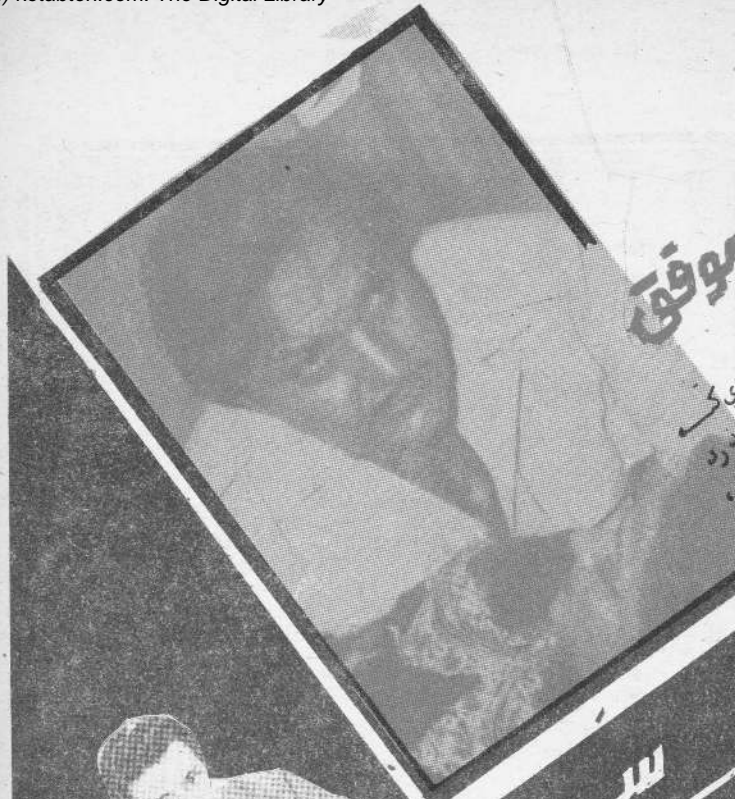
این جوان مرم و بر تلاش زمزی (سخی) یکن از تصویر برداران خوب تلویزیون است. او در زمینه کارش حرفه ای دارد که با هم میخوانیم - قبل از آنکه رشته تصویربرداری را پیشه کند نهایت علاقتند زیبایی های طبیعت و خوانش اشعار بودم، همه زیبایی ها را در ذهنم تصویر میکردم. بدین

این جوان مرم و بر تلاش زمزی (سخی) یکن از تصویر برداران خوب تلویزیون است. او در زمینه کارش حرفه ای دارد که با هم میخوانیم - قبل از آنکه رشته تصویربرداری را پیشه کند نهایت علاقتند زیبایی های طبیعت و خوانش اشعار بودم، همه زیبایی ها را در ذهنم تصویر میکردم. بدین



پیرین چوپیره جیره موقی

یکی از غریبانه گان بر فدرت سینمایی عنده که نه تنها با آفرینش نقشهای در فم ها کاپوس ترس و دهشت را در ذهن تماشاگر زنده میسازد، بلکه از درنگی ((مردانگی)) بر میآید، بریم جو پرواست. غریبنا و ((مردانگی)) بجز پرواست. از جمله دست اندرکاران سه دهه صنعت فلمسازی کساران عنده است. با وجودیکه به بیرون میگرداند در جهان بر زن و سرون روایت های غریبانه میباشی هنرمزم هم توانسته نیروی برنسون شمار برود.



سیدین خاموش شد

وچنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و آفرینشگری جاودانه دست از قلمزنی برگیرد. آن که میخواست از سناریو های نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه ها از ستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آئین کرد. ولی دریح که دست بمسرد مرگ آرزو هایش را به انجام و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

مرد خشن با سحرین تیکو



در کارهای صحنه سازی فلم ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد. نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) ((بیک تویل)) به دست آورد، پس از آن نزد بیک ده سال در فلم های ارزان قیمت وسترن (کاوایی) نقش های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوایی بنام ستیکه کوچ (وضع گادی چهار اسب) مییابد. در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوایی در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش ها برای - سالیان متعادی در زمره ستاره های ممتاز سینمای امریکا، او را از دیگر هنر بیشه گان متمایز می گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تمام - شاگردان سینما را بخود منحصر - ساخت. پس از آنکه جلو تر شد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیری بوجود نیآورد. بقیه در صفحه (۹۱)

اوزنده گی را دوست دارد - شد و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه وانسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای امریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسین کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی اش در ونیترسا (ایوا) امریکا متولد شد، مییابد.

(جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید. در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیوی نوکس در شهر لانس - انجلس مراجعه کرده و در آن جا

نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر مییابد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری مییابد. بقیه در صفحه ۹۳

آرها



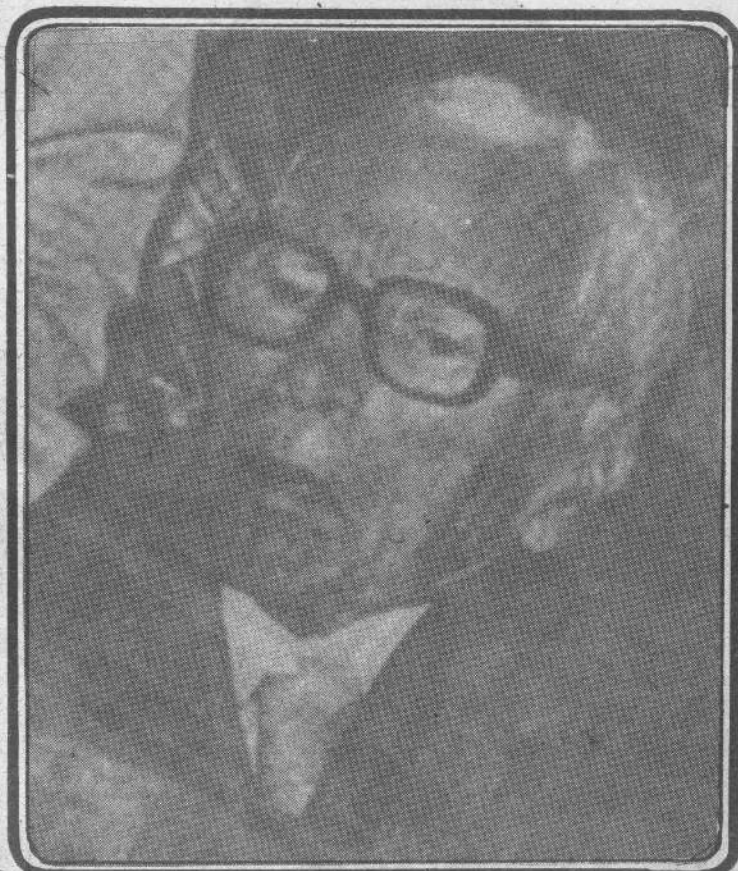
نقش

قافیه و قیافه

کوچک

درسیمای یک مرد

بزرگ.



چارلی در صد سالگی

استعداد و شهرت افسانوی
چارلی در سراسر جهان
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان
حیات خود به شهرت و محبوبیت -
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت
شمارانند، بخوبی کسانی چون
چارلی چاپلین که برای مدت زمان
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در
میان مردم جهان داشته باشد.
چارلی چاپلین بزرگ که در این
روزها در سراسر جهان با حرمت و -
ارادت نهاد به مقام والا، او، صد
سالگی تولدش را جشن گرفتند -
استعداد این شهرت آسانوی در
ضمیمه همین گردیده بود.
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی
برای نخستین بار روی پرده، هر
خانواده از ناض آگاه بودند -
موسکها، اسپا بازی، کودکان و حتی
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین
مسی گردید، مردم رقص شبیه راه
رفتن چاپلین ابداع کردند، ناض
ورد زبان اطفال بود، حتی در فلما
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند.
چاپلین سیمای جاودانه، شخصی
را در دل پرده، سینما خلق کرد که
همه مردم جهان، خورد و بزرگ از
دیدن آن شادمان میگردد و کیف
میبرند، کیدیهای او حکایتگر
نابسامانی های تجسم کننده، تب
های معین روزگاران فلماهای
صامت و فلماهای ناطق، روزتا روز
کسب اهمیت و اوج مینماید، بهترین



است که این بزرگ مردسینما
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .
 - چه کارهایی که نکردم : روز-
 نامه فروش ، شاگردی حروف -
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور
 شدن را از یاد نبردم .
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-
 نوز از جلادادن بوتها ، شانه کردن
 موها ، پوشیدن پیراهن پاک و از
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک
 هاور) ایاتت وزیدم .
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهسد
 و گرم تاشا ی دیکور سالن هتل بود ،
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ
 کنم ، از میکاژ و لباس را بیوتی خوشم
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم
 کلاه شیوی خوردی بسرو کنم و صای -
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستیم
 که همه چیز باهم در تضان باشند ،
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خورد
 و بوتهای کلان ، تعیدانستم که جوان
 مینمایم یا من بخاطرم نبود که مک سنت
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم
 هنوز بر این روشن نبود ، مگر وقتی که
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نسا-
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین
 دارم ، ناظا هر شدن بیورود سیتیز
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛
 همینکه در بر ابروست قرار گرفتم با
 تپیم کاملاً سائیز کرده بودم ، در -
 بر این به جست و خیز و قدم زدن -
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی
 هان نهادی شکل میگرفت .
 بقیه در صفحه (۱۴)

تعیین کننده صادق

۳۵

حکایت

قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را می‌دید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انداخت. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

لذا برای مادر زیستن به اوج درد خود رسیده بود، روز ها گرسنگی کشید، تشنه گی دید یکسال از اداره بی به اداره دیگر رفت و از محکم بی تا محکم دیگر قضیه را تعقیب کرد تا بالاخره بتاريخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۷ برای اطلاع داده شد که قاتل پسرش به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم گردید.

تقسیم دیواری ۱۱ احسوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشته بود. نضا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای بیهم گلوله های که از دهانه تفنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه دفتر کوید و اجازة ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: ((قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم همسوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاريخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: ((بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاريخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالایی شوهرم تفنگچه کشید مرمی که از تفنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از

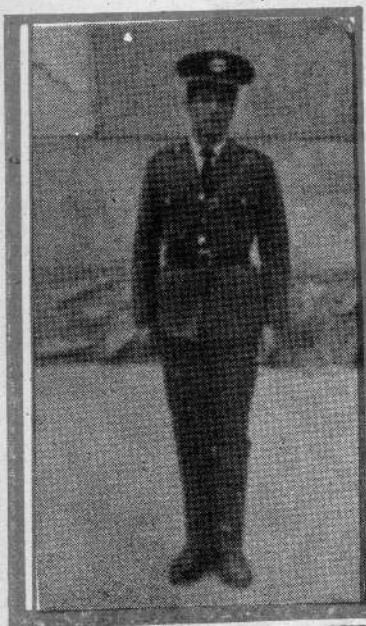
موسم آگاهی دارند، در آنروز هم بدختم گفت: ((چله مرا پس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاريخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و بالاییش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد.

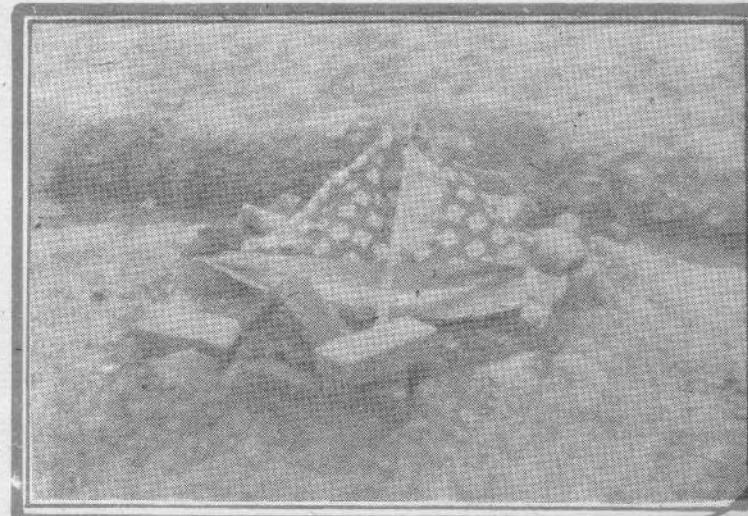
- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟
- نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی فامیلش رعایت نداشتند. وقتی با دختر من نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی با دختر سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

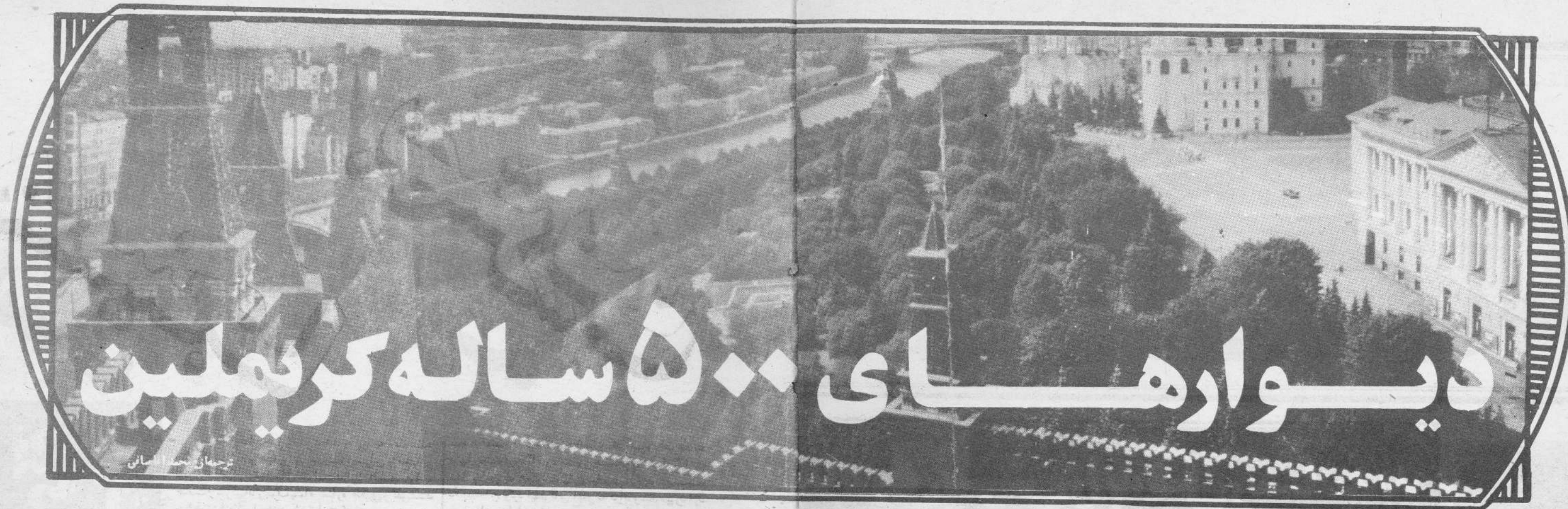
بقیه در صفحه (۸۷)



مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



دیوارهای ۵۰۰ ساله کرملین

تیمار کرملین

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست ؟
 دیکی از انسانه های باستانی در باره آفرینش که تا به نهم آن معلوم نیست با رجوع به امپروسه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثل امار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).
 و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین عینا به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است.
 الساق خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پایتخت - میدان سرخ - میباشد.
 کلیسای ترویتس که رود و مرکز هندس تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سرخ گردید (که امروزه نام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتنه - بنیادساز تاجران از پروسه - برخانی قزاق ها ساخته شد.)
 قرن (شانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت سه سیم استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.
 در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی بی دیگری مانند قلعه نوگ گردید ایوان - گردید، کولونو و غیره احداث گردید.
 در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند.
 بقیه در صفحه (۸۶)

جهان را آغاز نمودند.
 بیانه عظیم کارها، اعمار برج های اساسی، دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت، حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد، چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست، در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.
 اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت، در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعد دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند.
 اولتر از همه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید.
 تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند، بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین را از راه آب اکمال کرد، بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه) نامی گردید.
 در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند. در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید، قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.
 در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید. این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان، دیوارهای پانزده کیلو - متری جویی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.
 دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرن پانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد، بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین، در واقعیت امر، به یک مخطط معمولی گنجه معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است. از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر، شعرا و مسلمانان پیشانی پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند.
دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد
 دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است. در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است. در سال (۱۱۴۷ م) امپروسه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت. اعمار شهر در آن زمان معنای ساختن قلعه را داشت، معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است. نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود، طبق معلومات در اسرار حملات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمات بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسه (ایوان کالیستی) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند. اعمار آنها هم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید. در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.
 در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امپروس بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکورو، پیوتره انتونیوسولون، الیگز فنانین، میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

امعار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پاثلت اولی، که میدان سرخ را احاطه نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سه ترمش شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده که در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند ازین و آهن ساخته شده که عملا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر آن نایبای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به نهمی شمار مرود و وسایات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه می بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلث انبرجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

امعار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پاثلت اولی، که میدان سرخ را احاطه نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سه ترمش شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده که در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند ازین و آهن ساخته شده که عملا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر آن نایبای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

بنای بزرگترین دیوارهای کرملین در سده پانزدهم اعمار گردید و در سده بیستم تجدید یافت

فروشنده‌های سبزه‌ها در انگلستان

فروشگاه آناه‌ها در هندوستان بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند * متخصصان کارآموده هر هفت
دیارتنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران
بها و نادر به هر گوشه که ارد نیاسفر میکنند ، بسا
علاقندان و گردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند
و در حراج ها اشتراک میوزند .

انتونی سبزه ۴۹ ساله ، امر د بیارتنت
نقاشی ، همن تماشای سالون فروشات اکتفورد به
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا ، که
به صورت رنگه آبی کار شده است ، برخورد و به آن -
چنان علاقمند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در
حراج آن شرکت جوید ، این اثر هنرمندی گمنام از طریق
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبزه تعلق
گرفت ، چه سبزه حد سر زده بود که این اثر از -
نا بیغه رویایی قرن نژدهم سامویل بالمر است ، بعد
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید .

انتونی گاردنر ، مسوول آثار هنری جنوب شرق
آسیا ، ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید
و ترسیم نمود .

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری ، یکی از مر -
یدان بود ، از موزیم میانماتی بنگله دیش آمد
است . او میگوید ، (احتمالاً این برونز رزمیان
حک هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد ، صا
کاملاً آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقامات
بنگله دیش تعهد بمانند که آنرا در موزیم ایالتس
بدون امنیت نگذارند .)

با امانده مجدد برونز ، سبزه مبلغ (۵۰۰۰۰)
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد : (آنچه را که ما
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای
آینده است .)

در حمله آثار افغانی مجسمه های از گند ها را
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کیس
بشمار میرود ، نیز در این فروشگاه وجود دارد .
گاردنر میگوید ، که تا این اواخر آثار هندی و منا طبق

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در
لندن ، که (۳۰۰) سال قدمت دارد ، استمداد
جست ، شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت .

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و
همچنان برای ملکه ، شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر
موجب شهرت جهانی آن گردیده است .

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند سترانگه داد و ستد
دارد . هرگاه بهترین را میخواستید ، همینجا است
گزانبهاترین آثار در همینجا است .

تلفورد شوت ، امراداری فروشگاه اظهار
داشت ، (این فروشگاه در سطح جهانی جالب
ترین نوع خود است .)

نمایشگاه های سه منزله و گالری های آن از -
مجسمه های شرقی ، منسوجات ، نقره باب ، نقاشی -
ها ، جنی باب ، مسکوکات ، کتب ، مدال و تعداد
زیادی از ایشیا و احنایر برانگیزند و حالباً آگنده
است . جالبترین بخش آن قسمت آثار چینایی و جا -
بانی است که یکجا با دیگر بخش های شرقی منبع
ثالث درآمد شرکت را میسازد ، اجناس ترتیبی
از قبیل عاج ، برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه
خاصی در آنجا چیده شده است که کویلا خان
میتوانست آنرا به شرکت خویش در خاناد و انتقال
دهد .

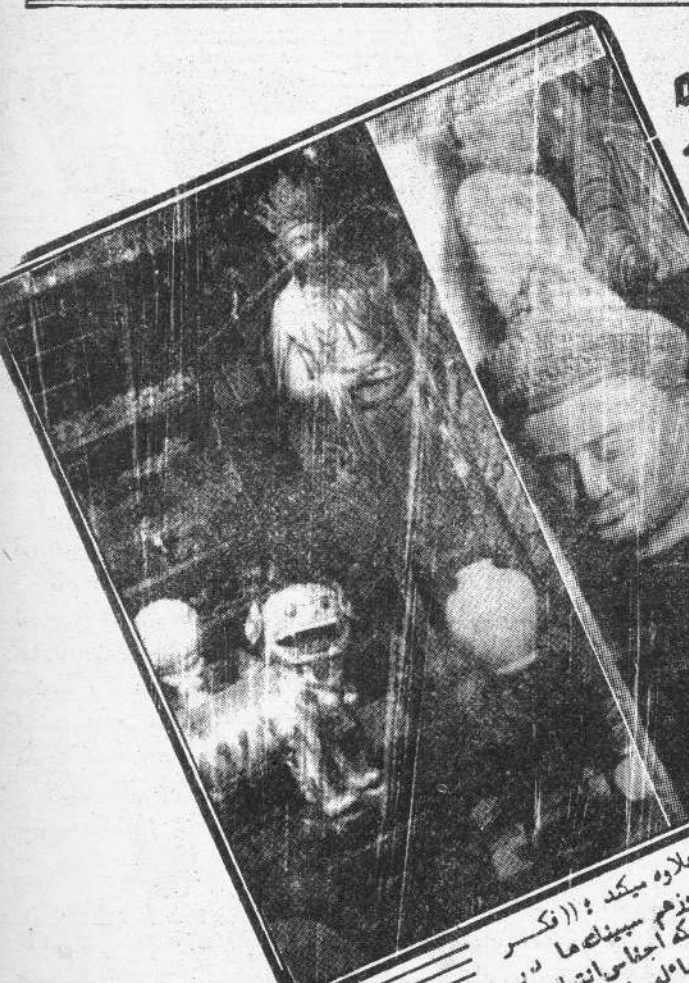
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -
است و روی آن شلنگ نقره بی که منقوش با جعره ملکه
سکات میباشد ، در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آرد .

داشتن همجو اجناس د لکتر توجه علاقمندان
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است ، یک امریکایی
سخت علاقمند است تا در برابر دست آوری مجسمه
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند .
مشتریان خصوصی و موزیم ها به فروشگاه سبزه

مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فنان تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوزم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که باید داشته باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. رینویرا خرید، هنوزم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

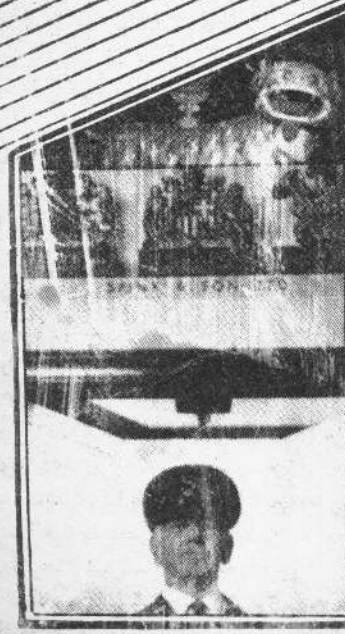
دیپارتمنت نقره می که موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برای من نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابه مهمترین بازار نقره میشناسند. در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیز دو م یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ از طرفی کلان نقره پی که به سیک جینیای ترین یافته میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تانوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند. برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قلم کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و وانزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازندوی میباید . شوهرش به جرعت اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است . نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته هایش نمیشود . به مشکل موفق میشم که قصه اش را از خود نریشم ، میگوید : ((ما قصه میکم به شرطیکه تو او رو چاپ کنی که کل دنیا نم مره بفامن و بفامن که چی دل کلانی دارم و دگه مره ملامت نکن و نگوین که ما به دل خودم زن هر جایی شدیم و ...)) قبول میکم و او باز سان خود قصه میکنه و من با زبان خود می نویسم :

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه باشم و بی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم عمده بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزنده می درمن بدید آورد ، فضایی هرات زمین (زادگاهم) برایم تنگ شده بود . همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا (گل بی بی) خطاب میکرد ، گلی که برپرشد - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر نسیم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن - زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی ازقائتر مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده سالگی آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه گذاشته شوم ، آنها در شهر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم جز یاد های از مادرم به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت . من طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، تازه د شناسمایشان نگاههای گوشه رانواز میداد - من تا حال از سکوی بلندی دست و پا زان برتاب شده بودم - هنوز به زمین نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم . آنشب در دست شپش بود که ننگه های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی دور از عفت رامیسم - آنشب نامزد جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی - هایش جز آزار چیزی دیگری رانمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر (گل بی بی) مادر نه - زن دوازده ساله بی بودم .

و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود رانانتهوان و ذبون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهایم من میدیدند و شاید تنها برای همان لحظه تا صاف به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگیرم بیرونی با مهربانی دست به سرم کشید و چنانیکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل ناراحتی ام را بر سید تنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بییکه سرگردان یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود ، زیاد از این تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روزگند ؟ و من بدون هیچ پرسشی بدیورفته در حالیکه دست بیروزن رادربین موهسای چرک لمر میگردم و لطف غرض آلودی را احساس میگردم ، راهی منزلش شدم ، در خانه محقر بیروزن یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این خانه محکم به پذیرایی وهم آشوش او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : ((کالایته جمع کوکه ترو به جایی میسم)) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت سوار سرویس سفری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به شهری حالا دیگر برایم مفهم نداشت چه من از خود نبودم - شاید اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .

در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر دیگر کار میکرد ، مراد ریدل بول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازم - انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . (بخاطر آمدن بود که زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از دوا ایژان تا خانه آورده بود و من فکر میگردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز) .

من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غشته به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا باید محکم به زنده گی شوم و اینبار تقدیر مرا دوباره به کابل آورد - نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی به کابل در خانه بی انتقال داد ، فکر میگردم شاید در اینجا تنها یک مایه داشته باشم ، اما در رخ که اینبار هر شب و یا چند شب بعد مالکهای موتقی را باید پذیرایی میگردم - با عین این آدم نماها خود را برایشان سرویس کنم ، در دستهای قهار و وحشی شان بلوتم و دره دره - وجود را ، وجود کوچکم را برایشان تعارف نمایم صبح عا از کسالت شیهله بخوام

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر گذشت یک زنده گی پر باد رفته

ازهریسی



پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

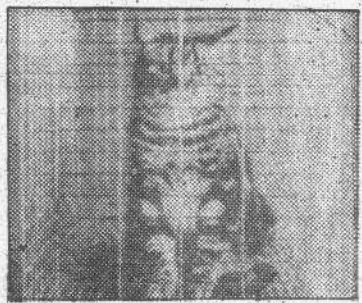
وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی در پی نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زلزله خاکی شده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که بمباری زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک هایی بهره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آنها رسیدگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلادمپس در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکتر ل. وستمان درین شفاخانه پس از معاینه پسر بچه گفت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوند می زند. این عملیات که دو انگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدن چهارده ساعت را در بر گرفت، دکتر وستمان یک ورید دست قارن را نیز با ورید ساژ او متصل کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بعض تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالت متحده فرستاده شدند و با این احساس مصروف سیاستمداران از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشاده اند.



ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است

دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک یا معمولاً این مرض را از جمله می کشد مگر می کنند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمی کند. آزمایش روی انسانها هم که با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت می سازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در محلات عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلپین در تعقیب آنان می گشته شده اند که به مقررات را نادره بگیرند، و اگر چه چنین شخصی بدست پولیس یافتند از ۲۰۰۰ پیوسته دالر جریمه داده روز زندان، جراحی خواهند دید. طبق این مقررات هیچ شخصی اجازه ندارد در سینماها، همایش های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیره و مقامات مانه لاد اولتر گریس موتوهای پلیسی مبنی بر ممنوع کردن سگرت های از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را باری آورد.

لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرزمین انگلستان حکومت ایالات متحده را به چشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت طافه رفته ایالات متحده، سبب می شود که این امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید و آن کشور از دست دهد.

بخطرات جلاوگیری از قمچین کاری پدرش را گشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند.

مسوول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر بخاطر تنبلی واخذ نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمچین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد.

قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.



عادی نوعی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بدنی آورد.

یکسک ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بدنی آورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است به نیامیباشد که بحالست

خانه جی هسا

تهیه کننده حسن نیر

آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هند، آتش سوزی ۲۰ نفر را کشت و ۲۵ نفر را زخمی ساخت.

آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر، سریال ۵۲ قسمتی (شمشیر تپوسلطان) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکاران گفتند که خطری جدی زنده می آورا تعدید نمیکند.

قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان، پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

از هر یک

اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو، امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکا) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرومیتو بدست می آورد.

انژون بران، ۲۵ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

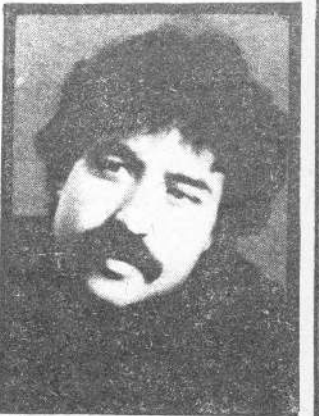
سه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند.

تعداد نهادی به این عهد اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سحر های علمی بهمنصور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجار و روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپسند است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه ماست که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشیم.

از گپ های که ما خبر شدیم

آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر در و ساره در مباحث خود یاد رفتن جوانان گت: حاج معشر سابقه بد هم و شرطی عم نام منو بر اینکجه اگر در مسابقه بره از من نبود بنجهد همراهم می خواهم، اگر با حتم می بردن، کسرت مسابقه حاضر شد سرت را بید بود.

معشر سیم حاضر شد و گت منتظر معشر واحد مسابقه نهدن من با برنده مسابقه، دست و پنجه نرم می کنم.

وقتی از معشر پرسیدم، حالا سخن از چه فرار است؟ گت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از من می آید و من ندانم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جلدی بود؟ و بالاخره معشر سیم کیست که به گپ خوب مردم ما قیود داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستاره علامه دارم یک مسابقه جالب دیدن سو راتناشا خواهیم کرد.

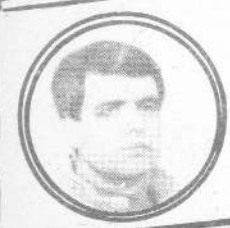
صد قسم برای یک بوجی آرد

نور سیاه سنگ منابیل نقلیهار دو نزد یک دکان لالا غفور بیروسیار عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس میخورد که خدا به قرآن به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه آبرو شخصی عم میگت از برای خدا چرا تا حق نس میخورد، هر نس بوجی از آرد من که همین چند لحظه قبل از موتربایس کردم و از هزار نس با خسته آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت بیس، زیرا موتربیکه بوجی آرد بوجی آرد و در موترب ب هارا آرد همینجاتیق خلاص نمون، منتظرین، موتربیکه نس اما آن معشر نس و قرآن میخورد که (الله کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایس کردی، خلاصه به میانگیری یک حاجی موسفید ه آن معشر گتند تو حاجی سرت دست را بالایی بران مجید بگا ریب و نس بخوری که این بوجی از نس است! گت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره بوجی آرد و در موترب ب

انداخته سوپ کارت نورفت مردم از آن نفر دیگر پرسیدند ترا خدا راست میگت که این بوجی از نس است، گت: بیس در خودم فریب بد از گت نگویس و او نس بوجی آرد خانه می برد نس خوردم که از من این چسرا و تیکه خرد بودم در مسجد درس میخواندم شنیده بودم که برای نهان دادن جان نس خوردن راست بوجی آرد آن نس را به دست انداخته سوپ من خون رسد.

شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئین بوهنخون کابل:

س: برای مدت کوتاهی در نشرات تلویزیون تغییرات خوبی دیده آمد اما بعد از گذشت چند شب، دوباره نشرات مسیر قبلی خود را گرفت، یعنی اینکه اصلاح قابل دیدن نیست، چرا چنین شد؟

ج: میگردید، در جویبیکه آب رفته باز می رود!

س: چرا بعضی از هنرمندان موانع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟

ج: به خاطر اینکه می خواهند جو سر خود را نبینند.

شاید به کارمند محلی یکی از شماخانه ها:

س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟

ج: ساریان به گفته شما کارمندان جی، شریان مغزی کفانده و با تا سف از سرف راست بدن فلج بوده در ایام تماشای در ستر مریضی فرزند دارند محمد سرف از لیلان چغان بود فامیلی خیرخانه مینه:

س: چرا بعضی از هنرمندان هنگام بستن در تلویزیون مسی لرزند؟

ج: آنان نمی لرزند، حتما!

جان ترانه علاوه از اینکه هنرمند خوب آواز است، پنج انگشتش شش چراغ است، علت سوختن درین است.

فریده کارمند فروشگاه بزرگ افغان:

س: خبر شدیم که حاجی کامران بازم صاحب فرزند شد مبارک است، میخوایم بدانیم چند بچه و چند دختر دارد و چند ساله هستند و آیا بازم می خواهد فرزند داشته باشد؟

ج: حاجی کامران صاحب یازدهمین فرزند شد که دختر بقیه در صفحه (۸۸)

اسد بدیع از طبابت دست می کشد



نور اسد از لیب و بابت کتاره گیر کند.

وقتی این شایعه را جایی شنیدم، گت بر اسد بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار بگیرم نمانده که سرفاس برود گتند نماید به نفع خلق - الله تدا مرکز ترانسپورتی شهری رایا استرات چندین تن از تجار ملی - این نماید و با نماید عم مواد اولیه ترس بررر معشریان را تعبیه نماید باران ترانس رز هتوز برساند و با م کدام کسار نیب بگیر را نمایان نماید.

از زمان چند روز پیش ایران در همایز دای را بدیع

تلویزیون دیدیم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه رادیویی آمده بود، غمسه موسیفات شایعاتی را که در مورد او شنیده بودم برایش فعه کردم که بعد از شنیدن و تیین بسیار آرام و شمرده گت: زلی جان همیشه این حرفها دروغ است تو باور نکن گت من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خدا بدید و گت دست اختیار - اری و من برایش فعه ای کردم ازین فرار میگویند شخصی بود که فکر میکرد نامه گتند است، اورا دست تد اوی به اساینگاه می بردند و بگتور -

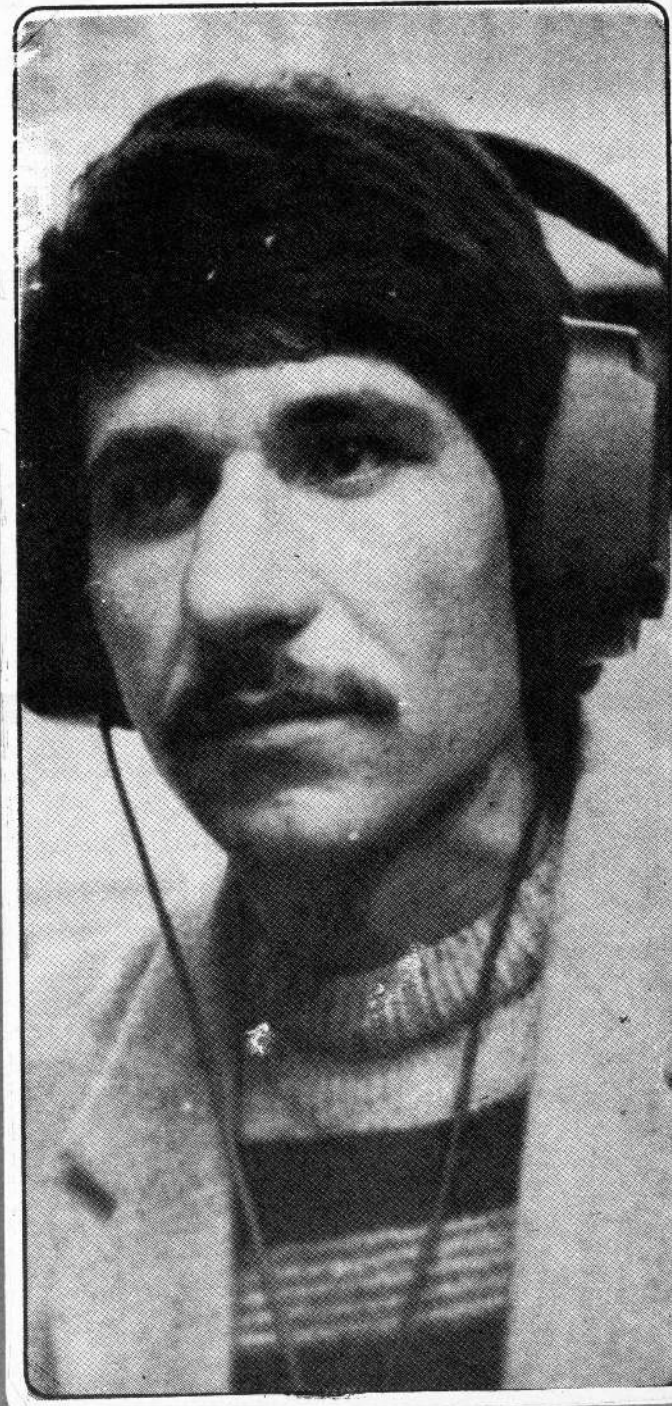
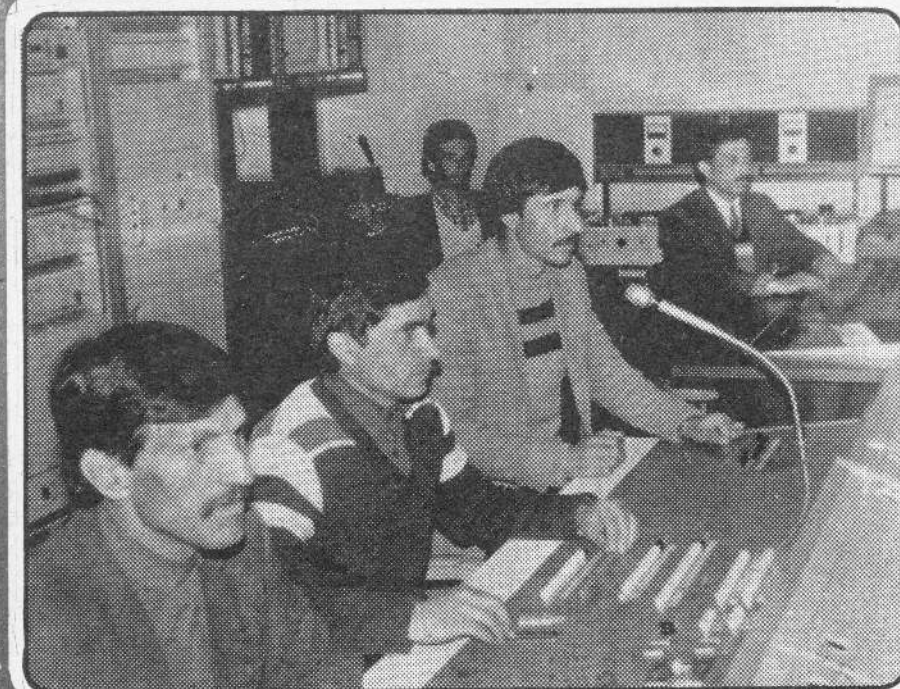
ان مجرب روانی اورا تحت معاینه قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، رزب نکتورمو شرف اورا نزد خود خواست و گت: بران رتو اگر نامه گتند نیستی، تویت سرود دستی یک مرد کاملاً عسادی و صحت مند از نگاه طبابت، سو میتوانی عروس کنی و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خوی باشی و سه مرد خدمت نمایی و بازیس جمله حرفها مرید یاد دت خا سندان نه کتور اسندید در اخیر به وی گت: تشکر داکتر صاحب من هم قبوس می کنم که من دیگر نامه گتند نیست اما خدا کند که مریدنا برین گتند.

مجله ناولوژی

مسابحه از اسد بدیع

سی از یک دهه

گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



بایک تابلوی نقاشی از تسمه های طبیعتی - با الفقه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سهمی داشته باشیم. چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحات از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا براین بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تحصیل کرده کوراز صدف یازدهم مکتب الی بالاترین - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه، موافق شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راه برای تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام درجهان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتو ارسال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشاری باید طبعاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان جنبه های فرهنگ کشورهای مختلف پردازد، مطالب مجله تلویزیونی آنکسوبه معرفی و شطاسی هنری خرم کلی و عام آن به مثابه یک نیاز حسی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تامل آن، دستی یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زمینه تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع - (پرویش هنری) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شمع

هنری اما با در نظر داشت محدودیتهای فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویش، صرفاً مستحکم فرموده ما من همکاری همراه است که لازم حدائقه اش سپاسگزاران کم.

و اما در زمینه نوشتاری ارسال هم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده علاوه بر نوشتن بخش های درسی، بنا بر موجد موجودیت نهی شده پشتو در اداره، سا نهی سندی بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهی سنده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستحکم سرورانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نهد.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هر تشریحات خود، تشریحات میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشریحات رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که پاتویه، نوشته و دایرکت برنامه مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کارمن در - تلویزیون، اساساً در دو جمعیت هر، شکل یافته است؛ کارگردانی برنامه ها و نهی سندی کسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نهی سندی کی و کارگردانی اثراتینیه مدهه داشتیم. جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی راتویه و دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته ستایشی فلم داستانی ((سهند)) تیاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتویه برنامه مجله تلویزیونی شما راهگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه مجله تلویزیونی همانطوریک اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مست مشکل مهود، آنکس یونیت وسیع مشخص در موم بخشهای فنو و

که راه، موسم ستدر دوید برتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هر، این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از لازمه های فنو کار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیک و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کارمن و سنی کارگری کهری از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاریک حین کار و صلاحیت من آورد، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها راتویه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراگری رشته ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در ایلام داشته های نیم جان و پاتویه (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کی و زنده هنری ادبی است که صیقل معقول صلاحیت آرایه مؤثر را دارد بیشتر برای رانفان و رهپهان هنر و ادبیات درخور قبول پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهی سنده و شامسر است، نوشته ها و کارهای دتسوق هنری - ادبی اش، صداق لبید صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تهیه دیده ایم که پیشکی شامشود:

س - آیا در رشته دایرکتوری تلویزیون بهره در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طویبت که معایب و روابط خصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از ایلامی کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب
 هرچه میجویی بجو
 بیکران بحریت ، گزهر بیحساب
 هرچه میجویی بجو
 فارس گویی ، دري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 لفظ شعرو دلبری گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 بهرین تنها زبان مادر است
 همچو شیر مادر است
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست
 چونکه مهر مادر است
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم
 دوست میدارم و را
 چون نوازشهای گرم مادرم
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

کاسه

بلبل به فغان چه کار دارد
 نه که خبر از بهار دارد
 قمری به طلوع صبحگاه می
 جشنی به چمن هزار دارد
 چشمش ز شراب ناب امشب
 پتگرکه چنان خمار دارد
 مردم زنگاه آشنیش
 گلگونه قبا ، نگار دارد
 اندام ظریف و نقره فامش
 بردل هو من شکار دارد
 آید بیم ز راه شوخی
 حیف است به غیر نظر دارد
 صید کشته بود و بناز و رامش
 خون شهدا ، وقار دارد

مشوش

من مرغ اشم
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گی
 من از سپیده های دروغین مشوشم
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار
 نشکست ولی غبار دارد
 پژمان شده اسپیر زلفش
 صد همچو منی بتار دارد

بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی
 درسی شوی دادی خیلی بنییرا گانی
 نه چی زما دعاوی تالره بنییرا شوی
 چی ترکی تلی ستا دادا گان
 هغه لاری زما ستا تر منعه پیری شوی
 دمانام له تیکی تیخ دهلال ووت
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور بنستی
 به هغو بلهارو لکی هد پیری شوی
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی
 خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی
 بیا به و سپری رسی د سرو رید یو
 که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار
۶۷۲۲۲

بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار
 ببر کشید و چمن جامه ، نگارین خوش
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من
 جد از وادی عشقم به جو بیار چکار
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب
 مرا به بیک فریبند ، خمار چکار
 فغان و ناله ، مرغان خوش ترانه شنو
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین
 مرا به سپروسفر سوی گل بهار چکار
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد
 شکسته شیشه ، قلبم مرا قرار چکار

مته، نیت

گرتویند اري دل م را حزن تو یاري هست . نیست
 باغم را غیر مهتر نمگساري هست . نیست
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست
 و برپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست
 گر کسی گوید که درد دنیا به دوش زنده کسی
 سخت و سنگینتر زه جریار یاري هست . نیست
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی
 به مائل کانی وریدلی دی به دی کوخه کسی
 به ما دینسی او وفا زیادنی ولسی کوی
 تامل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده
 داسی می لیردی پر خه کتلی دی بعدی کوخه کی
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه
 خه خطرناک قاتلان نیگلی دی به دی کوخه کی
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی
 مائل د هجر زهر خنلی دی به دی کوخه کی
 توتی توتی کچکول می مه زاری دژوند ملگرو
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

دخوانی گلونه

زیاد مینی نیگلی نیگلی پسانسی
 چی د سپرلی نیگلایری نیه نیگاریده
 به مومر نیولپو خوب ته بی سرنه تیتاوه
 د بنبشش عظمت نینه بی
 پرته خته کی وه
 دغه غرور بی د بیتر ی بیرونو
 مات نه شوکر ای
 کره صدقه بی له زلفانو
 دخوانی گلونه
 خودغه تورماران بی
 کله د غاری امیلونه نه شول
 چایی دیانور زیدل
 به شپه کی ونه لیدل
 به جوانیبرگی مینی
 د جاخماري نازینی سترگی
 باندی نمجنی نه شوی
 خودخوانی گلونو
 د جانا زکوبینوته
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

پروانه ها

پروانه های پروانه ها
 پروانه های خوشنما
 پروازتان بس دلنشین
 بر آسمان و بر زمین
 کالای خوشترنگ شما
 رقم شما، جنگ شما
 روی گل و روی چمن
 روی علف های دمن
 مستانه بال و پر زید
 بر روی من بر پر زید
 گفتم بگیرم بالکت
 آن بالک خال خالکت
 از دست من گشتی رها
 رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش
 در شام تار طرز صدایش نخواند است
 اما
 زلفان تار دختر شب
 روی ماه را
 در چنبر طلسم سیاه کشید است
 اری !
 شاید که زنده کسی
 یک انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو
 آه ای خدای من!
 چون شاخه های خشک درختان
 در آستان درگه * تو با کمال عجز
 از فرط یک نیاز
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است
 دستم تعی مدار
 آه ای خدای من!
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست
 و اینسان غمین مدار
 هرگز رواندار خدایا که قلب من
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه
 هرگز رواندار خدایا که چشم من
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه
 مرضیه عدیل

شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها
 بوی تراب کلبه ای من می براكند
 من، لوح خاطرم:
 با قاف قامت تو،
 دل انگیزی کنم
 با یاد پادشاه تو،
 شهبازی کنم
 محبتی "سوزن"

لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی
 میگی ی خود د ن هدا یوکی ناخسی
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی
 کله کوی جاته سجده لیونی
 زهیز به کوربه لبی پلی وی لا
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

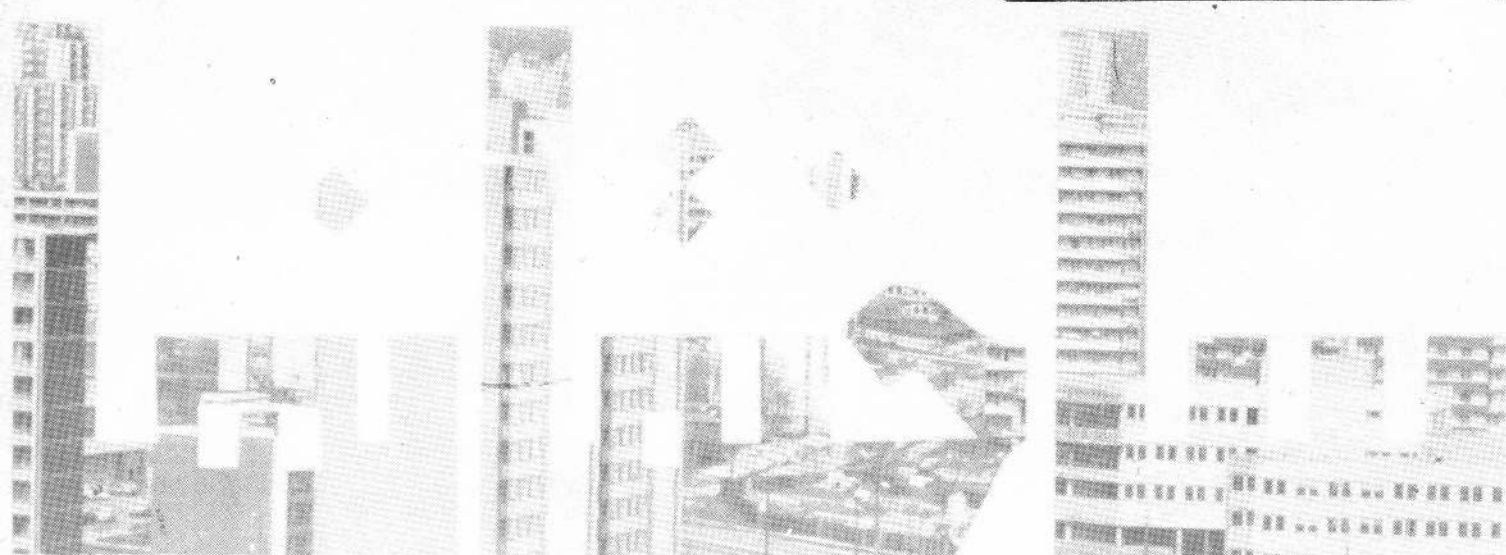
السمعیل

شبنم پاک سحر

واضح باز میانند
 نشان شیخ اندامت
 به دیوار دل پادم
 که می آیی به سوری من
 به دیت ابروی صفا
 و یاد ستان البرزانی
 خدایا، نه، چرا سر زان
 که شیخ است این که میگرد
 نه دستان سید مریم تو
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم
 مثال شبنم پاک سحر گاهم
 در آغوش نرمانوسم
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران
 به رویت باز میگرد
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

بهار و یار

یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 درختان شکوفه یار
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار
 من با ادب بوسه بچشم زلف او
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار
 وانگه بجام چشم اوستای من بنیاز
 یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 (لومان) تویی خنار
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



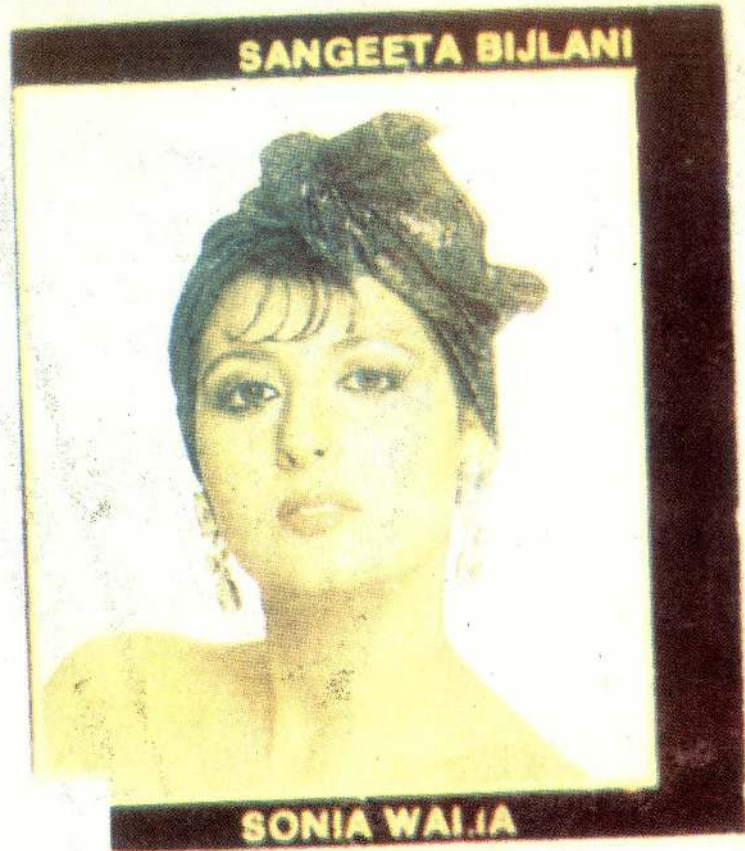
سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سه سه
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد
نمست • مزارع آسمان خورش از -
همان آفا ز مورد تعجب و حیرت مد و
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری
نشان دهنده اوج ترقی تختک
دین هیا آن مرحله تاریخ است •
در آفا ز چنین مزارع یک چیز
کاملاً لوکس حساب می رفت و ملتی که
آنها بنا نهاد ، بود به آن افتخار میکرد
ولی امروز مزارع آسمان خورش نظر
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل
امار چنین مزارع سه فلك كشيده
میشود •
حساب آسمان خورش ها و برج
های بلند در جهان به هزارها
میرسد ولی فقط نام بعضی از آنها
زمانی دهن به دهن میگفت و آنها
را بنامهای بزرگترین ، بلندترین
••••• تهن می نامیدند • از ساختن
های بلند ترین اول یکی هم بلند
تهن اهرام مصر است که بنام کوفی
(Cheops) یاد میشود • این
ساختمان سنگی ۱۶۶۱ متر بلند
بوده و از سال ۲۶۰۰ قبل از میلاد

تا امروز با برج ایفل پیوسته است حتی
انسان امروزی از دیدن این هرم -
دست تحریر به دندان میبرد •
انکشاف واقعی ساختمانهای
بلند از زمان گوتمک آفا ز میشود •
دین زمان در تمام جهان کلیساها
و اماکن مقدس که باید بگفته تنها
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس
را در شهر رم که ارتفاع مناره آن به
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم
چنان باید از قصر گوتمک در شهر
کولن آلمان یاد دهانی کرد که
۵۷ متر ارتفاع دارد •
بها دگاره های تاریخی همگین در
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم
نیز در پیوستیم ، ولی همان آمدن برج
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -
مصری با استفاده از تکنالژی جدید
بستگی مستقیم دارد •
اولین برج فولادی با ارتفاع
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •
این برج طی مغل مجالی بمناسبت
تعیینگاه بین المللی در سال
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و
طراح آن گوستاف ایفل منفی شد •
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -
مادل های این برج گایی و اعمار
شده است •
بکار در برج ایفل مدت نهادی -
شکستنده شده ، بالآخره در سال
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما
خراش کولمبیا بلدیگ (CHURCH
BUILDING) که ۳۰۶
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •
مزارع امپایر سٹییت بلدیگ
(EMPIRE STATE
BUILDING) این مقام را برای -
نیویارک گونتی کرد ، این ساختمان
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •
آنقدر زمان دیری نمی گذرد که -
ارتفاع فوق راسختمان دوج مرکز
جهانی تجارتی (WORLD TRADE
CENTER) که ۴۱۲ متر -
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -
تین ساختمان جهان که در شهر
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی
که در شیکاگو واقع است دارای -
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام
SEGRS TOWER یاد میشود •
در طولی ساختمانهای بلند
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار
شدند •
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲
متر داشت به دست آورد • این برج
بقیه در صفحه (۷۴)



SONIA WALIA



از دنیای مود

تجزیه و تحلیل



حرف‌هایی از دو مودل معروف

تا زمانی که فلم

((خون بهری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونووالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تهن امید زمانی توام باد لهره جاس * برای آنکه قهل از این فلم ، در فلم های ((تیر - شهرین)) و ((آگوش)) نیز ظاهر شد ولی شعری از کار خود نگرفته بود *

وقتی اوراد در ((پانسیون)) که زنده گی میکنند ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بهری مانگ)) برای - ثبوت اهلیت هنری من ، وجه تعیین کننده یسی داشت)) *

ایمدها نیک و تفته کوتاه ، به دناله * حرف هایش افزود :

((خوشحال استم از اینکه ((راکش روشن)) در فلم خود برایم فرصت کار داد و با این زمینه سازی ، شناختی بین ما پیدا آمد و موقع یافتن نامردم برای هنر و استعدادم تهنقی قایل شوند و از نمایش فلم به اینسو ، روزی رابسه یاد ندارم که زنگ تلفون به صدا نیاید و از کارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نزنند و برایم تهنیک نگیند *

عده بی راعیده برای این است که ((راکش روشن)) کارگردان فلم ((خون بهری مانگ)) از من به شیوه * نا - جایزی استفاده کرده و کار حوض شنا با لباس های ((سکس)) مرابه انظار جلو داده است ولی اقتصاد من این است که اگر در کار حوض شنا ، لباس شنا رابسه تن داشته ام که به مقتضای * حنه * فلم است این چه گناه کبیره است که از آن حرف نامی بافتند ؟

آیا تهنیک بهننده این است که در کار حوض شنا ، دختری با لباس سوراخ ستور حاضر شود ؟ آیا در محل - شنا ، پوشیدن لباس شنا ، امر کاملاً طبیعی نیست ؟ اگر کارگردان مراد در کار حوض شنا ، با لباس های

که ((سونم)) در فلم ((وی)) ظاهر شده است و ارد هکرد بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جای بزرگی بود که بر من تحمیل میشد .

در فلم ((آگوش)) نقش زن یک هنرمند به نام رسیده بی رامتعهه بودم * نقش نهایت پرا غوامض و ابهامات بود ولی کارگردان ، مرایشوه * کار را آموخت و مرا خوب یاری رسانید *

در فلم ((تیری شهرین)) نقش کوچک داشتم * یک فلم هنری بود و در تلویزیون هم به نمایش گذاشته شد *

((سونووالیا)) در فلم های نهادی ، در نقش های مختلف ظاهر میشود * در فلم های ((جین داتا)) و ((مها سینگرام)) یا ((ادیمه پنجولی)) و در فلم ((تهنری آدمی)) با ((متهن چکروتی)) در فلم ((مسترو سنسر ۴۲۰)) با ((راج بهری)) همبازی میباشد *

مناف برای من ، یک عده از فلسازان جنوب هندوستان نیز رغایت او را برای بازی در فلم های جنوب حاصل کرده اند که وی صممانه و معده * همکاری به آنها داده است *

در این باره اوصوف هایی دارد به این تحصیل : ((من عجله بی ندارم که در این باره به اف شهرت برسم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تا * ملوشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی در فلم ها هم دلچسپی فراوان ندارم ، از اینکه همبازی من

کست ، بسیاری اندیشم * برایم بسیار بی تفاوت است که در نقش مقابل من کی قرار دارد ، مثلیکه قهلا * گتم در فلم ((تیری شهر - مین)) در برابر ((مارک نیبر)) و در فلم ((آگوش)) مقابل ((اکبرخان)) و در فلم ((معادیو)) با ((ونود کدنه)) حاضر به بازی شدم *

من به دراست و جرات این موضوع را تایید میکنم که به هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگزرتکه تن نمایم *

حاله که ((سونووالیا)) دروازه * کاروبار مود را بسته و در نمایش لباس ها ، تمیگیرد ، خودش می نهی :

((موقعیت کتونی حکم میکند که بعد از این ، سینما و هنر نهایی مرکز تمام توجهات باشد و نهرا نقش راکه در فلم ((آگوش)) ایفا نموده بودم ریه معرفته قناعت بخش نبود و حاکم که فلسازان معروف به من چشم امید دوخته اند لازم است من هم تنس های فراوانی از خود نشان دهم)) *

در بخش دنیای مود و فیشن ((سونووالیا)) عکس - العمل خود را اینگونه تراز می دهد :

تاجهان سینما

سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا
حم نیک ولو که از اجازت بولی قابل توجه میباشد))
«سونووالیا» آثاری که در عین اوج حرفه ای
نیاس من گویند، در یوگون داشته میگردد:

((نمیدانم چو آمده بی به عزتنامه و دیگرگون من
اعتزاز میباشد، تردید ندارد که در لسان انگلیس
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از انسان
صحنه اردو دهند هم بهره و نیز گاهی دارم، روی
این اصل توانم نیکم به انتقاد آثاری که عقیده -
ندارند، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی
کم یادگیرین تواند آید دارم.

اعتزاز میکنم که حضرت ارجهان مود به دنبال
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادما درست
نیست که میگویند مود را لباس هاتراندندری هنر
ندارند))

((سونووالیا)) که از کار روزنامه نگاری حاصل
قام ((دختره)) پیوسته به ترقیات قابل آمده
میگردد: ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند
به استثنای شمول در کارهای هنرینمایی، تا آنکه
سوانحار آنها را تفتاح دادم و رعایت شان را در این
مورد حاصل کردم))

برای اینکه، دین فرصتیکه من راه خود را در
سینما شخیر میکنم، آرزو ندارم در محدودده، نقش های
منفی گیرشوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او
با ((وتودکنه)) بجز هاسرید، در حالیکه از این
رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه
میگردد، در این باره تصریحی ندارم این شرح
((من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم، چون ((وتودجی))
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی
یک سان داشته ام، اینه خا... اینکه با دیگر تازه گزار
بودم، به حاشیای هنرمند تجربه کار و مسوولیت،
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میخواستند
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت
حقیقت موضوع، دست به شایعه پراکنی زده سانه
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند.

این رهداد در حالیکه روی احساس ما، تأثیر
ناگوار بی جا گذاشت، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم.
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس
که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله
و شکیبایی خازر الماده میخواند))

سونو والیا میگوید: ((من به خود باور دارم که در سال
های آینده، به عنوان یک ستاره شناخته شده و
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد
بخوانم.

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه
میتواند پول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر
خدمتی را انجام داده نمیتواند. از اینروست که با هر
نوع نقش دلچسپی ندارم و اگر چنین میگردم امروز
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی
نمی کردم))

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما، موفقیت

قیهه رصفحه (۷۸)



سه بانو تریا: اکنون سخن میگویم

سرپال مجید

چند عنوان است؟

شاه بانو اسعد یار، پسر اسعد اسکوت، خاطر
همچنان انگیز زندگی مشترک با شاه رافلس-ساخته
وقتی که نثار خان سارتنس را از او داشت:
(حقوق زندگی من در بین خاترات جالبتر از هر
آنسانه است که تاکنون بر او من زندگی شکر
گرفته است)

زندگی و انجون بعد

بعد از دواج و

چرا تریا با مردم تن

باز هم سرا دید بود

تریایی از جدایی

باز هم سرا دید بود

خصوصی مین

تهران با این القاطن از برای انبارت و لولای تریایی
میدانم و این حرکت نمایر قوانین مجوز انچه بود
بسیار بیک از روزها، سوار ایل کوچک، کسه
نور پلیت CD داشت، همراه با سکرتر خاص،
روانه شهر شد، چنگک چای سیرت مومرا یار
نمایم و یک مامور پولیس نزدیک آمده و تا آنجا
ناسزاقت وانمود:
مگر لومه برای چست و اینها توقف مشغول
است!!
سکرتم که در دست و شغل بود، به پولیس
توضیح داد که تا هنوز به قرار اینها بلد نیست
من تخسین زن شاه ایران میام و پولیس که فکر
میکرد در دوق میوهید با خشونت رفت میزنند تکی
جواز سوار تا آنجا ن بدید.
وقتی استاد راننده می مراید، دهشتن
از تصعب پاراند ۰۰۰ دیکر هیچ حرفی نزد -
راستری اینکه من بلد نبودم چگونه مومرا باید
یازد نزد، در مومرا تا آنجا تیر برای نرفتن بنهن
چنان ایستاد و چاه میویل مومرا تا نرسد
باید تهنیر نزد (احماء) مومرا تا نرسد
راننده، مومرا مراجعه و از راننده تا رفتا -
مگنم، در دیار شاه ایران، حدت تمام
راگین دریته پاک شده سخوی بوم و اجسام
نداشت حتی دستم به دست دروازه مومرا
بود.
مرگامیک ما را با جدان مومرا از منزل مومرا
مساخت باید اولی موقت دیار راه داشت و مینما
درون پانتم که به شرح مومرا تا نرسد از راه بی
تستم و از تهنیر یک زنده کی تیکر من آمد، در مومرا
پول نرسد از راه نداشت و به عنوان اینکه زن شاه
استم، حذر محل پول تقد را من نهد اند، هنگام
خوب، پول را کسی می برداشت که مومرا مومرا
همچنان تا اخیر نتوانستیم به هم که پول مومرا
مومرا بیکه برود اند میوز، غذا را در هتل
چگونه تریایی داد و با برای پول چای، چند باید
پرداخت و این امر مومرا شده حتی مدتها
پول در مومرا و با مله مومرا از دیار، با این سایل
تا آنجا و مینما، مومرا و مومرا، مومرا و مومرا
پول را مومرا مومرا مومرا کی مومرا.
وقتی من، مومرا مومرا، مومرا و مومرا
مومرا مومرا بود، مومرا باید: مومرا
از مومرا مومرا در مومرا سالی، ریشه های -

از مومرا مومرا در مومرا سالی، ریشه های -

به تهنیر و تریا تریا دستام در دست و روت
دار مومرا، ساطق به در دستریه
بومر نیان به نیان کوچک به کوچک مومرا
در مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا

سعد رضا بظاهر گویند موق اینجانی ام رایسه
کند، اما بنگاه مومرا کی مومرا مومرا
من بود، والذیم مومرا کی مومرا مومرا
نومرا مومرا مومرا، مومرا مومرا مومرا
آن حق پس از جدایی تریا مومرا مومرا
حاصل کرد، اما مومرا مومرا مومرا
نمیدانست، مومرا مومرا مومرا مومرا
پن مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
سوریا مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
شان از مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
بود روز مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
پومرله مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
این مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
با مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
اکتفی مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
کران کرد، مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا
مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا

مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا مومرا



برفراز تياتر ويا سينما

خورشيد



به جست
- خورشيد جان عقيد ه شما در
را بطه به داشتن يك سينماي
خوب چيست ؟
- بعد از لحظه بي درنگ افزود
بايد براي يافتن سينماي خوب
اولتر از همه در جستجوي فرهنگ
مليتها بود . در يك فلم نيز بايد
اندیشه بران داشت تا
محتوي از يك تفكر اصيل و فر
هنگ جامعه گذران زندگي مي
نمايم ، ما به داشته باشد .
- ستم شما در بهتر شدن سينماي
افغانی از چه قرار است ؟
- من بعنوان يك فرد درين عرصه
نميخواهم بصورت ديگري تفكر کنم .
فقط تلاش ورزيده ام با نهايست
صميميت و بي الايشي به اجراگر
فتن کرکسي سپرده شده ، روايت -
نظم و دي سيلين - داشتن اخلاق
خجسته و احترام متقابل ستم خود
زاتاهمين اکنون با صداقت تمام ادا
نمايم .
- ميخواهم بدانم کارکرد هاي
سينمايي شما از کد ام فلم و
چگونه آغاز شد ؟
- من با پيشينه کار را دي
ام با علاقه مندي که در
بقيه در صفحه (11)

- سينما يك شاخه با اهميت فر
هنگ بشمار ميرود ، دست يازيدن
بدان جرات ميخواهد و ايشان
جلاليش جنين بيگريه زيبا و انساني
منحصر به ذكور نيست بكون طبق
حکم زمان ، اناك جامعه ما
مي تواند در رشد و پيشرفت اين
بديده والا از اهميت با ارزشي
برخوردار باشند .
- اگر همانند همه زنانك كه
به سلام اين بيگريه رجوع كردند
و بعد بلاد رنگ و دواع كردند چي ؟
- شما مي دانيد كه جامعه ما يك
جامعه عقب مانده و رويه انكشاف
است و از چنانسي بديده سينماي
ما تا هنوز نتوانسته هويت ملي
خود را كسب نمايد و استند هداي
كه بنا بر تخيلات واهي گرا يانه و يا
مكن اشكالات ناشي از تعصب و
ربا ، باي خود را از عرصه تعاليت
باز مي دازند . ولي من پسند ان
مي انديشم كه نبايد عقب گرا بود
و سوي سايه رفت ، سايه بيگريه
سپوش به تاريكي و لغزند ه گسي
مي انجامد . چرا ، خرد مندانه
به سوي خورشيد گام ، بگام پيش
نرفت و از خورشيد بيگريه اشعه
برفروزش همگاني است ، سود

اين بار در رابطه به ويژگي
هاي هنر و شناخت بهتر هنر
مندان سينماي افغانی ، باي
صحبت هنرمند مجرب و مستعصي
كه پيشينه کارکرد هاي ايشان امواج
راديو آغاز و در زمره نخستين
اکتريس هاي (هنر پيشه گان) تياتر
سينما - تلويزيون باد رخشا
چشمگير جا گرفت و در آثار راديو
تياتر ، سينمايي و تلويزيوني موفق
از آزمون بدر آمد و تلاش بيگريه
و علاقه وافر از زمره موفق ترين
چهره هاي سينماي افغانی در
سطح کشور شناخته شد .
نشيم .
اين چهره پرد رخشا محترمه
خورشيد است كه دعوت ما را با
علاقه مندي و محبت پذيرت ايك
توجه عزيز خواننده گان گرانقدر
را به گفت و شنود اين هنرمند
معتوف مي دارم .
- ميخواهم نخستين سوالها
چنين طرح کنم :
- د از نظر شما موجود
ديت اناك در بيگريه
سينمايي نو پيا خواسته
ما ، از چه اهميتي
برخوردار خواهد بود ؟

همينکه اثری از خود به جا ميگذارم براي من افتخار است
استعداد ده ها بايد به وقوع کشف کردند

اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و قهقهه ها حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و زیبایی ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون بنا تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نهالیت خفید میباشد. نهالیت تمام نکبات و مسمومیت ها در آن موجود است. از این رو بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکومیز ساتیوا می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته میشود و از آن استفاده میکنند.

ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد متوال هاست. تحمیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰.۴) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار متوال ها و مسمومیت های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فسفور (۲۰) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۳) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد و تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد میباشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلرین و آهن است.

خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۶۴.۰۵) فیصد متوال های القلی ساز و (۳۵.۹۵) فیصد متوال های اسید ساز میباشد. از این جهت خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادری کرد. بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آور طبیعی بوده که دفع و جبهان ادراور را بهبود می بخشد.

نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضاویت است. کمانه که به قضاویت دچار اند می توانند با خوردن روزه و صدد بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

اختلالات معده سی :

صا ره بادرنگ در معالجه هلیپر اسیدیته و زخمهای معده و

باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی خفید است. در چین مواردی هر دو صفت به هم دیده اند تا (۶) اونس آن تجویز میشود. از این که بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ره آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید و را خفلی زود بر طرف میکند.

بیماری های رایج :

صا ره بادرنگ در معالجه هلیپر اسیدیته و زخمهای معده و

هنگامیکه با شوره لکه مخلوط شود بوی شکستادن و بوی ساختن سنگ در مجاری ادراور و تقلیل اسید ادراور خفید است.

باید که با آب تازه تازگی مخلوط شده به مقدار یک یاد او ص هیک ساعت بعد دمای خفلی خفلی بوی رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسویب میگردد. این صا ره مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اسهال بیماری کولرا مشتمل گردیده، حفظ میکند.

جوش ها و داده های روزه :

صا ره بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و داده های روزه پوست موثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ره های زودک و گاه را با پوست به صا ره بادرنگ ملاه کرد. اضافه کردن مقدار کم صا ره شکر در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر میسازد.

بادرنگ بخانه ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از این ماسک با پوست دراز نکشد. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری میکند. صورت را با طراوت و شفاف میسازد.

بادرنگ را میتوان به صورت سبزیجات، حبوبات، صا رهجات و صلا د مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ به عنوان صلا د به شکل ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روزه، ملی، گاه و سبزی های دیگر استفاده میکنند.

اضافه کردن شکر در این صلا د آثار خوردنی لذیذ را از بین میبرد. صلا د را با آب سرد یا گرم میسازد. همواره باید آنرا خام مصرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین میرود.



پونم ...

بقیه از صفحه (۱۲)

رسیده باشد در غیر آن شکلات نهالی مایه خواهد گردید. به هر صفت تاردوانند مناسب نمیشود. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلان نیست. به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟

ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند ابعاد گسترده تری از سکس داشته باشد. من در فضا شاد و رنجورم من صا مردی گریه می کند، چه در آمد کرد؟

ج - واصل، دیوانه خواه شد مخصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پوت همک تا از آنجا فرار ناممکن بودید آنم شاد که زنده بمانم می کند.

من شاد در نگاه انسان خفلی معصوم و پاک جلوه میکند، آیا

دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی

نوبه سی. ارد نوروز سندی و ایسی داجی :

خاوند، بیاد بصرلی کس له وجه پاکند لونگوبو ریخینه د بصرلی به ریخو راشه چی تور تکی ریخه کیزدی و غورومه

خوانان هم به دغه و ریخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توستک را اخلی. تا کلیومیله خایونوتسه یسی. اتیونه کوی، بنی ولی او - سلنگی وهی چی دنومور ولوبو اتسل ته دکلی د سبب زیری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپور کس

خوانی بیغلی خیلونامزاد شویو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه غنوته ورکوی ((د هزاره سیه کی برعمومی - دود و نوبه سبزی بول خانگی دودو ته هم ترستر کوی بی بی با د هزاره ملیت یوتن و ایسی

د خوان اتل) دراتگ به انتظار به تال کی کینی. د هغه دراتگ لاریخاری اوبه گزار کارخانن زنگوبی خوله بده مرنه چی به تال کی بی خوب روری او همداسی وید. باتی کیزی. داهم اسطوره ده چی د بصرلی طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوی. د - نوروز خوان رایی اوتیزی به باغونو او راغونوکی او گلزارونو. د بصرلی د گلونو ناوتیزی ته خان رومی. خونوروزی بی بی خوارکی چی کله سترگی برانیزی - گوری چی ددی له بی بروایی خنجه بی یارد نورومه نیزی و کسی لویدلی دی. دغه حال نه نس زغملای. د لیونوتوب خیره بری رایی او خان له تال خنجه اجوی. که چیری به اوبوکی لویدنه نوهغه کال مسوزاد برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلویدنه هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال ری. د همدغی فولکلوریک کیسی برینست هیله من یوچی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوش نس کال موز ته برکتونه اوسو کالی د پالی کری.

خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹)

زمینه تمثیل داشتیم در سال ۳۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم راد ریش گرفتیم و صا آشنا سی مترم انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم نورالی شفق در فلم های جون: سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ مزوره سبز، مرد هار و قول اس، گام های استوار، فرجام صبور - سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتند و داشته های تلویزیونی ام میارند از: فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عروس، د لمره لور، شمع زن - د هک، من و شما، شماها و تیا تر تلویزیونی: غم مانی، زهره وید الله، امضا و زیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدم هسا، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

واقعا، فعالیت های سینما بی فرهنگ شما ارزشمند است. منی شود از افتخاراتتان در ایسن باب نام ببرید؟

بسیار متشکرم از شما. منی شود از افتخاراتتان در ایسن باب نام ببرید؟

من از همکارانم صمیمانه متوجه می شوم تا صرف نظر از بد در ایسن ها و آوند بیخه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا - نیکه دست به دست هم داده. گام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفت (سینما) قدم میزنند. بخاطریکه میتوان به این نکته باور داشت و هم بدان تاکید کرد که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بریاقت - بلیت باور و شوکتایی فراوانند. استعداد های بیکه اگر موقسم به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگرفه میدهند و هنرمند ما به آفرینش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید. به امید آنکه همه توانایی ها در خدمت رشد استعدادها و ظرفیتهای هنری بکار افتد.

مرد ها را خواستند

40 مینرنا

آیا فحاشیهای فیزیکی خصوصاً زنده گی زنانه را اصله میزنانه

جهنیکولوژی خاخر نشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی راجحاً یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرابلمهایسی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجه متردد بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گی اولین علامه حمل است . ولسی کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده گی این بس تعویق بیافتد .

مینمانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه استروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح استروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد . به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلاتشان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یا سبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها کی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه گی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - نریسهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصاً ت زنانه کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

نیمه آدم نیمه حیوان

اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود، شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند، تغییر چهره میدهد. باتمام این یاها و قتیکه حرکت میکند و بر عرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تیا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند - زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اود پی معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا را.

میرود. بعداً یاد و باوا از طرف شب به اساس قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد - بود و محکم به مرگ میشد از کوه به پایان میافتد.

اود پی مورد نوازش قرار میگردد و یوه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در - پیدا این موجود اسرار آمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سنگد و سزه اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گلدان های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اود پی بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون - جاداشت زن است با تنه از شیر، باقیافه زن و داریا -

لها و ابوالهول مصری بالندارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانسی و میش نما یا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مییابد. در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر لب داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالا حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نوزدهم بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیمنیم که در اول بود - ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدیم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد، های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعداً

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی - در روزه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر از آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، نمبر از حکمت بد هیچی در تشریفات نیز از آن - استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزار هانوس اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نمود. که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. - صد هاسال بعد در سوپوتامیا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت دنیا قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعداً از اود پی معمارا رسید تا که در آئینه خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

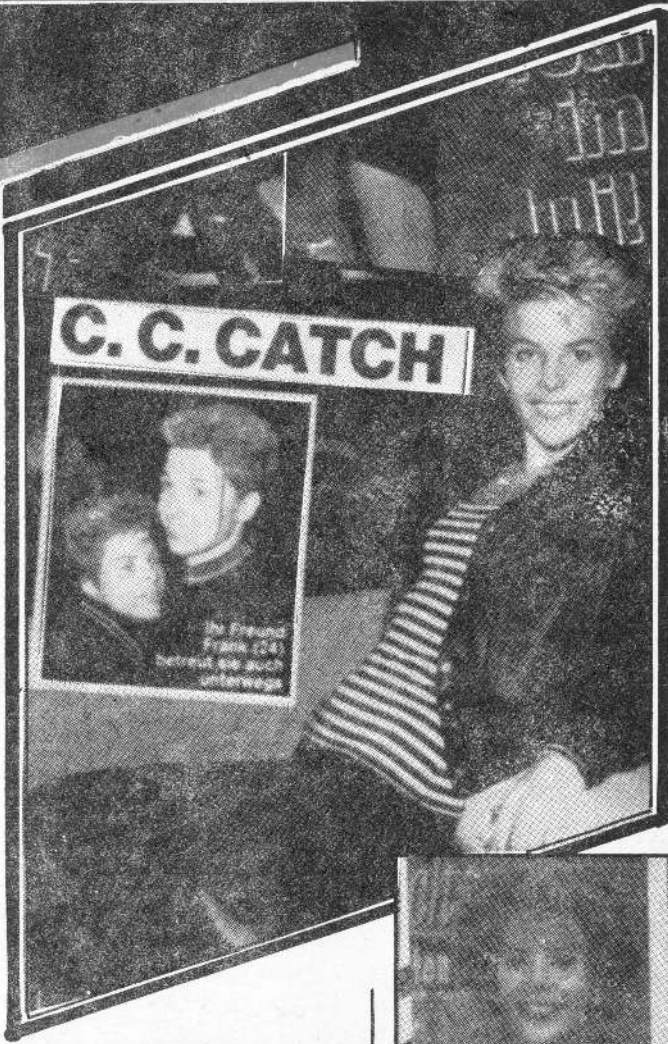
ملک جهانی که بزرگ می‌شود

«من می‌دانم قلب خود را قدرتمانیم»
آهنگ تازه بی‌ازسی سی تیج

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیترو بولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و - همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسر آلمان دیترو بولن تعجب می‌نماید. تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسر آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر علین آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می‌آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید. شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیترو بولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است ((در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است)) در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روزه تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد. تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری امرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



مینامیم

در یک شب مقبول بچیت هنرمند دیسکو تبارز می‌کنند. خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمانیم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت دیسکو زدگرم در تمام اروپا شهرت یافتند ریک نمایش تلو - یزیونی که دیسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه دیسکوی ای خود شهرت بسزایا کسب نمود. این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته است. در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستد اشتیاش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب



دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی - اش سروده ها و پارچه های رابره می‌گیرند و آنتی‌نوس های بی‌کمران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج‌بخش و نشاط آنزای ره می‌سپارد. اینک باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی می‌گیرم و هنرمندی رابه نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شما معرفی

لرغونې نوروز او

نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زمري په ميواډ کي نوموړي - د دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نماخل کيزي او تراوسه لا زمري خلکونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي رايه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نماخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي په دي باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سياستکي د بابر باغ، د سخ او دنيا لگير د اينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خيل او پير برتم عهداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر بل مالان خواجه سپاران خواجه صفا ريگ روان په خانکر وميلواو خو سيو سره نماخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ ميله جي خلويست ورخي روانه وي په دغه ورخ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي جي په گابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عهدغه ورخ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملگري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزيکي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا اوسه ننگر هارکي د ولکي بابا ميلس د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي او نکلکي کالي اتوندي تبيل وهي زيارت ياتي په (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگور شوه باجاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيد کينه لسو دود پيل کي اودايي په گوته کره جي هرکال بايدنه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي .
 د ((سيزه بدر)) له لسو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي جي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه په ديار - لسمه ورځ جي دنوروز باي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به يي وهل زړه وينخواو ميند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولو باندې تياروه بخوانسې نجوني او پيغلي به په دنوروز جو کي به شيلو کي گزيدي په شيلواو سمور کړوند وکي به يي خوښي کولي اود راټوکيد ليوشيلو بايي اوڅانگي به يي دنیکمرغه شکم په نيټ غوټه کولي له لگيد لو او بلوڅواو ورونو څخه به يي په خاښو ناروغيو اداگانو توپونه جون کله به يي جي وايه سره غوټه کول ، د هغو غوټه به يي د خپلسي مينې او بلاتي وړ عنوان په نامه اېوله د نوروز په درشل ((سيزه بدر)) کي به دي باندې باور و جي ټوک يي دغه دود نماښ او نه يي ميروي هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده ، اووه ټوله ميوه به لند يده ، داووه شين د سترخوان به وغوړيده جي بيل به اووه سين باندې واوښت بير سيره برهڼو به يي باکي اوسه هم راوړي ياد کال د اوښتون په شپه کي به جي اوه ونيور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه دنه روزبه ورځ به د بزگر ميه هم جوړيه دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړونده بولس .
 په دغه باب لرغوني انسانه ده جي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنسې ورځ درلوده جي دروازه يي د عامواو خاصو رڼخ پرانيستی وه هوکي پرانستی وه ځکه جي تر شنه آسمان لاندي په ازاده فضا کي دي ليدني کتنې صورت نيوي جي دعاسي ميلي بڼه يي نوره کر پوه د ميلي په خوښيو او تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتنسې راهيت شواو هغه څه جي يي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کسې و اجول او ورونه يي وغوړول کوم شي جي مارغه راوړي و پوهانو ترخپل نې لاندي ونيول او د نبات دانس يي تشخيص کړي باچا حکم وکړ جي دغه دانس بايد سپين پيري او پوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه ديارلس ورځي وروسته هلته نياگي راټوکيدلي وو جي -

ترکومه خايه جي زمري د خلکو او زمري د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) اود هغه اړوند مراسم زمري په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري . ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليزد ول شوي او تر زمري پوري رارسيدلي دي . د پخوانو اريايانو په زمانو کي به جي کال پاي ته رسیده د کال وروستې چارشنبه به يي په برتم سره نماخله دغه چارشنبه د سوريي چارشنبې په نامه سره ياد يده او په هغسې کي به يي ميلي کولي . ځکه جي د ادب سرلي د برتم په درشل کي دنوروز د ميلي پيل و په دغه ورځ به يي اورونه جي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي او گري يي جي . د مني ((مهرگان)) په جشن کي به يي لرغلي نه ټکول په دغو ورځو کي به يي ماتول داله ژمي او ارامې سره د خداي پاماني نښه وه . په اسطوروسې راغلي دي جي له سوريي چارشنبې څخه ديارلس ورځي وروسته واپه په فارسي ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي . زرد شتيانود د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او پاي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه اووه دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي له سوريي چارشنبې څخه وروسته به بيا د کال د

شاید خنده گنبد

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان .
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند . دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی . بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



اخبر سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافلی میرزا شاکسار ، که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالصین باشد ، برای این شماره این اخ بار را تهیه دیده است :

* در اثر زرد و خوردی که بیسن احمد خان و برادرش (فرید خان) در اطاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اسحاق شکسته و قسمت اعظم فروش و ظرفی که موجود بود ، از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را زد دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روزنه تمام معاشش را که بعد از این ماه عرق ریزی به دست آورده بود ، مصرف نمود ، بلکه پند بین مزار افغانی فرستاد .
 خبر می افزاید که برادران زد و خورد میکنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاعره شانرا نمیدانند .

از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :
 ببیند ، گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تیسره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذرت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .
 * * *
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ
 - بغومایید ، تلویزیون است .
 - اوه نوکیروال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید .
 - امر مقامات بود .
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ ، که تازه در جوات - فجات (۲۲ گانه شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتران فعال خود گفتوگوهای بالی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰
 - بغومایید ، اداره نشرات تلویزیون است .
 - نشرات تلویزیون است ؟
 - بلی ، بغومایید .
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .
 - بلی درست است .
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید پوکست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ماکراری می باشد ، امرو می کنم ، آن فلم هنری

(لو ستوری) را ناسر کنید .
 - ببخشید ، آخران فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما نندار که آنرا ناسر کنیم .
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من (. . .) استم که امرو کم .
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نشیمن



از خود شما

سوال
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟
گفتم: نامردم، جواب نمیدهم.

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت، با کارهای زشت به جهنم میرود.
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی هماپرویز از بونهعی
ژورنالیم ویان برویز از بعه بلخی

((امتحان))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو، سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار.
خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

((در صنف))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارکرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.
- چگونه زنانه حرف میزند؟
- نه هر روز به خانه ما می آید.

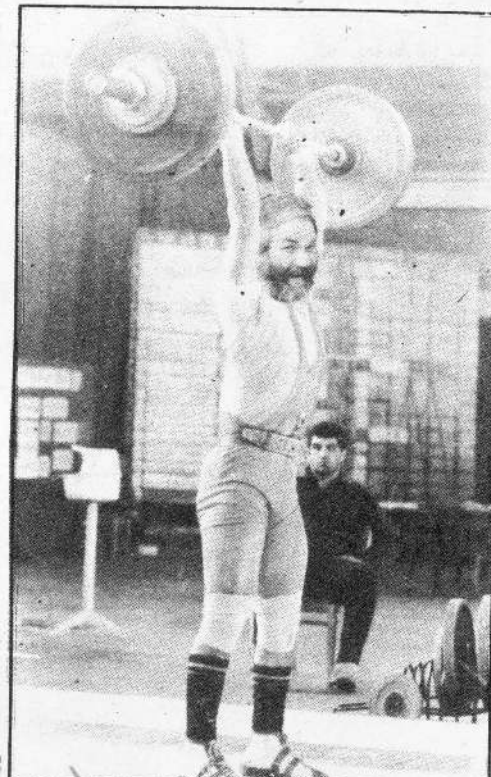
راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:
- حالا چطور به رئیس عموس بگویم که تحویلدار پنج ملیون فرانک موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟
معاون: میگویم چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.
X لقب نهرمانی را به دست آرند.
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.
X عرمه گردد تا پاره‌های از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گن بنالند.
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

نورانی بوموقع



ملا صتم خوب است

همسایه بپ

د بیوزیک تن از دست پیل است کمترین تم به بداران که نانسند و گاند اران و یگر تا رئیسند با بی انعمسا همکاری نمایند خود را به خانه رسانند. خود این نمود.
خبرس از این که خبریان کابین از این خود کشی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبرازخوس و قدر دانی نموده، از روند انامه این سلسله در ریاست به می باشند.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم دیشب تا ساعت ا شب با مشیت به دیوار اتاق میگویند! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بختانه نخواهید بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.
ارسالی عطیه

مینیاتوره‌های طلایی

اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .

به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .

چیزیکه امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .

اگر واقعیت ناخوش آیند و یا غیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارند .

بهترین منطق ، منطقی است که بعداً بوجود آید .

تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .

به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .

از تمدن گذشته ، نواری های آئینده به وجود می آید .

زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد ، زیاد گفته شده .

از اندازه عملی شده .

مادرکلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .

خشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی .

بیکار : حیوانی که وقت را میخورد عروسی : (عقد) قماریکه مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .

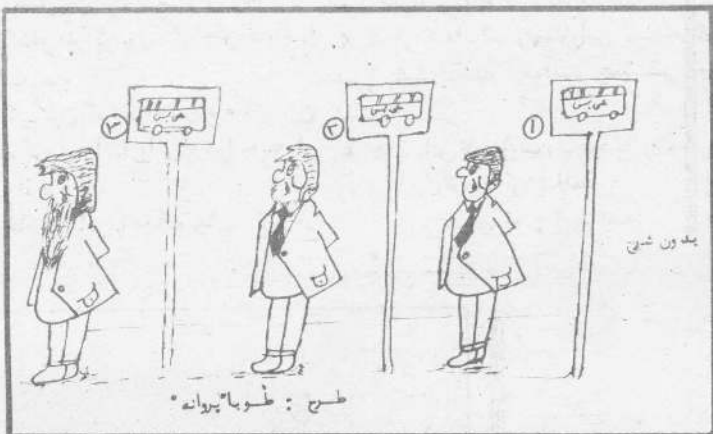
جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .

دشمنان : مگوری از دستان که نمیتوانیم خود را از آنه انداخته کنیم .

کارتون



طعم تند



طرح : طوبه پرهانه

نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو میشمرد .
یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :
دوست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلور ، تشین و کلاستون .
مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند اند .

امیل زولانزد ، اکثری رفت ،
داکتر پرسید : چه شکایت دارین ؟
خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .
داکتر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :
ای تابلیت ها برای داشته ای تان کت میکند .
امیل زولانزش را با ناراضی شور داد و گفت :
داکتر صاحب این تابلیت ها ایراد من کت نمیتواند من داشته ام .
ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .
محمد سرور خیرنکار که به خاطر تکیه صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوی را مقبول شده بود به آشخرف گفت :
چند روز پیش مدیر صاحب - برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجارتی اند ؟
معاون شعبه گلشن را مصاف کرده گفت :
وله راسته بگویم ، به هم نیامم که مدیر صاحب کجارتی ، مگم دیروز در امری صحیح حلیا داد کدهد سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .
محمد سرور که گوی خشکی

بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و ترو صغ فارجه ساخته ای طی مکتوب -
رسمی از خبرنگاران را دیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحبه نظیرند .
روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران تشکیکی رفتی را آماده ساخته آنجا رفتند .
همون که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئیسید :
ایا پیر به شعبه خات آمد ؟
معاون جواب داد :
ایره خوب میخام که تی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقت که بر آمدن پیر بیایسن .
تمام خبرنگاران و همکاران تختهکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .
در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :
اوپسده ها ، اینها حومه خوب سرگردان کدن ، مام کارز میکم که تازنده استر یادتان نره ، اوهم ای که برشان میکم که روزیکتیه آئینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخفته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالاندن به سرسری ملی بس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رسمی خواه شد .
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس انتقاد بدی تان را تقویت میکند .

متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتری بر موقف خوبی داشته باشید . از همین رو با دیدن جالبی به لکنین موتر جمله ورمیشود اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



فالی که طنز نویس دیده است

متولدین ماه حوزا :

ارزوا یینه به خار به دست آوردن کین لیت به سو میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انامه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرق استید بوی و گنده گیای کارسرت در شما اثری نمیکند . بول صفای را در مواقع معین میبرند از بد بجز واسطه ها ، واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشت از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند . در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر - خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت ترا - خواب برخیزید تا انقال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اس وقت از نانوای نزدین خانه تان ، نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه شمس است .
متولدین ماه جدی :

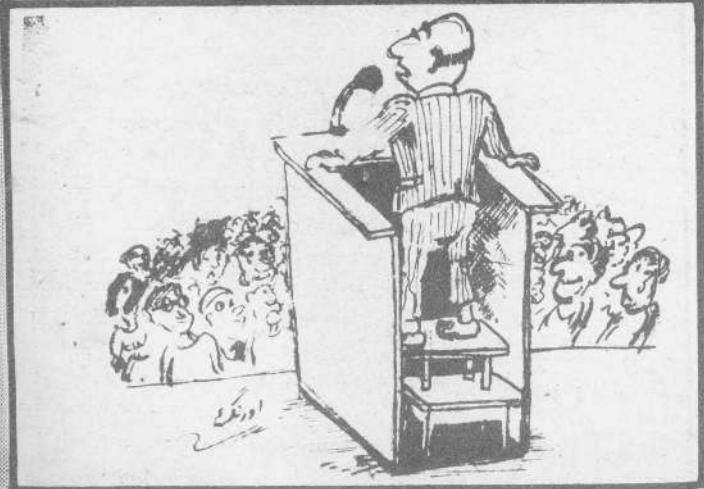
ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور انیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنود زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شدید دارید .
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متاثر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پیکاری شده است شما هم مانند مسولین در زمین - معافیت حاصل نمایید .
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوای صروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوای بگیرانده ادامه دهند . از لیا سعادت

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، و در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل تحمینی مسدا تهیه کنید .
برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .
معاور گفت : به چشم و حتما برشان هم .
روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحب به شعبه سرفراز خان نرفت .

روزی که رسید نصیم . همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .
همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت :
معاور صاحب محترم ، از کجه تمیه صاحبیهت شما با اتمه مهم اثر ، برای مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بکجهین (لینا یاد داشت کجهن) که مارونیک شنبه آینده ، ساعت (۱۱) می آیم ، مارو بر سرفرازخان و آمرهلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریف و تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد ، بخش های مختلفه





دوهامدينه

د راديو-مجلي پسرل
پسې داستان

سرپرست رئيس

نطاق: د راديو جوړيد ي پرله
پسې داستان د پروگرام اوريد-
ونکو لوستونکو سلام!
تاسې په تيره گڼه کې ولو -
ستل چې د بېتا توشېنولو د رڼا -
ست ريس د مقاماتو د لزم د پيد -
ياد ناغې ي له کبله برطرف شو .
بي له دې چې بل ريس وټاکل
شي او ياد رڼا ست د کوم مرستيال
د سرپرستي مکتوب راشي . د ريل
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ
رقابت او کش وگيرمنځ ته راغی . په
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي
پوري اداري مرستيال په چوکي
پوري نښتي و . خو کله چې د -
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته
کيزي او د باندې وځي . نو فني
مرستيال د رڼا ست په چوکي پښه
پاتې (۱۰) مخ ته



نانوای

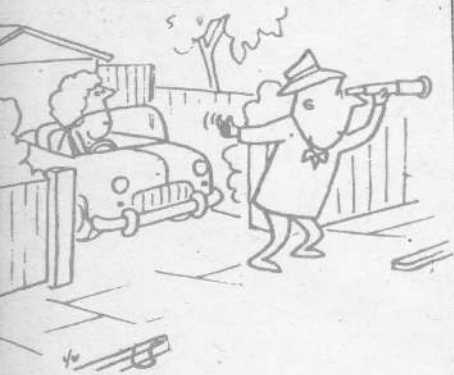
دغه مهم اوحياتي لغت په
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -
ضیح او تشریح شوي دي :
(نان)) د ډوډي او -
(واي)) د واخ مانا لري .
يانې کله چې خوک د پښار په
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پسې
(واخ)) چيغې ووهي او هغه
هم په لاس ورته ورنه شي .
.....
غور خوره . غوري وايه . خوبه
غور وڼه تير وڼه ا



علمي تخييلنه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غرموسې د نښونې په دوران
کې د نايټروجن دوراني حالت د بيلوژي په کتاب کې ترسترگو
شوي دي ، خود لته د نايټروجن پرمخې د يوې بلې ډيرې مهمې
اوحياتي مادې د دوران په باب غږيزو . دغه مهمه اوحياتي
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ
په زمونږ ښاريان په دوراني ډول دخولي اوزي له لاري سزواو
کولمونه ننه باسي . اودالري ترهغې روانه ده چې خود ښار
په واټونو کې دخټواو ډوډو دغه حال وي .
له دې خبرې سره داخبره يې لا براتواره په ثبوت رسېږي
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه په بل حالت بدليزي او خپلې
بقا ته دوام ورکوي .
راغی چې په دې باب په خپله دغه دوراني حالت ته
ورنښوئو:

نردی لیدوتی هیله او د سنځی وریوری



دیوډاگانو غونښتلیک

د راپیو، تلویزیون، وریو، بیا سو،
مجلو او جریو، د محترم موسسولینو!
غوره ریځ وینواو اوږدې سینه
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو
او حیواناتو له پاره ځانګړي څېړنوي
څېړنوي او هم په مجلوماتو کس
دغه ټول ګلښی ترسترګو کړي.
خود یو ډاګانو څېړنه تراوسه نشه
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه
یی هم لوستلی ده. ایا یو ډاګان
غوز ونه نه لري، زړه ونه نه لري،
اوسترګی نه لري یی خوب یس
د دې ټول څېړنو تم نه څوږي،
د ایه موسسور اوږدلی وي چی:
زړه به خواږه، مرګ یی د یی-
سار، خواږه د امانانه لري چی
سړی به مړه ګیډه لیتی یا اوکوره
وڅوږي، بلکې روحی څوږونه چی
د خولی په ځای د سترګو او غوزونو
له لارې کولموته ننوخی هم اړتیا
ده. هیله کړی چی د دنیس
اړتیا به پام کی نیولوسوه (د بو-
ډاګانو نړی) به نوم څېړنه به
څېړلو څېړنوکی وریاته کړی.
ستاس اجزا توت غوز اوسترګی
به لاریو.

بریالی اوس

کاکا سفندرد یو ډاګانو د تولنسی
سرسرست

وکتل شو!

د یو ډاګانو دغه غونښته به ځای
ده اوله عمدی شیبی وروسته به
د بدجاره هنی هنیوال د یو ډاګانو
د نړی په نیم یوه ټوکرې به هنی
کی وریاته کړی.

ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه بی وفاد ه
اوس یی سینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته
به مفلس مین شرمیز ی، ښکته ما ځنی اجداد ه
د مهران مودی اوز د ی شوی، د وصال په طمعه طمعه
زړه زما ورسس وړان د ی، د ایں غم بی پرواده
زه د یواښت په هیله، تیرم میاشتی ګندنه
داله ځمکی نه عواته، پورته شوی به هوا ده
لاهم وړخ به وړخ جکیزی، یو ځیران رانیتنه شوه
د نرځونوبه سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده
به مړه ګیډه، عینکله، ماونه خوږه، به مینه
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ما ورکه د تیا ده
که یی نرځ راکښته نه شی، د خوراک عیله یی به کړه
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی یا شتیا
بخوانی مینی اوسنه شته، زړه د ی عیله یاری کړه
اول نرځ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده
غسی نه چی لیونی شی، به کونوبه بازارونو
څه به لاس درله درنه شی، د ابله تما شان ه
نورنم افریاد ونه کړی، زړه کړه صبر ګندنه
ای مفلس ګندنه خوږه، د ازما درته وینا ده



میږز له میږسره څه څپیلوی لری؟

میږخوتول بیژنی چی د دفتر
په کوچ کی به څلور ښو ارام
ولار وی او په رمسی وخت کسی
میږزایان ورباندی څپیل سرز دی
اویده کیزی.
راعی وګورچی میږزآخه ته
وایس: میږزآله دوه برخو
(میر-زا) څخه جوړ شوی دی
چی دوه لاسونه، دوه ښی،
دوه سترګی او دوه غوزونه لری.
اوس که (میر)، (میر) او
(زا) د وار ه سره یوځای کړو
نوبه یتو سترګو ویلای شو چی:
میږزآهغه (میر) دی چی له
(میر) څخه زیږیدلی دی.
(څپرکی)



دیوډاگانو نړی

یوه ډاګانو څوږان په ګوره ده
پوږی ګلسی ته باعت وړ او
پوږی یی څوږ له
دوی د وار وید خوله شخوند
راهه اوس سترګی اوسکی توپلی
یوس چی دغی عیبی بیسی ته
هت پت پاتی وکله یو ډاګان و-
پوستل
- کاکا خانه (ولی زاری)
- بچیه بوښته نه کوه... نه پامه
خوله کی غاښونه نه شته اوسه
پوږی شخوند نه شم وهلا یی.
خودغه څوږان چی غاښونه لری
ټوله پوږی یی راځنی رځوږ ه
څوږان چی خوله یی له پوږی
په ګه وه، به پک ستونی بسری
اودانګل:

د روغ وای وروږه! زه چی غا-
ښونه لرم، نوبه پوږی شخوند
وهم لږ دم یی، خودغه یو ډاګان-
ښونه نه لری او پوږی ژوند یی
ژوند یی تیوی.

یوشن میږزآله لار څوږیل یو ډا
بلا رته لیک ورباندی ولیکی، میږز
دغه وویل:
میږزآ- ښه وروږه! بلارته دی په
لیک کی څه ولیکم.
سړی- سلام... ګرانه بلاره...
میږزآ- ولی چیغی وهی؟
سړی- ددی لپاره چی یو ډا-
پلار یی په غوز ونو کوه دی او
وړوڅېره نه اوری.



علی مشتری سفر پرماجرايي رابه دنبال عشق خوداز سرگذشتانده

مجموعه قصه‌های عشق

خواننده گان عزیز! در شماره های قبلی مجله ما برای سفر علی مشتری را دنبال عشقش در هیالایه به غدا خواندند اینک بخش دیگری از آن را میخوانید.

شب فصل بهار و ماهتاب است
نسيم باغ رشك شك تاب است
شكوفه دامن افشاده به گلشن
زخون لاله شاخ گل خضاب است
بدیده تان ((ماه دور بسا لا))
زخجلت ماه تابان در حجاب است
نسيم آهسته تبرنگ رزگوش
که ((منازجهان)) من بخواب است
درین فصل بهاراي گلشن نساز
زهجرت مشتری اندر عذاب است
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود
بیوگرافی مدهو بالا را بطورمکمل تحت عنوان هللی
مشتری ومد هو بالا بدست نشر سیرده که چندند
صفحه از آن مجله مصروف وزیران گرفته است.
جریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری رایشنا -
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده
و عشق عصري قرن بیست وموضوع مدهو بالا تشریح
یحات مفصل داده وهم چنین موضوع روز را طلاماً
جمعی افغانستان بود واکثر روزنامه ها و جراید
درین باره مضامین و اشعاري بدست نشر
سی سیرده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته واکثر آنها فراموش گردیده اند.
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنسري
فلسی وادبی بود، در وقت و زمان خود شهرت خوبی
داشته، صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش
را بدست نشر سیرده و عکس هاییک مدهو بالا در آن
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود
وهم چنین عکس های از من در مجله ننداره به
چاپ رسیده.

واین است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم
مجله ننداره که مدبرمسؤول آن محترم شفیع رهگذر
بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور
خواننده گان گرامی سپاروین، زیلا، تقدیم میشود.

((یک راپور تاز د لچسپ خواندنی
گفتوایی با علی مشتری))

((عشق))، امید ((و آرزو))، سه کله خوش
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهراهنه و بالاخره
سه معمای مشک و پیچیده هستند که بدور مرکز
من می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسا خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نسام
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است، گاهی در
صحاری خشک وریگه بیابان رگه با پای برهنه
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را دردی
وشت پای او را گردی نصیب نموده است.
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت
داده اند که اگر غلط نیست، عجیب ضرور است
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری را دو - سال تمام از یارو دیار برید و برید و جای او را در محافل ادبی و هنری و محفل انیس دوستان خالص ماند، داستان اینکه وی در راه یار غربت چها کشید، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله مسافر و دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو و امثال تو بایسد جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فلی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فلی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما تو را شناسند و دیدار سنتن ما جرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم.

س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم.

س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟

ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند داری بینایی یعقوب را یوسف کند

س: پس چرا توقفان در بعضی مدت در وسال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی سنیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر - مندان را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم.

س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفضل و هوش ریده بدیده باز ماندی یک انسا یکلوبیدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هنر و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سمانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مد هوالا، نس، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تا چیزی درین نباشد مردم از آن چیزی هانی سازند، محبت و علاقه من به مد هوالا یک - بقه چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مد هوالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هاییکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مد هوالا و اهل خان بد را و بچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مد هوالا به ازدواج با توبی میل نبوده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انوا هاتی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مد هوالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مد هو را خلاص

مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محب است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اهلوالله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگر جراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیرد.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میگوئی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبا، طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مد هوالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیزهاییکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بی اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟

س: مثلاً میگویند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هند بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت
 ((ا)) گرم
 هفته گذشته ماره سرگردان
 ساختن ، ما آمدیم شمانودین ،
 خیالی دیدیم که چلو تصد خوده
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر
 صاحب صرف ساختیم ، آخر
 هم دیروز نامدم
 سرفرازان که این حرف ها را
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی
 کرده گت:
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۲
 شوهر من فلمدارک در من
 حال به حد بدبختی نگاران -
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک
 روز بعد گویی را برداشته سزای
 سرفرازان که همان روز در شب
 بود تملقین کرده گت :

بقیه از صفحه (۷)

مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به
 تد اوی شرط اول تد اوی است .
 برای تد اوی معتادین باید برنامه
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه
 های توانموتش باشد . برعکس
 فلم های تشویق کننده یک
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید
 خانواده ها و استادان مکاتب
 و همروسه زیرط سم بگیرند
 یعنی منظور این است که اولاً
 برنامه و قایون داشته باشم
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین
 می توانند داخل پسترس شوند
 اغلباً دیده شده که انهمالاز
 طریق همیره های سابقه به مواد
 مخدره کشانیده شده اند .
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی
 اجباری این انفراد مفید نیست
 معلوم کردن معتادین هم چنانچه

لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)



نمایشنامه ((ایدم نیست))
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون
 و رادیویی نشعهای داشته ام
 - لیزارجان کونکه به آرزویتان
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام
 است ؟
 - فلم جدید اینکه من در آن
 نقش برارنده ام ، ((سفر))
 نام دارد به کارگردانی سعید
 ورکزی وهم اولین بار است که
 رضایت کارگردان را جلب
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من

آنرا اجرا میکنم نهایت خوش
 آمده بود و از سوتی شرح و کسار
 دقیق کارگردان و اعضای یونت
 فلمبرداری مناسب شد که من
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده
 شده قرار گیرم .
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -
 پیشه مگی تان ادامه خواهید
 داد یا چطور ؟

- یاد رایت و هوشیاری با سح
 داد :
 - از هنر ، هنر زنده مگی کردن
 را موختم ، نه تنها به درسهایم
 میروم بلکه در منزل با مسادین
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تحصیلات
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش.
 - ما شما این بیروزی را قبلاً
 تیریک میگویم .

به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه
 موسیقی را دایرکت کرده ام .
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .
 - پس در بخش دایرکت باید تحصیلات همه جانبه داشته
 باشید میشود از تحصیلات ثان بیوس ؟
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف
 تحصیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک
 کورس ۱ ماهه را تمقیب کرده ام .
 - در بخش دایرکت بن ویا مردم کدام یک مؤفق تراست ؟
 - به نظر من زن مؤفق تراست .
 - چرا ؟
 - زیرا که زن میتواند بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش
 دقیق تر باشد .
 - میخواست بیوس دایرکت آهنگهای استاد هوشی بوسشو
 وسما ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟
 - کار من است .
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟
 - فعلاً در خانه .
 - چرا ؟
 - مشکلات دارم .
 - در نظای مؤفق تراستید ویا در دیکله اشعار ؟
 - فکر میکنم شعرا را خوبتر میخوانم .
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟
 - بل در فنشویال و ادو رگاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟
 - پروگرام زن و جامعه را .
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش
 می بردید ؟
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون
 بودم .

آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد؟
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -
 ساندرف) از وی چنین سوال
 کرد : چگونه میتوان زمین را از
 تصادم و آرها نهد در صورتیکه
 هشت ماه به تاین وقوع این
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود
 راکت های دوگلوله ای را غرض
 انفجار ستاره به خاطر تغییر
 مجرای سیمون بکار برد ؟
 بعداً ساندرف اظهار داشت:

دفع کردید که در نتیجه چهره عالم
 تغییر یافت ، زمین لوزه ها ، انفجار
 در که های بزرگ و تواننا به وقوع
 پیوست ، طبقات غبار سنگ های
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و آن
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و -
 حبابی در برابر اشعه آنتاب -
 گردید . درین میان به اثر توقف
 ترکیب نور هزاران هزار موجود
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار
 می آید لیکن میتوان آنرا کاملاً
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد
 (شویسکر) ستاره ای که قوت -
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد
 امکان تصادمش در خلال صد هزار
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که
 متادل تو انفجارش فقط یک مگاتن
 باشد امکان دارد بعد از هرس سال
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات
 دور دست سایبها جسم طمعی با
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده
 مگاتن عبور کرد این حادثه سبب
 تولید امواج زلزله در منطقه
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور
 انداخته شدند ، غباروتند بساد
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .
 از همان وقت تا امروز از طماد رساره
 سبب این انفجاروشی . تا سده
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم
 مذکور رأس متلاش شده . مذ نس
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخره .
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با
 این سوال مواجه اند آیا در صورت

به مناسبت بازهای المپان توکو
 امارشده . چنمین زلزله را از سر
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۲ این
 یکبار به سکون انتقال یافت . دهن
 شهر اتن تلخهون ایستانکون -
 بالارفع ۵۴۰۷
 متر امارشده . این اتن تلخهون
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن
 رستوائت واقع است که چن مخود
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی
 به شهر مسکو نصیب مارجم -
 بقیه از صفحه (۵۱)

ساختمان ها سریر آسمان

گفته شد کاری ساده نیست اداره ماصرف درحالاتی میتوانند آنان راحت تدای بگیرد که از جانب خانواده های شان یا بطور داوطلبانه از جانب خود شان مراجعه صورت گیرد .
س: آنانیکه بعد از تدای معتامی شوند آیا باز هم چانس صحت یابی را دارند ؟
ج : آنانکه دوباره بعد از تدای به مواد مخدره روسی آورند کسانی اند که باز نخست به زور تحت تدای قرار گرفته اند.

و طبعا مصاب شدن شان بسیار دیگر خطرناکتر است زیرا برای ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی و علاقمندی شخصی باید وجود داشته باشد .
س: معتامین چی نوع برابلم هاراد رجامعه به میان میاورند ؟
ج : برابلم های ناشسی از معتامین وسیع است .
از نظر جسمی خطرات جدی بیماری های کشنده را بوجود می آورد مثلا بیماری های ریویم و خطرناک جگر که از استعمال

مکرم مشروبات الکولی بید می شود .
خطر سرطان نزد کسانیکه عادت به دود کردن دارند . بوی دهن چنین افراد سبب از پتدیگران می شود . زرق داخل رور سدی مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال مرض خطرناک اید سر برابلم می آورد .
حادثات ترافیکی ناشی از همین موارد می باشد .
از نظر روانی نیز مشکلات بوجود می آورد .
از نظر اقتصادی چنین انبساط کارایی کمتر داشته و باید شانرا راصرف مواد مخدره می نمایند

طبعا خانواده ایشان دچار تنگدستی می گردد آنها بیشتر اوقات خوشتر با دوستان همردیف خود گذراننده اطفال شان از مهر محبت شان محروم می گردد .
گاهی اطفال شان نیز مصاب به این موادمی گردد .
تناسبات خانواده کی آنها نامطلوب گردیده سبب ایجاد جنگ و جدال ها با اخره به طلاق و جدایی منجر می گردد .
انسانها ثروت جامعه اند طبعا انسانعامتاد ازین ثروت کاسته می شود .
رجای

زنده کی برای آنها محدود میگردد بهخفا بخاطر بده ست کورده ن پول غرض خرید اری مواد مخدره آنها مرگب جرم و جنایات مختلف می شوند .
حتی تا سرحد قتل و زدنی های بزرگ میهنی اینک برابلم ناشی از اعتیاد طیف وسیع دارد که برای درمان آن مبارزه بزرگ بکاراست چی ضم مادران و اطفال مسکمه جوانان و سرانجام مصیبت یک جامعه ناشی از اعتیاد به مواد مخدره می باشد .

نقطه مرگ

بقیه از صفحه (۲۶)
کوبایی چنانکه سوطون عمر را کوبند یاد میشود و شامل ۱۲ نیمی است که از نباتات و حیوانات بدست آمده و هیچ عنصر منومی کیمیاوی در آن وجود ندارد .
هبارتند از: عصاره جمجمه سنگ پشت خاور دور ، عصاره شاع کرگدن ، خسته های نباتات Armenacae Juulperus-Rioids
لیومی چینی ، خسته قیسی و شنبه های ک در کوروما نیز پیدا می شوند .
راز روزگاران بچلی سینای بلخی مورد اعتقاد قرار داشته اند .
از نامبرده برتنش بعمل آمده که : آیا ممکن است که عمر را طولانی ساخت ؟
اینگونه پاسخ میدهند : بل ، با قویه سیستم های قبلا ذکر شده ممکن است .
زیرا تضعیف فعالیت آنها باعث بیری میگردد .
طول عمر را میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن هم بالاتر برد .
بالای اشخاص بین سنین ۶۵-۷۰ که وظایف تمام سیستم های شان تضعیف شده بود ، تجاری انجام دادیم .
رستورات میشود .
اخین حرف تخنیک به شهر توتوتو کانادا اطلاق میشود .
۱۹۷۵ زسال دین شهر برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان جهان از نوع خود میباشد .
در ارتفاع ۳۴۷ متری این برج رستوراتی ک دارای ۴۷۶ چوکی همراهی معامات بوده و واقع است .
معامات این رستورات توسط لفت ک درکار

با تکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-۷۰ میقد کاهش یافته است .
توانستیم که آنها را با نرس تدای بحال نورمال برگردانیم .
برای اینگونه تدای عموما تطبیق دو یا سه کورس لازم است .
قسمی کورس از ۱۰ تا ۱۰ بار تطبیق میگردد و تطبیق بیچگاری .
هاچند روز را در بر میگیرد در حله اول بیچگاری ها در نقاط فعالی صورت میگردد که بیمار از آنها شکایت دارد .
چیز مهم در تطبیق این سیستم است که نقطه مورد نظر بد نیصد پیدا می شود .
در حالیکه درسوزن زن عادی تقریبا ممکن نیست .
داری تر رقی شده خود بخود زیر جلد انتشار یافته و خود رابه نقطه مورد هدف میرساند .
کورس اول تطبیق بیچگاری در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه میدهد و نتایج کورس های بعدی بهتر و بهتر خواهد شد .
سپس نظریه وضع بیچگاری تطبیق بیچگاری بعد از یک سال یاد و سوال و یا سه سال تطبیق گردد .
بعضی اشخاص در اولین تطبیق بیچگاری صحت یاب میگردد .
تلاش طبیعی کوریا به تزریق دروا نقاط لان طول عمر محدود نموده درصدد پیدا کردن نقطه مرگ نیز استند .
داکتر هونگ بیامون نقطه مرگ چنین عقیده دارد :
در یک حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز وجود دارد که از آن هورمون مخصوص بنام هورمون مرگ ترشح می کند .
هرگاه این چشم سوی ازین برده شود آن حیوان برای همیشه زنده خواهد ماند .
فرض کنیم که پسر شدن انسان هم که معلول فرسایش اساج و جگره ها میباشد .
از هورمونی بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته باشد .
هرگاه بتوانیم ترشحات این هورمون را زایل کنیم و یا لاقط کاهش دهیم به جلوگیری یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم شد .
همانطوریکه هر عضو بدن یک نقطه فعال در روی جلد دارد به احتمال قوی هورمون مرگ هم باید نقطه فعالی در روی جلد داشته باشد .
به نظر او این نقطه بالایی خطی موقعیت دارد که بنام خط طول عمر پداسی شود و از گلو شروع شده پس از عبور از سده و ناف به آلات تناسلی ختم میگردد .
بین ناف و استخوان جنسیخ نقطه طول عمر ، که از قدیم ها تصدیق گردیده ، موقعیت دارد .
مهمترین آنها نقطه چپانگ است .
داکتر هونگ نقطه جدیدی راه کشف کرده که ۳ تا ۴ سانتی به طرف پایین ناف موقعیت دارد و بنام خود روی قسمی است در تحقیقات بعدی خود تصمیم دارد که نقطه مرگ راه درین منطقه پیدا کند .

بقیه از صفحه (۲۶)
چواند انسان را از نظر اشعه های یونی حفظ کند .
درجهان حیوانات و نباتات چه اثری خواهد داشت ؟
هنوز حوات راتعا از ضلیم سوی حیوان صورت گرفته .
هرگاه انسان بتواند خود را تا اندازه ای از تشعشع محافظت کند .
کی آنف بر حیوانات و نباتات اثر گذار نخواهد بود .
طوطال ، سطح حاصل دمی حیوانات غیر نفاذ ۲۰ نمد حاصل خیزی بخش نباتات ۳۰ نمد کاهش خواهد یافت .
شد تشعشع مابرای بخش امکان دارد نفاذ را بکوته مناطق صنعتی و آلود سازد .
نگر این امر ممکن نیست .
پس از ۵۰ سال صورت گیرد و تمام در صورتی ثابت ماندن انسان در برابر آن .
طریق معلوم است در سالهای نزدیک به خط نعداری این از خطر نخب اقدامی ضروری در نظر گرفته شده است .
آیا بخش بیخ خوش بنام شهاب صل دانگی شبه نیست که از بیخاوش مرض جدی او را بیهان نگهدارد ؟
گفته های من نه تعابیهانته های تجاری طی هبوطاتم بلکه برنتلیج پژوههای جهانی آشوار است ،
تجارب و آزمایش های چندین ساله پروگرام انگلیسی مل متسد (UNDP) سازمان متروپولی جهانی میانگرنان تطبیق است .
از ده سال در هر پاییز بالان قطب جنوب شکاف آزیوی پیدا ر میگردد ،
طت چیست ؟
در برابر این پرسش هنوز پاسخ قناعت بخش وجود ندارد .
با انهم در زجهت این فرضیه ها تمام گردید است :
شکاف آزیوی شاید زا ده جهان کیمیاوی با همیان دنیا کیمی با هر دو یی آن باشد که بالان توصیف صورت میگردد .
بعضی هالین موضوع را با اهتزازات رزم حرارتی و همپتان با اعمال شدن خوبید پیوسته میدهند .
همچسک تا کین به تشعشع مناسب آن توفیق نیانته است .

بقیه از صفحه (۲۶)
پژوهها و آزمایش های بیشتری در کار است .
تحقیقات بشرک شوی ، آلمان ، دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ، هند و ایالات متحده روسی است .
در سال حاضر چه پیمانه مواد تهیه کننده این درجهان تولید میگردد ؟
تعدادی روسی سالانه در حدود یک میلیون تن (۴۰ نمد آن در ایالات متحده ، ۳۵ نمد آن در ایالات ۱۰ نمد آن در جهان و شوی) تولید میشود .
تلقیه تمامه تعدادی در شوی ، ایالات متحده و بعضی کور های دیگر مواد الترفاتی آن تولید میگردد .
در کارفرانس مونتپال چه مصاصی اتخاذ گردید ؟
مصام حق قبل از آن در سال ۱۹۸۵ در هایتام اتخاذ گردید .
چنانچه طبق آن تحقیقات سراسری جهانی رودست گرفته شود .
بروتوکول آن ۵۰ کور اضافه کننده تمدد سپردند که تولید مواد تهیه کننده این واقع نمایند .
تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید مواد ضربه قطع خواهد شد ؟
در کارفرانس مصم گرفته شده که در سال ۱۹۹۳ از تولید نوی روسی ۲۰ نمد و در سال ۱۹۹۵ به اندازه ۵۰ نمد کاسته شود .
آیا کاهش های در نظر گرفته شده کافی است و چرا تا ختم شده جاری منتظر کاهش بیشتر اند ؟
هرگاه برنامه وضع شده تطبیق گردید ، تولید مواد تهیه کننده این افزایش نباید پیمانه تهیه شد .
تشر این مابه نگرانی نخواهد بود .
با کور هلیک پروتوکول مونتپال را تا هنوز اضافه کرده اند چه معاطه صورت میگردد ؟
نظریه موافقه مونتپال تکلیفی وسیل تولید نوی روسی در اختیار آنها گذاشته نخواهد شد .
البته متخلین با مسازات جدی اقتصادی سرزنی خواهند شد .

ایالات متحده امیکال ۸۸۶ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلند بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان هانزیک هاید شد .
به همین الان پیروز هانزیک است که در صورت مسازان ارتفاع هزار متری در نظر گرفته شده است .

برج واقع است و اطرافش را شمشیر اسطه کرده انتقال داده میشود .
معامات میتوانند از لفت به منظره نما که به شهر توتوتو باشد لذت ببرند .
شاید برایتان غیر قابل قبول باشد اگر بگویم که درجهان تا حال دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع تجاوز شده .
لین دو ساختمان - مرغع تجارت انبازه های تلوهون بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکال ۸۸۶ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلند بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان هانزیک هاید شد .
به همین الان پیروز هانزیک است که در صورت مسازان ارتفاع هزار متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکال ۸۸۶ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و روسای پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلند بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسمان هانزیک هاید شد .
به همین الان پیروز هانزیک است که در صورت مسازان ارتفاع هزار متری در نظر گرفته شده است .



جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالسخ

اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید و بود.)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید. هر چند برای یکسال - آندة بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد.

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها.

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد. البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشود. بل در سال ۱۹۲۵ از میان رفت. یادداشت های او زیر عنوان:

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منیسوتا منتشر گردید. این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ درباره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است.

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند. میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیت آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم.

وی در مورد سوال دیگر گفت: در مورد انتخاب شعره، کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده گم ام ربه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میبالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد.

می پرسم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد؟ میگوید: تا حال عاشق نشده ام، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد. به امید موفقیت های زیاد و رقابت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم.

زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت. و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم، اما زیاد میخواهم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم.

جواد در مورد سوالی گفت: در شهر مازندران دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخواهم رقابت سالم باهم داشته باشم. خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مازندران هنرمند بر آوازه بی مخاضل خوشی شهریان دیار مولای رانگیر، سرمی سازد که صدای خوب، گم و گبرایش شنونده. گانی دارد، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد.

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظره علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

مردها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)
مقدار شرح بیسن
۲۲ تا ۳۰ نیمی وجود
شان در تغییر است.
در آنهایی که به دوش
عادت کرده اند، شحم
بدن شان تا ۷۰ درصد
پایین آمده میتواند،
درین صورت از آنجا
که مقدار استروژن کم
است، بنا به درجه
پایین تر شحم

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه
قاعده کی را توضیح کند.
چنانچه دم عبارت از این است
بودن سطح هورمون
(Luteinizing Hormone)
هورمون که از غده های مغز
تراش میشود، سطح آن در زنانی
که به ورزش دروس اشتغال دارند،
پایین است، بلند رفتن بیکاره کی
این هورمون به خاطر خارج کردن
تخمه از تخمدان در نیمه دوره -
قاعده کی ضروریست، خارج کردن
تخمه از تخمدان به گونه عادی
علت به وجود آمدن دروس از جنرا
در محل تخمه خارج شده از تخم
دان است که هورمون دیگری را به
نام پروجسترون میازد. کوتاه
اینکه مقدار کم هورمون LH
معنی آن را میدهد که تخمه در-
تخمدان به وجود نمی آید، بنا

در تخمدان پروجسترون وجود
ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی
تعمیق می افتد.
پروژسترون دالون در اینها
وجود می آید که آیا به تعویق
افتیدن قاعده کی خطری دارد و
یا خیر؟ ما هم میدانیم، دیده
شده است که استروژن برای
محافظة استخوانها در زنان
ضروریست، پایین آمدن ها کاهش
استروژن بعد از توقف قاعده کی
به نرم شدن استخوانهای انجامد،
مطالعه آنهایی که به دوش -
اشتغال دارند، نشان میدهد که
محتوات منزالی ستون فقرات شان
کتر از آنهایی است که به دوش
اشتغال ندارند.
مادر مورد خاصی قبل از صحت
کردیم که شجاعت وی بعد از مادر
شدن تهنه اثبات رسیده است.
روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح
کنند، در زمینه چندین نظریه
وجود دارد، نخست اینکه یک
زن که تحمل شدیدترین درد -
یعنی درد هنگام ولادت، را -
دارد، میتواند در اثنای
تولید باین خود فشار را تحمل
کند، زیرا با این خود اطمینان
تحمل درد را دارد، دوم اینکه
زنی در اثنای اجزای تخمین شاید
کمتر خود را ناگهانه محکم
گیرد تا به زنانه کی اش آسیمی
نرسد، ولی بعد از مادر شدن
میتواند سخت تر تربیت گردد، -
نیز از آنجمله امتحان زنانه کی خود
را گذشتانده است، سوم اینکه،
تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی
امکان دارد که اندازه حرکت
پایه را در اثنای دوش تحقیر کند،
بالاخره چنین مطرح گردیده که
هورمون پرولکتین که بعد از ولادت

تولید می شود در فعالیت میکند،
تا تغییرات موثر روانی را با اثر
مقاومت دارد که تاثير آن مد -
نیادی دوام میکند.
به اصطلاح نوروردن بیجا در
زمان حامله کی خضرانات است،
ولی در آنهایی که متواتر به دوش
عادت دارند، تندرست اند و تکلیف
هایی مانند فشار خون را ندارند،
خطری به دنبال آن نیست، در
ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان
تا روز ولادت به دوش ادامه
میدهند.
کدام تخمینها را باید از زنان
انجام بدهند؟
در پاسخ باید گفت که هر
نوع تخمینهایی که خواسته باشند
پیدا گردی، دوش، بوگاها
ورزشهای دیگر، ولی مهم این
است که از آن لذت ببرند و بهسر
مقد شوند.

جهان بعد از قاجار

بنیة ازمنه (۷)

ارکانهم خای زنده را از شمع ماورای بنفر مغز - نگه دارد در اثر
پرتاب، تومار آتشین ناشی از انفجار تخمیر خواهد شد.
شمع ماورای بنفر که زمانی محروم و انگیزه زندگی روز زمیسن
گردیده میتواند بعمان بیمانه موجبات نسبتی آنرا نیز فراهم کند، این
شمع خرمه کوبنده بی را خاصیت پرورد ایثاروار خواهد ساخت.
چنانچه اکثر ارکانهم خای یک حجره وی را که حلقه صده بی را در
زخمیر غذایی موجودات بنفر - تشکیل میدهد ازین خواهد برد، و
بدین ترتیب زخمه محو نابودی سایر حلقه های زخمیر را صادر خواهد
ساخت، نه تنها در اینها تا ازین خواهد وقت بلکه شمع ماورای
بنفر مالیکول های را که مشخصات ژنتیک مربوط به انسانیت
تخمیر خواهند نمود، در قسمت سلولها تکمیل پوست یا پیرهای شان
در برابر شمع سیر گردد ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار -
امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدایی خواهد رفت.
میلیونها پرند گان و جانوران ناپیدا در جستجوی آب و دانه سر
گردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش
نیز در وقت شباهی قرار خواهد داشت، نیکولو بوچکوف، دانشمند
ژنتیک آکادمی علوم خلی استاد شوروی واقفیده، بر آنست که در چنین
شرایطی مالتانه نخواهد بود تکثیر بشری و از نگاه ژنتیک ما داده
پروژه تکامل انظار داشته باشیم، این پژوهش شمع مواد را میسو
اکتف تحولات نهادی را در تمام مایکروارگانهم خای بازمانده، نباتات
و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، چراشم کاملاً بی ضرر
خضرات مرکب از راتوجه انسانها خواهد ساخت.
مازه بران، مکتب تفویر بازمانده ظرفیت تکثیر را بعلت اینکه شمار
آنها به بحرانی تهن سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دست
بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه
جلوگیری از خنثی گویی با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر -
تغییرات نهایی ظاهر خواهد گشت و به این معنی است که بشر در
طول دوره، تکامل خوشی بدوش گیده است عوامل جدیدی که یقیناً
نیل بشری راه سوی نیستی خواهد گشاده، امانه خواهد شد.

فردین موزیک

انواع مختلف کسهای
موسیقی افغانی، هندی و غربی را
به علاقمندان موسیقی پیشکش مینمایند
آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

خوله دانه در مده فنی مرستیال
به جوکی کینه اولی و - اداری
مرستیال جی دانه جوکی بی د
جان منلی حق باله به خیل
بخوانی د نترکی بی دریاست
بول صلاحیتونه به جان بسوری
وتول - له بی خوا اداری و
فنی مامورین هم له د وید و پرو
تخه کم نه وو - حکه جی د یوتن
به ریبر کید لو سره د تولو به
جوکی او بستونکی تغییراته
که - حیره فنی مرستیال ریبر
شوی وای نو فنی خانگی د -
بخوجا کولانو د تیره کولو عمیسی
مد برد فنی مرستیال جوکی او
بست تر لاسه تابه او د همسه
مرستیال ته به خبله د عمیسی
مد بریت جوکی وریاتی و - حس
به دی پول ترورستی مامور
جوکی دانه حق خیل حقدارته
رسیده.
دعمی وخت و جی د لور مقال
له خواد سرپرست ریبر مکتوب
د ارشیف مد بریت ته را رسیده.
مکتوب مخکی له دی جی به خبله
د ارشیف مد بری و کوری د همسه
مامور باکت حرسیری کی یو او د
مکتوب متن بی لوستی و - کلمه

جی د ارشیف مد بوکتوب دیلوس
له مکتوب سره یونای بی د خیلی
ایمانه کاری بینشهاد هم له میز
خانی راه اخست ایه د اس حال
کی جی در نهایت خندان به
شونو و خبره و - د اداری بر -
ستیال د د نتر به لور و رو خوخید
(لوستونکی دی د خوشی سو
له باره یوست موزیک و فز وی)
نصاق: د رنولوستونکو (ناسی
خه فکر کوی جی به مکتوب کی به
خه لیکی وی - د ارشیف مد بر
دخه شی له باره دخلی ایمانه
کاری بینشهاد له مکتوب سره
یونای اداری مرستیال ته یور
ایمانه ارشیف مامورین له خیل
مد بر خده مخکی بی مکتوب
لوسلی و فنی مرستیال به له
موضوع خیر کی آوکه نه، او هم
داجی دریاست جوکی به د خا
به تعیب وی.
دا همسه بویشی دی جی د
برله بیس داستان به درسه
اوروستی برخه کی جی به را -
تولونکی که کی به خبره شی حل
کند و نکی دی - اور نو د خدای
به امان - روغ او حوین حال
اوسسی.



موکیش

از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رکعی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلائی)) نام پر درخشش و استیلا کننده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای میکند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راستنورد میگرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمیکرد و از جانب دیگر نمیخواست از زین مقام اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بود تهاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباسهای که مودم او را ((چراغ)) - خطاب میکردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضاهای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس - نمیکردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از اینسرو مودلی نبود که مرابه سینما متقابل بمازدولی حالا دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و - دهی و تواضع لب به سخن می کشایدولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن میکند، او هم خودش را در لابلای حرف ها، کلمات می پیچاند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از تومن غیور و تکبر فرود آمد و این نقش را بیدین پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد میکرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه میکند:

((نزد من)) (دت صاحب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از اینرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمیکردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار بگیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برایش شکل شود و کار و بار فلم سازی در قلم هام شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرفم استم برای بازی در فلم هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهکی آن بازیگر اول من انتخاب میشود آنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دایم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شهرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتماتیک داد. اکثر آهنگهای راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، موکیش از عینی گلپوش اداه میگرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازهایی طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آواز های طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه میگرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغماش مینگریستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیروراجانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برقی آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگهای موکیش به رکورد مواجه شدند، چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلمهای ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا - یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در بر گرفت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع - و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰ - ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خواندند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه - موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شکر - جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگهای فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. بازیگر فلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلمها آواز های طلعت و رفیع را با سنگ میکسرد اصرا روی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته شوند. شنونده ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش وارد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانند - نظم عقربه های ساعت سر و اهش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۰) سرود در واقع وداع آهنگ الودیا ((انیل بیسواس)) و - ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تکنیکی در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگهای زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشمی کانت - بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی - اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگها با تلف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگهای رابا ((کلیانجی - اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین نمایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می شویم که این تعداد آهنگهای موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این مصیبت نوی آلیشی آهنگهای او که آنگده باغم اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ازایی میگیریم تا قبل اعمیت است بخاطر بیایرم که مانند آهنگهای سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگهای حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با قلم هاییکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن ها شنونده ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نمران سروده شده اند.

آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری
که در ۱۷۰ کیلومتری داریسین
موقعیت دارد کشف نمود.
ارتفاع این ساختمان بزرگ
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان
آشیان عظیم دانشمندان این
ساختمان‌ها را چنین مسمی
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت
زاد خود جاداده است. آنها
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند
حتی در مناطق، شهرهای نیز
از این ترمیت‌ها وجود دارند.
دیوارهای ساختمان‌های بعضی
از این انواع به حدی محکم ساخته
شده که تخریب شان تنها بوسیله
ابزار خیلی قوی میسر است و پس
این حشرات همه چیز را می‌خورند
و با این کار سالیانه ملیونها خسار
وارد می‌نمایند.



ازینجا و از آنجا

بازی با تشریح

هر دو مین تشخیص بازی با تشریح
و انجام داده است. از تحقیقی
که در شهر هامبورگ آلمان
فدرال صورت گرفته، روشن
میکرد که چرا تعداد کثیری از
زنانده نمازخانه‌ها به دزدی می
پردازند. «نورا» برین چیره‌گی
یافت و خطر را در جیب پنهان
کرد. «اهتران ویژه و تهیه یک
زنی است که در نورشگاه‌ها به
دزدی میرد از»
برودن اجناس گسترش
نیاید و طوریکه تازه ترین آمار
نشان میدهد (۲۰۰۰۰۰) -
مرتبه در سال، باشندگان
آلمان فدرال دست به سرقت
اجناس نمازخانه‌ها می‌زنند و این
تعداد فقط انعامی را در برمی
گیرد که ابتدا و دستگیر شده‌اند.
طوریکه تجارت برچون
فروشی وانمود کرده، تعداد
واقعی انعامه‌الی بیست برابر
بیشتر از عدد فوق الذکر است.
از برین همه گمانی که در
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

دو مین نفر معترف به سرقت
چیز شده‌اند.
رغبت بیشتر در دزدی -
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم
آرایشی، زیورات، ریکاردهای
موسیقی، فرآورده‌های چرمی
والیسه‌سود ریز که بی‌بزه مسود
یستند خان‌ها قرار دارند، دیده
می‌شود.
رواقعا، خانها، با وجود
اینکه در مقایسه با مردها کمتر
مرکب جنم میشوند، به اصطلاح
در بالا رفتن دزدی مقام اول را
احراز مینمایند.
در اطری منتشره، وزارت عدل
ریاست نورد این وست فالن آلمان
غرب چنین آمده است: «در
دزدی نمازخانه‌ها زنان و مردان
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده
که عدد بزرگتر مربوط زنان است»
علت آن چیست؟
روانگاری از دوسلدورف بنام
داکتر هانس یواخیم شوین،
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته
ومی‌نویسد: «عقد و گرتنگی
های روانی در رابطه علمی
با اختلالات غده‌ای قرار دارند
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

و یا سال‌های مینوز به ظهور
می‌رسد.
ولی همچنان انجم‌زنده‌گی
جنسی نیز اسباب دیده‌گی تومانی
(عقد و گرتنگی روانی) را فراهم
می‌آورد.»
منتها مردها نیز میتوانند
از نقطه نظر زندگی جنسی متجمد
باشند، پس چرا آنها دست
به سرقت نمی‌زنند؟
روانشناس هامبورگی بنام
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود
عاطفی و جنسی رایج و عیاشی
در آن احساس می‌نمایند، در
حالیکه مردها مدت عاقل‌امو -
خته‌اند که چگونه عواطف خود
غله حاصل نموده و مانع بروز
آن گردند. مردها بیشتر بیماری
های جنسی مبتلا میگردند.»
نباید از نیرانداخت که
زیودن یعنی دزدی رعایت
خاطرمی‌بخشد. در جریان
دزدی انرژی تشنج روانی از او
شده کشیده‌گی و گرتنگی انباشته
شده از میان برداشته می‌شود.
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه
که از ناگرایی ترس‌میان می‌آید
با احساسات لذت‌آور جنسی
میتواند ارتباط داشته باشد.



از دنیای مود...

بقیه از منحه مقابل
در خصوص اینکه در بیست‌فلمی که «امتا به»
فعلا روز آن کار می‌کند، دزدی از آنها، نام «سنکیتا»
خوانده نمیشود و مطلب قابل توجه است:
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فلم در قفسه
قرارداد دارند که مابه‌انصراف فلان سال از آنها
میشود.
دو دیگر اینکه «سنکیتا» انقدر جوان و شگفته است
که همبازی شدن آنها «امتا به» چون، هیچگونه
ظرافت هنری را ایجاد نمیتواند.
مگر در هر صورت ظاهر این دو، در پرده فلم
انقدر هابمید از امکان نیست. «سنکیتا» در این
مود می‌کشد:
«آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیم
برای خود کماش کم و بیش طرز تلقی که، می‌کنند
(مودها) هنرمندان خوش‌آزای در نمی‌آیند و
خط بطلان یکم تا دیگر گفته شود که «مودها»
مود اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند
اگرچه در فلم «هتھا» ظاهر شدم ولی فلم
اولی من «قاتل» است که بی‌صبرانه منتظر مکرر العمل
مردم در برابر هنرمندان ام می‌باشم.
داستان این فلم پر از فواض و چیدگی‌های بیست
که از لحاظ اصطلاح سینمایی میتوان اثر انگده از
(سینس) خوانند.»
به عقیده «سنکیتا» بین هنرپیشه‌گی و مودل
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.
او می‌کشد: «بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول
به معنی فیزی قرار می‌گیرد و در حالی که در سینما
تخیلات یک نموده، خلاقیت کارگردان، مهارت
کامه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه
موضه میشود.
اگرچه در فلم‌های هندی رهنمود نقش حساس
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بام.»
(سنکیتا) فعلا حدود پانزده فلم در اختیار
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده
است.
اگرچه در این‌ها و آخره داستان مشقی «سنکیتا» با
(آلیسان) روی نماند ولی او موع را اینگونه
جلو میدهد:
(در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سایه
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه
نایل آیم.)

بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبا لیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسکیت، یانک بازان، وواترپولو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نموده که در سال جاری در کوهنوردی یکرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلیندو و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در میونیک دفتر مرکزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابا راه انداختن مسابقات المپیک از صدمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

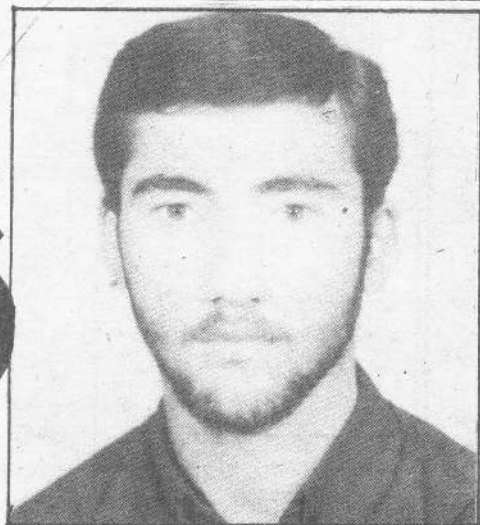
زمینه والیبالر

* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقبمانی دروس مانی شود، در فستیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان ما نسبت به سپورت اهمیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تنبل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات ما رسید، کمی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عسریه ورزشکاران را کمک نمایند.



ورزشی



قوی ترین

مصاحبه از منیره

ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تیم کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو)) سه ((محتدم عبدالناصر هوتکی)) است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

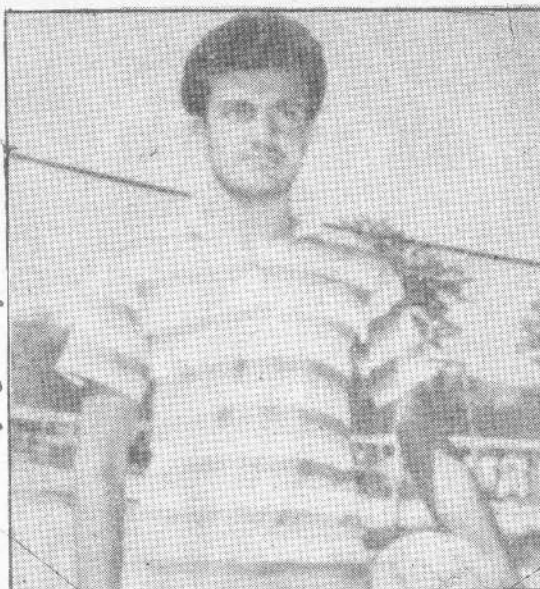
ورزشتی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شده است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگویی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواندو از سه کلمه کوریا یعنی (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن و (دو) به معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواندو و هیانگ و تی کواندو و بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوا پسی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باورمند فردایی درخشان شماست. از جابجایی می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

همایونج باسکتبالر

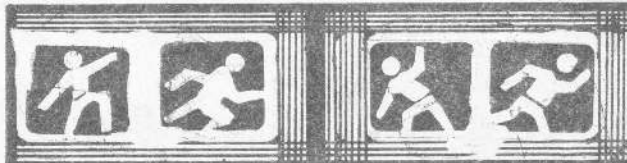
* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سر تیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیف خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکج ، - عصریه ، اینها همه نیازهایی است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویا پول کوستاریکایی در آب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .
 در جمله ده ورزشکار خیلی ها معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژانتین ، در فوتبال ، دیگري انانید پلینا کیروت ، از کوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر استند .
 و اما در سابقه پرند ه ها ، طوطی آرژانتین در نمایشی در نزدیکی شهر بنکاک بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند ه بزرگ از جمله چند پرند ه تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



سبک دفاع

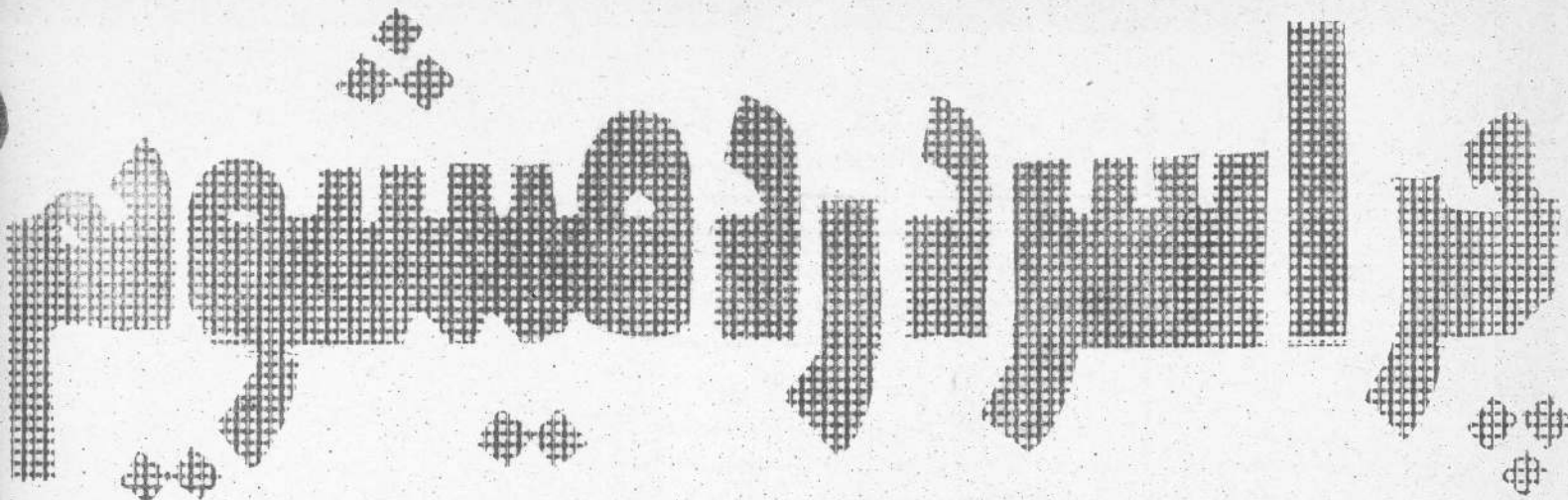
بازگشتم و کلب ((تی کواند و پوسه)) را ایجاد نمودم .
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنگاه که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، علاوه بجزگارد رگلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :
 ((برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر به علاقه بی که به ورزش های رزمی داشتم به تی کواند و روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظربه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر ((قدراسیون ورزشی ایران)) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میپردازد .
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موه دبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شری به من





دیدن بعضی تصاویر، استفاده

از عینک‌ها و کلاه‌ها

بعضی تصاویر سردی

ترجمه ستانک

مجموعه وایلی
یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شرب الکل کلی نشان مخاطی بدن را میسوزاند و در جریان عبور از مری آنرا نیز سوزانیده و به داخل معده میبرد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سراسر عضویت انتشار مییابد.

باید تمام اعضا و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند. حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات صبی و مجاری مغزی است و گنگه میشود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشرا از دست میدهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند.

هنگامی که تیر الکل از بدن رفت (زمانیکه عضویت بمسختی اثرات آنرا خنثی میسازد)، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی دقیقاً باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود را تا همین میکند. در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی. میگردد میتواند بعد از ماندن زیاد در سبک اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازد و در وجود آید. نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد. حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میشود. دفعاتاً از طریق سیستم شریان های داخلی و خارجی باز-توجه شود. در مرحله نخست افزایش سیخ جریان خون در شاهرگ داخلی به وقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی نیز ترمیم میسازد و فعالیت عمومی بدن را پیرایه سه متر میسازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه)

رگ خارجی (متاسفانه بطور آتی گذر می شود. صورت بیمار به سرخی میگراید این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردد است. مرحله دوم بیماری باعث پائی توفیع سیخ دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد. زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود. در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقاً موجب سردردی میگردد. حادثه این تغییر در مجاری زوده های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های درد حساس میگردد. سردردی غیرقابل تحمل میگردد. این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جمجمه بی را بالا میبرد. در نتیجه برای بیمار بعضی پدیده ها استوار است دست میدهد که به تمهید آن حمله صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است. کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و استقامت لسی تا حدودی در زوده های دماغی از بین میرود. اینست آنچه بدن بخوش کک میکند ولی بدبختانه صوف وقتی این کک میسر میگردد که تهبانی حمله رنج فزاید را متحمل شده

در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را بر طرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهر شاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صنایین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر ، مثال ها ، نمک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - ایمن قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، ((از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟)) بیمار میگردد ، ((از مدخل سیاسکیا)) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، ((از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بوروئیسکیا داخل کپلین شوی)) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوختند بودند . این تاجر با مودوروف مدخل بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بوروئیسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آنا منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلمت کامله دتقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشدینی - ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد ، بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود . محکم بمتن کالها تنگن که حرکات گردن را - محدود ساخته و بهر مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردن نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگ و گاهش واکنش - هاست . در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگن های شانسرا سست نمایند ، با این کار فوراً احکام آراض و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال نمک هائیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست نمک یا نرم ها که میتواند با لانی بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن با لانی - شریان های صدغی (شقیقه) فشار وارد میشود . نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم کرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسور سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی لاش بهبود یافت و سردردی لاش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگن کرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدیش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسرای خوردن چیزی نمکی تپید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تندی در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی نمیکرد ولی فوراً - توانایی لاش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بدیش پیداشد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه لاش را نمیتوانست بخاطر بیارود . صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب بهبود سوج آب در بدن تراکم خون ، گاهش در مایع فقراتی مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد . ضمناً نتیجه مشابه از گاهش آنسی - صرف آب نیز موجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول گاهش بدهد .

اعتیاد به سگرت یکی از صده تنه فوالمیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر گاهش می - باید ، این عمل با لانی مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرموروتیک مایلند سگرت را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاحب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آتی سگرت به عدم توانی موثری سیستم وایس منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد ، بدین صورت باید یاد اکثر مشورت کرد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغتشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد قلیح مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی وایس معروف است ، بهر آرد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایس را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون ((دلیل)) است بر طرف سازند .

درسهای موسیقی برای همه

در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبازون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. بدو که بنا بر مشکلاتی آنرا در نبال نتوانستیم در سال جاری محترم انجمن صیقل قیام که در این زمینه دسترس دارند و عده همکاری را داده اند با سراز این شماره درسهای موسیقی را در نبال خواهیم نمود.

در میان علاقمندان هنر موسیقی غرض فراگیری اساسات آن تقاضا به سطوح مختلف وجود دارد یعنی یک عده شایسته ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و آشنایی با مروج ترین آلات موسیقی (هارمونی، طبله) به شکل تدوین شروع گردند و عده دیگری شاید دلچسپی به شناخت راکه ها و تال و یا معلومات درباره کلاسیک، نزل، تهروری، ترانه و غیره و عده سوم هم شایسته به نوشتن و تفاوت های موسیقی شرق و غرب و بالاتر داشته باشند که همه به یک بار مشکل است.

بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره محترم مجله سبازون مستند به نامه هایی که به آن اداره رسید و ناگزیرم از الفبای موسیقی شروع کنم و به تدریج امیدوارم به ذوق همه تا حد و امکان معلومات آرایه نامی تقاضا میکنم تا در وقتند آن محترم کمک نموده یا نظرات پیشنهادی و سؤالات خویشی

برای بهبودی این سریال درسی به اداره محترم مجله نامه بفرستند تا در آینده در نظر گرفته شود.

موسیقی کلمه غریبی است از لفظ یونانی میوزیک Musique به معنی تعلیمات روحی گرفته شده و اینطور تعریف کرده اند: موسیقی صنعت ترکیب اصوات و کیفیت ترکیب الحان است. موسیقی هم علم است و هم هنر. علمست برای اینکه مبنای موسیقی صوت است و صوت بخشی از فزونی است و اصوات با یکدیگر دارای نسبت های عددی است. ولی از جانب دیگر هنر است زیرا با ذوق و احساس سروکار دارد. در باره ارتباط شعر و موسیقی امیر خسرو بلخی در هلوئی چنین گفته است: (موسیقی عروس و شعر زور آن است).

اماد ریاره موسیقی افغانی یک محقق فرانسوی به نام پروینسور موسیوی در پلور چنین ابراز نظر نموده است: (موسیقی افغانی موسیقی دو جهان است) بدین معنی که موسیقی افغانی شبا هستی دارد یا موسیقی های اسکندونی و فرانسیسی و هم مراکتی از جانب دیگر موسیقی افغانی نزد یک با موسیقی هندی است و وی علاوه میکند در هوای موسیقی افغانی گنجینه نهفته است آرام با

شکوه دلیر؟ نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای آنرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غریبی یا تقسیم و دسته بندی راکه ها و تال ها به سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانش الفبای آن در قدم اول ضرور است به همین ترتیب در موسیقی هم دانش الفبای آن گامی است در فراگیری. کسی که قدمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانسکرت در هند به وجود آمد و این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدای که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد و بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبا طبیعت انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوصی دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد وقت مستی.
- ۲- ری شاد: سرود یکی برنده بنام چنگا.
- ۳- گنداره: مانند صدای بز.
- ۴- قد یاه: مانند صدای مرغ ماهی خور.
- ۵- پنجامه: آواز ناخسته.
- ۶- دیوات: ترنم بقیه در دو سوم پارانیسی.
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل.

همچنان یکتو نامگذاری دیگری که منشأ آن سرود های

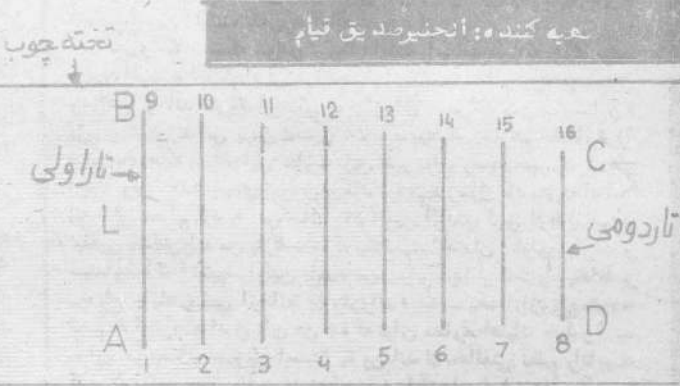
مذهبی است قرار می یابد:

- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- شستما: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

ولی در غرب برای اولین بار فیثاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلیسی ریاضی و صوت اله موسیقی را به وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانم اله مذکور اولیسن بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایسه بیانیهای امروزی ناگفته نماند که بیانیوت اله موسیقی تازه است و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فزونی از روی دفعات پس ثانیه اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در نفس ثانیه زیاد باشد به همان اندازه سطح سوره آواز (زیر) میباشند و همچنان به استفاده از قانون دیل:

- ۱- تاریخچه یوزی از یک جنس مشخص با یکری باشد.
- ۲- در کش زیاد قرار گرفته باشد.
- ۳- ناپدید برای اجرای عطیه خود نخته چوبی را انتخاب کرد و ریخ ثابتی را به آن کوفت که نقطه مذکور را (A) نام گذاری می کنیم.



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و انحصار های تاری را به دو میخ B و A بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد مرتبه دوم عین تجربه نوق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود. بعد از کش نمودن تار توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و چند صدای تار AB بود که این موضوع را شمد رها رومونیه های دوسره خود دیده و میتوانی وقت یکی از برده های هارمونی را فاشار میید هید بطرف راست و گاهی به طرف چپ برده هشت نیز با یکدیگر میشود که عین تیوری فوق است.

حالا طول تار سرهای دیگر بسیار ساده پیدا میشود قسمتی نامبرده فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمود بالای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷ میخ های ثابت را کوفت و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

بقیه از صفحه (۲۷)

میخوانم و نه آهنگ کند بگری را
من فقط از سبک بزاد بروی میم
با همه آواز خوانانی که خواسته
پاشند من امتحان میدهم استند
آواز خوانانی که صبح شوق آواز
خوانی به سرشان میزند و شب بید
روی برد و تلویزیون می برانند باور
کنید از طرف فامیل ها و خویش تو
شان باران یو تلفون می آید که
آواز او را بشنوند و یاد برود گرام
کاروان خله با او مصاحبه نمود
پس شما هر ساعت و هر لحظه
در آتش حسادت سوخته آید
بند من نسبت به کسی حسادت
نداره ولی بری واقعیت نباشد
پرد کشید
آیا شمد رشته موسیقی تحصیل
هم کرده آید
بلی و دوسال در لیسه موزیک
در رشته موسیقی تحصیل کرد
ما یک گروه هنری داریم
بیه کدام آلات موسیقی دسترس
دارید
به ارکون اکوردیون کسبو
تبله جاز بند و دهل و هارمونی
شما قبلاً به این مطلب اشاره
نمودید که امتحان آواز خوانی
دادید و موفق شدید یکی ها از شما
امتحان گرفتند
در امتحان ما استاد محترم
استاد هاشم موسی قاسمی مفلح
نسی خلاصه که ۴-۵ تن از استادان
و نوزید حضور داشتند

نوت در سیستم هندی
برده ۱۶-۸ نامگذاری ندارد
بدین ترتیب فاصله ا تا هفت را
بنام سینک یا هفتی یاد میکنند
چنانچه در سیستم غربی کلمه
Octave یا هشتی دارد
تازه ترین الفبای موسیقی در غرب
در قرن ۱۷ در ایتالیا بوجود آمد
قرار می یابد:

دو ری می فا سول لا -
سی دو
و یاد را در مروج است به حروف
انگلیسی مانند:
C-D-E-F-G-A-B
بقیه در صفحه (۸۸)

سیلا نروز

جرا همین استادان و نوزید
نعلا در آرزای آهنگها سهم
میگیرند
حالا این همه سهولت به
دوش استادان جوان گذاشته
شده است
بالاخره با آنچه که گفتید وضع
موسیقی کشور ما چگونه است
وضع موسیقی ما خیلی خوب
است ما چارنچ نفر نوازند
خوب داریم و ولی موسیقی ما
اصلاً موسیقی نیست در موسیقی
غریبی باید تست های هنری وجود
داشته باشد که ندارد صرف
موسیقی شرقی و فلکوریا موقا است
گاهی آواز خوانان ما از طریق
راد یو بخصوص تلویزیون آهنگهای
هنری هم میخوانند نظر تان چیست
در جواب شما به غیر از آنکه بخند
دیگر چه میتوانم
حالا آخره تصمیم آخری تان چیست
بالاخره اگر اجازه ثبت آهنگ در
راد یو تلویزیون برام داده نشود
هنرم را کنار میگذارم ریک بیشه
دیگر اختیار میکنم
کدام بیشه
آیا بیشه کرامت مانند همد
صاحب خورا که فروش بازمیکم
آنقدر سرمایه دارید
قرض میکنم
نظر تان است دعای میکنم موفق
شوید یا در این یاد ران

عکاسی جهان نما

عکاسی جهان نما
سندی عکاسی جهان نما

عکاسی جهان نما خوش شعار و خور
رنکه و سبزه سفید می بدید
در شهر مزار شریف مستی
شفاخا ملک شام روزه تریب
تلفون ۰۲۲۱۴

زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد را کند ؟ دست و پا زان و بیخود خندیدند و گریستم - کی میتوانست مراد را کند ؟ دست و پا میتوانست گشودند - ام ربه من بازدهد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود - باز دهده ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت داشت را با بزرساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لالو و میانش باشد - و خیاط دانست که من کی باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه قبل از آنکه انداخت و علاوه برین عده دیگری - زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگردت و مخدرات و الکل بود - اینها محافل فحشا درسته جمعی گروهی بود همه محرم بودند - در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و مدتی کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حویلی هاییکه جمعی از مردان عیاشان - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که هزار بار رقص ها گاهی میخواستند برهنه برقصم وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای فحیح همه با همراه با (خانه والای) مانعم به فحایح و فحشا پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشدیدم - شاید با خود میگفتند این دختر که با حق بد بخت ترازیاست - چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حقه بد آمده اش میگفت : (سرماره از پشت خار) - تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود مدتی را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنه کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر حسی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جزو هر لحظه سرگردن دوساره (با یواز) نداشتم - زنیکه از واقعیت زنده می آید اما گاه شده بود بیکروز آزاد نشد ولی همواره خبر را میگریف و بعد از یکماه منم بیکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیه راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سپری کرده بودم خبر آزادی ام رابه همان خانم - مهربان هر مسلم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده گفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه فحشا بود در ریافتن که تقدیر چنین بوده که من نباید در واز فحایح باشم - آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر دادند ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری کامر باید بر میگردم معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم صاحب خانه (با همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح بر سر من مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروهی عیاشی این خانه ششم - و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسیه خاطر عرضم حسم جوانم به مردان وحشی خدمت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کنار سرمیگردند و من به تنهایی ناگزیر بودم - پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست - وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت ! ابا میوزم محکوم به اجرای همه امور خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند - شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزیدم و کارهاییکه باید در آنجا انجام میدادم - بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج بی کسی در میان ناگهان درون صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم دست به دوزخ میزدم یعنی فرار میکنم - با تقبل دهه های شوری و بی عشق راه کابینل را میپیمیدم در کابل هر شب را باید نزد معاند آزادی گاه در منزلی - گاه در سرسرای - و گاه در در کانی سر میبراندم بر بیضی ام شدت پیدا میکردم من مرده بودم و از بی مدتی شدنم رانینا همه احساس سر رسیده می یافتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشهر را میپیمیدم اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و مرضی ام را دلیل من آوردم از توجه و مهربانی های بهترین بی همسره می شدم

این اختراع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتنابیکه تنها از کتافتهای آن بهره داشتم هرگز کسی ازین دعوت به پاکن بستن نکرد - هر کسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروش جانم و بد بگری به خاطر برداختهای جنسی اش - و من در رانینو از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بوده ام

در بی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا ر محکوم به جارسال حبس گردیدم و دوساره زخم محدود زندانی برین تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم - محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید - خبر مرگ شوهر آورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف در منزل مادرش به ادا زنده می میکنم گردیدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر ازدواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد همرویین است - بدین اندک مخالفتی نظرم را تأیید کرد که برقصم پول بیاورم بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رقصیدن نیز اجازه نامه داشته باشم - به کشته گتورفتم بعد از شرایط لان برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میگیرم و بر این ظلم را که هنوز کدک یکساله است بنام میدهم و به تکه های میچوم - چرخ میخورم پول میگیرم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالی مرد من ((سهیلا)) شده ام ((سهیلا)) بیکه شرم سرخرویی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است

شبهات برقصم روزها میخوام - بد روکد کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میگرد تا بندی شد - او بیخود تر از من است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتقاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده می اش را چنین قصه کند که در یکروزه از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده - پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام - احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گران برین ظلم کرده نگاه کرده اند اما حال دیگر شاید بد زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد - کاش چنین باغی میبود - مردانیکه در دستم خوابیده اند از قصه ام سوخی خواهران نویسنه همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شتند - معامله گران از قصه ام دست به کیسه هایشان ببرند و دیگر از معامله انسان آنرا برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیچ ود دوباره زنده شوم و تقدیر بوم یا که اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندارم اما زبان سواد زنده می آید - زنده می آید - بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شربان من در دهانم یاد است و دیگری در روزهایی گذشت ترسم می شود

من نه گم نه اصلاح - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که میخواست برین است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده - شاید خدا چنین خواسته که این بد و (خوشبختی و شرافت) رابه انانی از زانی بدارد که توان موفون شدن در زمین و جها و آشوب بی عشق راند از بند و بازوایی ها که این توان را دارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایبند شوم - زنده می طومار آماز شدن است و بیگانه طومار زنده می و من آغاز شده انجام شدم - مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و زبانش را بیخود مپا فریاد و گور خود را میقتصر حرم میکند



آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه
ازمایش ساعت تیری
نه، مگره بحان بوری
بی هم بایسد وتری
حتما تاسی ته خیل
نه کجکاو ی حسن اجازه نه
درکوی، ترخومو خیل بحان
نه وئی آزمایش کیری چی
ترکوم اندازی بسوری د
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه
شمیرل کیزی

۱- فرض کوچه تاسی به کورکی
خو ضروری شیان نه لری، او د
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا
شی، کم یوشی به تاسی اول-
واخلی.

الف - یخچال ۳۰ نمری
ب - تلویزیون ۵ ۵۰
ت - دکالیود مینه معلوما شین
۲۰ نمری

ث - بالابوش ۱۰ نمری
۲- آیاتاسی همیشه خیل دکالیو
الماری تنظیموی.

هو ۲۰ نمری
نه ۱۰ ۵۰
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه
به هغه معینه ورخ جاروکوی.
هو ۲۰ نمری
نه ۵ ۵۰
۴- آیا مخری له دی چی میلانه
موکورت راشی، کولای شی تمول
خوراکی مواد به اشترخان کس
تیار کیری.

هو ۸ نمری
نه ۲۰ ۵۰
۵- آیا کم وخت داسی تصادف
واقع کیزی چی خیلو میلنو ته
سوی بوپوی، مخ ته کیزی دی.
هو ۱۰ نمری
نه ۱۵ ۵۰
باتو به ۹۳ ۵۰

کلیسیونهایم راه دوست دارم

ساخته ویرایم امکان داده اند که
مناسبات گسترده با رادیوهای -
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم
داشته باشم.

زمری علاوه بر کلیسیون پسته،
دو صد و بیست نوع سکه های تازه
از افاضه از سی گورجهانرا که متجاوز
از چهارصد سکه میشود تهزیدست
آورده، در سکه های این کلیسیون
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو
طل درازنه، تانخ چه درسیکه
خط وجود داشته وچه قبل از آن
برجسته است.

زمری سهار از این سکه ها
از بیست و پنج گورجهان یکصد و بیست
نوع بانک نوت رانهزدر البومها تکهدا
میکند.

اوارزو دارد تا با کلیه کلیسیونان کور
تماس، تبادل و تعمیم تجاربت
داشته باشد چه تازه از دو سال به
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار
زادر بخش کلیسیونسازی ادامه
داده و بارهنگامی و شوق مستقیمش
به حفظ و تنظیم این کلیسیونها دست
یافته.

کلیسیونر مابین سال آموزش را -
پهوسه اول نمره، مومو و صفی بوده
از ذوق و سلیقه، عالی برخوردار
است.

کلیسیونهایم هر کدام تصویر
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی

منعنه، کلیسیون سازی
در کورما پدیده بیست نو، معدود
از کلیسیونران کست، گوگرد، عطریات
شبیخ، سگرت، پسته، سکه و
بانک نوت و ۰۰۰ را سرانجام دارم.

زمری سهار نوجوانی که متعلم
صدف پنج لسه، انقلاب است یکی
از این کلیسیونرها میباشد، وی پسر-
پست هوشمند و دقیق، او اکنون با-
کمال علاقه مندی سه هزار پسته
مهر خورده، اضافه از ۴۰۰ کور-
جهان را با سلیقه، لازم حفظ مینماید
بسته عایر که بانظم خاص در البوم
ها تنظیم شده اند، سببهای -
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی
جوامع مختلف بشری.

زمری سهار که از شوق و
حمایه، فایده، بخصوص برادرش -
ابراهیم سهار برخوردار است، در
حفظ و نگهداشت کلیسیونهایش
سخت دقت دارد و میگوید:

((کلیسیونهایم را مانند کتابهای
درسی ام دوست دارم، این پسته
ها مرا با همه سرزمین ها و ممالک آشنا

سه هزار
تکت پستی
در یک
کلیسیون

اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را پاشا ر بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل می‌دادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د می‌کردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال می‌کنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می‌آید و دریا تلاق ها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یک‌سده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار می‌گیرند شجریه بیماری کشنده، لوکم می شود که سالها بعد ظاهر می‌گردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالاً از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی است. سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکال های است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته بازم خطرناک است. می‌کانتین (سنتیز اسید نوکلیک) پروتین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل)) هستی هسته بی تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدیدی در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید

س از شهر مزار شریف:

س: خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتل نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی و آرامی بگذرانم!

ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.

راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم است. ۱:

س: به گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قساره ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نطق شوم چکنم؟

ج: همی، واسعه پیدا -

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!

ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.

خانجان از صوفی مویل:

س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب می نواز د؟

ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)

است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بوهنتون لایل:

س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمرییکایی - نمت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است، که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))

موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طرح ونیس اقای ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.

انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد ((برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است، آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که ستندرد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۳۹)

در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهای برتانوی نام گیرنده مدال، رتبه و رشته خدمت او موجود است، برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکا - روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.

یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قو طاسیه فروشی

علی گلرین

متصل کلینیک مرکز

ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده تر بنام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.
 در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایا بود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.
 ۳- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.
 آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:
 ۱- برهمنی

دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.
 ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.
 اصول عمده بودیسم عبارتند:
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی بر- بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، روزنمایان، محسوس، هنگام.
 این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

قواسیه فروشی ارزان

دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید.
 تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکمیر شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریگ و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تبق ها را متحمل گردیده اما با حملات رهاروی هیچگاه متصرف نگردیده بودند.
 این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.
 واقعا که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهار خوی بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند.
 دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکو - همین انسامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.
 دیدن کرملین توجه جمعیت گهبر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکو دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

سیر درد

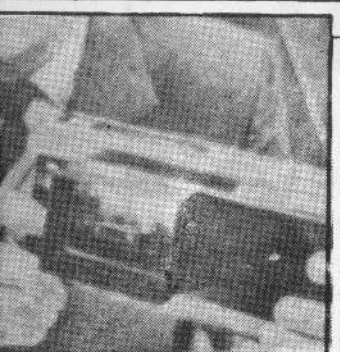
بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیورده، آنچه های
سکن که پالن میراها شکر خوردی
دانه و اجناس درد را تخفیف -
مهدولین طبیعت انسانی آنطوری که
هست باقی میماند یعنی نمیتوانید -
کرکتر و اجناس خود را تقصیر دهید -
رضعی که موجب بیماری میگردد به
استغناء مواردی که چگونه در
شرایط کلی با آن برخورد صورت می -
گیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند -
برخی اشخاص حتی میباید خیلی سا -
بیز را هم بشمارند و اینرا خیلی جدی
تلقی میکنند - بعد از گذشت لفظه ای
این بسیار خواهد گفت (بسم الله را -
گاملا درک کردی ولی نتوانستم چکر

اجسام را بگریزی) ولی در واقعیت
امر چنین گاری را نمیتوانست -
ساختار خوش وضع زوسی اوچین
است -
سردردی ها بسیار بی عاری
ها از فصل بیماری های معده ، چکر
کلیه هاورده ها همراه است -
انفیه سردردی هاستی تری تولید
تاریحتی های متین قنرات بخصوص
قنرات ناحیه رقی ، رما تسم -
بیماری های گوناگین تلقی نیز میز
مکند - در واقعیت امر ، تمام -
بیماری ها سردردی را با خود دارند
و از همین جهت است که دانستن
طل آن لیتقیر مهم تلقی میگردد نهرا
باید که ط آن راه درست تدای
رادرسی باهم -
در فلج حالات ، ظهور -
دردی برای بیمار شناخت -
معاون یک قاعده ، بیمار رژی -
های کلی خوش را برای مبارزه با
سردردی دارد - این روش های
تداوی صرف شکل طبی ندانند -
بلکه اشکال خوب فلکوری -
وجود دارد - بیمار شکست برای
لخته کتاه تمت خارجه ، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی
محکم بگیرد (برای یک دقیقه در
فضای آزاد) بیمار با این کار احساس
بهبودی خواهد کرد - این عمل را
میتوان تکرار کرد - یا اینکه سر را
می توان بایک تکه نازک مک
بست - این تکه را تا ابروان و -
کوشاکی گنبد و پوست پیشانی -
کش بکشاید - این کار با بسیاری
بیماری های سردردی های ناشی
اینهمه آمدن فشارخون دارند که
نهاد میکند -
در سردردی های مزمن با مثل با
ها در آب گرم بپوشد - هر چند
از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد -
در صورت آن تهیه مگس آنچه که
طلوب است به دست خواهد آمد -
از پلاسترهای خردل میتوان در
پشت گردن و بین تخته های شانه
یا روی قفساق ها استفاده کرد
ولی این پلاسترها را نباید بکاره
روی تمام این قسمت ها گذاشت -
ساز خودی قسمت های -
متنفر سردردی میتواند مفید ثابت

شود ، چین فشار متوسط بر روی -
قنات دردناک سر می تر بوده است -
استفاده از سرم ها مانند سرم -
پلنگ نشان روی پیشانی و شقیقه
ها میتواند خیلی موثر باشد - گاه
گاهی با بپر کردن بخشی صطبات و
مطلوب ها یا بخار امواتها نیز سردردی
بطرف میشود -
هرگاه در حالیکه روی جاده
راه میرود چه سردردی دچار
شده که شکست ناشی از نوشن باد
روی پیشانی باشد - شال یا کلاه
تا نرا تا ابروان تا پایین بپوشد -
گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد
شد ولی خیلی بهتر از آنست که به
سردردی ناشی از شنگ خوردگی
میتلا شهد که میتواند شکست
دوامداری را برای آن بپارود -
باید چارشدن به سردردی
ها معمولا میدانم که چگونه
با آن برخورد کنیم - ولی اگر
سردردی برای بار نخست باشد
باید وام پیدا کند و وضع بدتر شود
پس در آن صورت باید فوراً با
داکتر مشورت کرد -



پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و
تلویزیونی کوچک را بپارده -
تعمیری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد
۲۰ × ۱۰ × ۶ سانتی مقرر

مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم -
چند که طرح های در زینه
بهمود ان همین اکنون هم در
سردام -
س - ایاصمم افراد اید که مجله
تلویزیونی به یک مجله ترقی
و خانوادگی بدل شود تا همه
مجله هیز - هنر ؟
ج - هرگز ! هنر تلویزیون برنامه
های فراوانی برای خانوادها
دارد : برنامه زن و جامعه
کودک و اطفال - جوانان
نمایشهای تلویزیونی ، برنامه
های ترقی و ترقی ، فلم ،
سپال و
س - چه بچال باشکالی در -
راه ساخت برنامه ، ثان وجود
دارد و ایا طرح و تهیه برنامه
چقدر به اراخ روان و آراش
زندگی ثان صده هیزند ؟
ج - تهیه برنامه بی چون مجله
تلویزیونی هر چند که در گام
نشت و سهل ساده به
نظر میرسد ، اما ، حقیقت این
است که دشواری های فراوانی
دارد - این دشواری ها اگر از
یک رهگذر امور تهیه برنامه را
در بر میگردد کتما - مربوط -
تهیه کنندگان برنامه میشود ،
از سوی هم ، محدودیت ها و
امکانات اندکی هست که روال
بهمود برنامه راصده میزند
از کم بودن وقت محدودیت کانی
بودن امکانات و مد منابع -
تصویری ضربه که بگذریم ، گاهی
زینر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها
سیاسی ، اقتصادیه - کار را برای
ما محدود میسازد که بهتر است از خیر

سردرد

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم (سردرد) طی دوره
کارش بی نهایت آنگمان فلم درهلوی
سناریو نویسی برای هنرمندان
و دست اندرکاران سینمای کشور
لکچر های نیز تهیه می نمود -
مرحوم سردرد قبل از مرگ
اش شش سناریو آماده کرده که
دو سناریوی آن را عباس (شبان) و
کارگردان ورزیده سینمای ماکتیل
وینام های (ستاره گان نمسی
میزند) و هیرت فلمی تحت
ساختار است و یک سناریوی دیگر
ان تحت نام (تلاش) بوسیله
موسسه هنری قیس فلم در جریان
فلمبرداری قرار دارد -
داکتر غلام محمد سردرد
در شان سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۷
ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دو ساعت بعدی ان ماشاهد
نمایشی صحبت وی بهرامون
صدمین سالروز تولد ی نایفه
سینما - چارلی چاپلین از وری
نشرات تلویزیون جمع -
افغانستان بودیم به عمر ۴۲ سالگی
وفات یافت -
آخرین کارهای او به سان
اشکهای که در رخساره شمار
می بندد و خشک ویه گونه
لبندنی ناتمام به تمام شدن
زندگی او ناتمام ماند - ترجمه
نما پشته تیا تری او بنام
(بدن شکست را خورد کنند)
برنده جایزه اتحادیه هنرمندان
گردید ، این آخرین یاد اش
بود که هنر برای او اهدا کرد -
و چی غم انگیز است این برای
کسیکه با هنر زیست و در راه هنر
و جلاش آن تلاش ورزیده و سر
انجام حباب اکسا پس رستر

حسری از نفس انتاد -
اعظم جوهر هنرمند شناخته
شده را که یو تلویزیون و سینمای
ما در رابطه به شخصیت فرهنگی
مرحوم سردرد گفت : (مرحوم
داکتر غلام محمد سردرد که شش سالگی
خواهرزاده من بود دوست
بسیار صمیمی من نیز
بود - مرگ ناگهنگ او برای
من نیز سخت رنج آورده شد -
داکتر سردرد انسان خوش
برخورد ، خوش قلب ، متمم
با دانش متواضع و صمیمی بود
صحت ها و معلومات های علمی
وی در بخش های مختلف برای
ملازمان ان هنر و فرهنگ نایب
استفاده بود - من شخصا
در بخش سناریو نویسی از مشوره
های سودمند وی بهره میگیرم ،
مرحومی دارای دو فرزند ، یک
دختر و یک پسر بود دلپسنگی

نظم معده

بقیه از صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعدا
در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در
انسان معده مرض گسترگستگویی شده ، دریافت
نمود ، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren
در شفاخانها Rogalpearl این میکروب را در ریه
شیمی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره
تدقیق بیشتر یک ترکیب
Tindazole + Amoxicillin را محومیکند
گردان این واقعیت دیگر تداری گستریت عا
وزخ معده ، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده
که ممکن در اکثرها "مریضان قیلا" کم باشد ، میشود
بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده
و تعقیب مریضان ، تداور گردند و ناگفته نماند

مریضانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدای
مکل جواب نمیدهند ، ممکن علت مریضی شان چیز
دیگر غیر از زخم معده باشد ، ممکن فقط حجای
حاجز و ابز و فسزیت رستند رم ایتیمال باول و غیره
باشد و ناگفته نماند که بعضا "مریضان ناقل میکروب
بیلورن صاب سدیمی نفخ و گاز هلو توسر و بدی
بوی دهن ، توسع پطن بعد از غذا - عارق زدن
مندا ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین
میرود - در اخیر باید اضافه شود ، گرچه اسید
معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب
مقاومت میکرو زایعه در ارتاعشر توسط بکتریا
بیلوری برای تاثیر فکوریته و علت اساسی قرحات
گستریت امی مزمن میباشد (دکتور روح اللوریان)

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشتر سبدم، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموختم و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا، نیویارک سفرهای داشته از هر یک کتاب را برایتان تنظیم و آماده کرده ام.

تصویربرداری استفاده کرده - اینست:

- از مینود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات لنز و کمپوزر
- تلویزیون هم از تبادل نظیر و تجارب دیگران استفاده اعلی حاصل آورده ام.
- امکانات محدود کسره تلویزیون، آیا تلم های نیز فلور - داری کرده اید ؟
- بلی کارهای در تصویر دارم و توفیق امروزم اولین محترم آموز هنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - سترنگ داشتن و سبیل و جبهه سبز تکنیکی برای کار بر نمودن به لویان توجه و برای بلم ها و خانه بدوشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیوی هر چه تمامتر در اجرای امور این بیشتر و بهتر شود از من

که نوشته ام در پند ح زبانی، هنر آکت و تمثيل بود - بالا و هم چنین اشعار شعری میباشد. امید دارم قناعتتان را حاصل نموده باشم - برای من جالب من میباشد افراد رکنی تصویر برداری که در این استان هنر انگیزند برای تصویر کردن نه اشک که در صورت آن شخص تصویر کنند که همه اشعار تاثیر در صورت شخص من مانع خواهد بود - امید

اولاً اینکه عشق به اشعار خودیام نیست و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدری راه و معز انسان خارج است چنانچه حرکات غیر لزومی و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و نتیجه سلطان عشق بر زمین دل به خیمه زده منطبق و استدلالات کنی میکند و حضرت سلطان کبریا عشق امیران مطلق العنان و کلید بود و چون انسان میگرد و نمواند جور شده در فشان همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و تقویت کینه و بد او و بعضی و تقویت با از زمین قلب تحلیه میکند

ثانیاً اینکه بزای صورتی اشعار خود بیک منبع الهام ضرورت داشته همیشه فکر میکردم چیزی را که کرده ام و کمبودی بی در خود احساس میکردم مانند یک آتش فشان منجمد مانده در حالت قبض از لحظه انفجار خود را احساس میکردم و این منبع الهام باید حتماً زنده انباشته و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انسان صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع الهام بر خود آید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به مبرهله زیاد داشت و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هندوی و اروپایی را می دیدیم - که در نتیجه مذهب بالا براد زلم حاصل شدیم منبع الهام خود را پیدا کردیم و بقصد استان را بخودشان میدادند

نماینده درین شعر در کربلا میسی
دل خود به ملک دیگر میفرودم
یک چشم ندیدم که از آن چشم کسوست
این شعر چه شعریست که میخوانند از

بقیه از صفحه (۷۵)

مجنون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمایند تمام جزایه روزنامه هائیکه گفته آمد پانزده خنوسه موجود است و یاد رکاب به خانه نامه کابل در صورت لزوم آزاد بده می توانید

یک عمر میتوان سخن از زلفا یار گفت
در زیند آن میاش که مضمون نموده است
و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میابون منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سب و روز و خوانندگان گرامی

س: سخن علمی مشتري آیا برسیده می توانم که شما برای بدادار هندی نان اشعاری سروده اید یا خیر، انشا الله خو خفه نس شود ؟

ج: بلی صاحبه اصطلاح شطرنجی که در هندی نام شعر سروده ام یک و دو صد و در صدی بلکه هزارها یعنی ده هزار شعر سروده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریخوس شرقی یا قد هولیا میباشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمتتان تقدیم است در پیروان اشعار مذکور که به مدوه بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقیه اشعار نشر نخواهد کرد بزود رصاحه گذشته صورت شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتیم، اما سبب آنکه آنرا نشر نکرده ایم که دلیل آنرا نمیدانم شاید بسبب تورم و تراکم مضمون و شعر در چار میانی است البته اشعاری که در سیابون به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقصی محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله زمین نان نشر شود و اکنون که از من سؤال کرده بد در چه مورد شعر سروده اید، لازم بود یک نمونه آنرا برای تان عرض نمایم اما بدلیل غرق از اظهار آن صرف نظر نموم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سرده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سر - کسین استوارس باشد که سلابد رنگه است - منتفا درین جانر عوض سه قشر مواد عکاسی رنگه سب - آبی میسوزد که انعا در ترکیب شعری هم رنگ را میسازند (سه قشر کربن پستل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند) نگار برده اند -

بوده جدید تلویزیونی درین امر پاینده های معمولی تلویزیونی متعابز متعابز دکه برده جدید با منصرف غوق البعاد که برق کار کرده و همچنین تصویر تلویزیونی رنگه گونه سلابد در مقابل رویشی بیستون مشاهده نکردم در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتقاد شده من توانم اینچنین اخذ ه های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود

ولانصدی زیاد از حد غافلیتن بد اینته ولی سخن در شصت هائیکه باور د اشتی یک چیز را در میان تمام که همیشه در زمانه طولانی در تلام بود و این هموار میگردید تا بر سطح انرا خاصوس سازد البته چه رنگین و چه در زیند دانستد از اهرار که به کسی نگفت در دست تان روز هائیکه سناریوی تاریکی زندان را با همی سنی و احسن نظری کار کردن روزید و سنیما تلم کرده بود خوشحال به نظیر میسوزد ولی با تان که میفرود به سرافرا اند در اثر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود نشانده بجای دگستر غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار و روحش شاد و بیسان موسی را در پیش

بیشتر و در نتیجه جنگی بیشتر به خشد با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از جرعه های بود رخش سینما هند و یکی از باارمنگ ترین مردم تبرسن خوش برخورد ترین افراد فرهنگی است در جهان نمایان امرورزی او به همان بیمانه که در روی برده سینما (بد) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از هند و سینما (خوب) شناخته میشود با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست دانستن او در کثافات کاری های رسوایی یخن خرفی زده نشده است فلمازان جرات آنرا ندانند که با این ابراه ابدان میسایلی یکشند که مردم در باره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محویت تراوان سر - خورن اراست

گرمی یابد که به عرض حلت توجه نشانگر به بریم جویره نیز نقش سبازد - چنانچه علم های (بایر) و (سینا) بر زمین منسوال بنایافته است تا جان برود بیوسران نتوانسته اند کسی را بد انباشند که جایگزین بریم جویره بنامزدند آنها یکم میگردند درین روزگار بریم جویره بیشتر تحریفی خورد و ادعای نمایند که استعمال در تمثیلی او را به جلال است بد اند که اگر شور و شوق او نباشند گذشته رویه انرا بیست ولسی رویه کاهش هم نیست بعین سبب با وجود شلوغ بودن بازار فلمازان از غیر بیخه گان از نیماز با ویک زده هم کاهش نیافته است برود بیوسره بر عکس تلاش میوزند که در روزهای خود او را نیز نشان نمایند زیرا انعامی اند که فروین نغز او پس از هر فلم بالاتر رفته میروند حتی یک سینما روحانی ندیده میتواند که او مانند امیتا به چن با تاقیه هر فلم جدید

بریم جویره

بیمارمون فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم جویره را چنین ستود (در وقتنگه اقلیم در ای فلم که بریم جویره دران رحمت اکتور در وقت نفس داشته باشه خیرت بزرگتیز است زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که کاکشور د بگرترا و امید آرد تا سوبه غیر تمایی در جها اجرای نقش خود را با ایامردن خوش کار بریم جویره در آنست که نمیخواهد عقربن تقلیدی ویک نواخت حلوسه کند او در هر فلمی چیز دیگری احساسی در قالب کرکتر سرده شده چنان حیا میگرد که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن صحنه را میزهی اروا نمیتابد آن این موسوع حقیقت دارد اگر برود بیوسر یک جفت ستاره (عتر بیخگان) تازه استخراج میکند خود را

مرد خشن

بقیه از صفحه (۳۱)
(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۷) نواحه میباشد و در سن (۵۰) سالگی به موزن سرعان دچار شده مدتی تب ابری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی ازین اژده ستند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس اعانه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست

سازمانت کودکان

چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود ،
 فرخنده نام ، فرخنده خروسی
 داشت و خروسش هر صبح زود از
 خواب بیدار شد و دیدگون
 بانگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !
 پس از آن سویی فرخنده دیده ،
 از کف دستش هان هان بار بار
 خوشی می چید و آرام بروی دراز
 چوکی که جلو خانه شان قرار
 داشت ، کارش می نشست .

خروس برهائی رنگارنگی داشت
 و طوری جلایش میکرد که گویا همه
 بارون جرب شده باشند ، روزی
 از روزها فرخنده نزد زن همسایه
 ماکیان راد پناه واز ماکیان و
 بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه
 گفت :

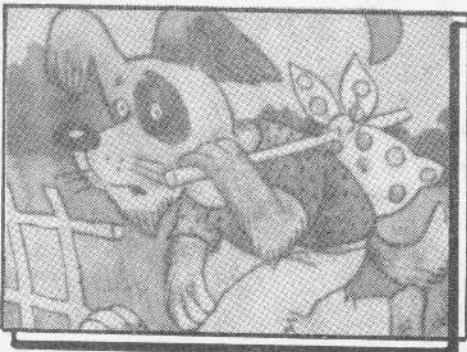
ماکیان تابه من بده و من
 در بدل خروس را بشما میدهم ؟
 باشند این حرفها خروس
 تاجش را به پایین او بختند
 و سرش را به زیر انگشده چه
 این خود مالکش بود که میخواست
 ویرابه کس دیگری بدهد ، زن
 همسایه با فرخنده این تعویض
 را قبول و ماکیان راد در بدل خروس
 به فرخنده داد ، فرخنده
 به زودی با ماکیان دوست شد ،
 ماکیان با پرهائی سبب خود
 احساس گریس و آرامش نمود ،
 همه روزه یک بیضه تخم میگذشت
 گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم
 تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف
 کنید .

فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،
 همواره ماکیان راد را قشوق گرفته
 و بروی برهائی زیبایش بصهریانی
 دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه
 و بروی شان همراه پایک مرغابی
 به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده
 وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از
 مرغابی خوشش آمد و از زن -
 همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید
 و من در بدل ماکیان خود را به
 شما خواهم داد !
 ماکیان از شنیدن این حرفها
 نمکین شده و از تاه ترشد پند
 بالهایش جانب زمین او بختند
 گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -
 شت ، چه این مالکش بود که
 من خواست وی را به کس دیگری
 بدهد .

دری نگذشته بود که فرخنده
 با مرغابی دوست همیشی شد ،
 با هم یکجا به دریای رفتند و در
 آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا
 میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم
 آنقدر رها دور شما منم ، زیاد را
 در آنجا زرف است (با این صدا
 دخترک دوباره به ساحل دریا
 بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد
 یکی از روزها همسایه بی باسگ
 کوچک و دوست داشتنی خود به
 خانه فرخنده هان هان به معناسی
 آمد ، فرخنده هنوز سگ را به
 قد رکابی از چشم نگذشتند بود
 که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در
 بدل من مرغابی خود را به شما
 خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -
 شنید ، بالهای خود را از روی قهر
 به هم زده و از منقارش آواز -
 اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند
 می کشد ، همه بی فایده بود و
 چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر
 بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست
 کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش
 تبدیل کردم ، ماکیان داشتم و آن
 را در مقابل مرغابی به کس دادم
 و حالا مرغابی را داده و سگ
 قشنگی بدست آوردم ، همینکه
 این سخنها به گوش سگ رسید ،
 دم خود را جمع نموده و به زیر
 دراز چوکی خانه فرخنده خود را
 پنهان کرد ، در تاریکی شب
 هنگامی که فرخنده در خواب
 شیرین بود ، دروازه را آهسته
 باز نمود ، و بایک خیز به بیرون
 خانه جست و پناه فرار نهاد ، در
 راه این سگ دوست داشتنی
 زیر زبان زوزه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم
 یک جا زنده گی کنم ، وقتی
 دخترک بیدار شد خود را تک و
 تنها یافت .

آیاتناسی د...

- ۱- آیامیلانه د یخونیزې هو ۱۵ نمرې نه ۶ د
- ۲- آیامخکی لدې چی د کور څخه د خوراکې مواد ودرانیولو په غرضوړې د نوموړ موادو - لست نیس
- هو ۲۰ نمرې نه ۳ د
- ۸- آیاهمیشه خپل کورنۍ ته وړې په ټاکلې وخت بخوې
- هو ۱۵ نمرې نه ۸ د
- ۹- آیاد خوراک پخولونوې آشوزې د ستورونه استعمالوې
- هو ۱۲ نمرې نه ۵ د
- ۱۰- آیاهمیشه تاسې د آشهزخانو سامان آلات منظم په الماری کور کیزدې
- هو ۲۵ نمرې نه ۵ د
- ۱۱- آیاد کوربه کارونوکی ستاد گوزوند ملگري کمک کوي
- هو ۱۲ نمرې نه ۶ د
- ۱۲- آیاتاسې پخجال د کور د پیر د ضروري شیانوڅخه شمیرې
- هو ۴ نمرې نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نمرې جمه کیرې د آزمایش نتیجه تر ۱۵۰ نمرې پورې که غواړې چې د کورنۍ د خیرکو د میرمنوله جملې څخه وشمیرل شی باید پخپلو کارونو کی نورهم دیر تجدید نظر وکړې تر ټولو د مخا باید د دې چی د وخت په موند اقتصادي وراستی او په ښه صورت سرخیل کارته سازمان ورکړې د ۱۵۶-۱۹۰ نمرې پورې تاسې کارکه یاستې هرنسې ستاسوپه کورکی خپل مشخص تعای لري که چیرې تاسې کوم وخت څه شی باید ولټوي د لدې کیله چی تاسې تراوسه پورې د کورنوروزور - یات په ښه توگه ندې زد کړې د ۱۹۰ نمروڅخه پورته ستاسوپه کورکی د استقیما خیالی دې همیشه یوڅه شی مینغی یا کوي او یا جاروکوي اما اعتبارولري چی د آکارونه لانوره هم په لیز قدرت او په کم وخت کی تراوسه تر سره کولای شی لدې کیله لیا نورسوي ترخوچه وخت لري اما باید هرڅه کړې چه بدون د کورنۍ مشکلاتو څخه نور مصرو - فیتونه لکه تیاتر سینما کتابونه اولمگري هم شته دې



خانواده سوگواراست

فایده...

بقیه از صفحه ۳۰ بعد از نسخ نامردی همیشه فامیل ما از طرف آنها تعهد مید میشد و دوسین که صاحب منصب اند همیشه آنها در وظیفه میبودند فامیل ما مورد تعهدی قرار میگرفت هولی من هرگز به سرانم چیزی نمیگفتم موضع را بنهان میکردم تا مباد امنین آنها بر خورد صورت گیرد بالاخره بتاریخ ۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه ساعت ۲ آن حادثه المناک رخ داد آن شب جاوید بسرسر یخانه آمده بود صبح چندین بار صدایش کردم گفتم مگر رگد از خوابم نمیدانم چرا خوابم بوره میشود وقتی در زنده شد مارینا د ختم رفت تا ببیند کیست همراه با باز شدن دروازه صدای دوغیر مری و فریاد د ختم شنیده شد و جاوید و ارخطا از خواب برخاست بطرف بھرون دوید د ختمم انیتاکه بیشتر از برادر خودش ربه قاتل رسانیده بود مور د اصابت مری قرار گرفت و لوسی برادر خونش را سپر خواهر ساخت که یک مری درجان خواهر و ۸ مری درجان برادر جای گرفت وقتی من به نزدیکی بسرسر رسیدم خواهر و برادر هر دو د رگوش هم بودند برادر با وجود آنکه سوراخ سوراخ شده بود میکوشید خواهر را از افتادن مانع شود ولی بعد هر دو بزین

افتادند من بانی لی و سولج عقب قاتل میدویدم او بطرف سرک میدوید وقتی به سرک عمومی رسیدیم زیر سینما اقبال همراه یانه و شارسندوی اورا احاطه کردیم چون در دستش سلاح بود کسی جرئت نمیکرد نزدیکش شوده گفتم اورا بگیرید تفنگچه مریسی ندارد و بایند شده در غیران من تا اینجا زنده نمرسیدم درین اثنا دو مظنین حوزو رسیدند و اورا گرفتند او را دوباره به محل حادثه آوردند به جن خود اقرار کرد همه جاها را نشان داد گفت بازم می آیم همه را میکشیم و دختر را میبرم و هم ربه شفاخانه بردیم ولی او مرده بود طب عدلی ۸ مری را در وجود او نشان داد ولی من همان لحظه بخون فرزندم سوگفت یاد کردم او که بسر راطالمانه گشت من اورا توسط قانون میکشم دو د ختم زخمی شدند یکی در کرده و دیگری در رطن درین یکسال چقدر دویدم روزها بالب و دهن خشک بایین ویلا تا دویدم یکسال مدت کسی نیست در طول این مدت بارها از طرف فامیل نعمت الله هغه ما تعهدید هدم بارها گفتند شما که خون ربا خون می شویید ماهمه تا ترا نابود میکنم ولی هرگز از تعهدید آنها نترسیده ام زیرا در صورتی که نعمت الله اهدام شود چانس سپم خود را برای نابودی فامیل من از دست میدهد اینک نمر مکتوب را بدست د ان که نعمت الله د ولد نورعلم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳ به اهدام محکم شد با اهدام او دم اندکی آرام خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ سوراخ شده جاوید که فقط ۱۸ سال داشت مقابل چشمانم هزارها بار جان نخواهد داد

نقش جدید من...

بقیه از صفحه ۳۱ من در فلم سفر نقش مصطفی را بازی میکنم که با گروپ از جوانان که برای سواد آموزی به قریه دور افتاده میروند فلم نیز از همین جا آغاز مییابد و حوادث فلم یکی بی دیگری اتفاق میافتد و گروپ از جوانان به شمول مصطفی با این حوادث درگیر میشوند و قهرمان متن باد یگر جوانان با شجاعت و پای مردی با ان دست و پنجه نرم میکند و در مجموع فلم نمایانگر آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده و بدون ترس با شجاعت بهتسو میتواند به هدف دلخواه خود برسد من از نقش راضی میباشم زیرا اولین بار است که نقش یک جوان تحصیل کرده و روشنفکر را بازی میکنم و نقش های من عمدتاً با نقش توردی در فلم مسافر و فضلود فلم مرد هاره قول است فرق دارد در این فلم با من سعید اورکزی واسع صدی اسد الله آرام خورشید فریده همرا انجانا شمسی موسی رادمنش فتح الله بزند شاه محمود شارق زلمسی عبادی همبازی میباشند فلمبرد در فلم محترم قادر طاهری بوده و اهنگ از محترم شاد کام میباشند

چاپخانه

بنیة ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ایدة ال بود
 با آن هر چه نیکه ماندنید اگر -
 خنده دار بود از دل می -
 خندید، سهم نگاه میکرد و می
 میخندید و آنس خنده بخود
 میزدید. این کاری مراجعات داده
 به تویح تمیم پرداختم.
 سنت بی مقدمه خطاب به
 دیگران گفتم: ببینید این آدم هر
 کاره است، ولگرد، آقا، شامه،
 ایدوار، تنها چاشق پیشه و -
 ماجراجو. او میتواند شما را مقاصد
 سازد که عالم، مونسین، اشرافی
 و بانگر پولواست و در زمین حال از
 بوداشتن تم سوخته سگرت و -
 شربتی برخاک افتاده نگ ندارد.
 خوب من او ریسه خود را
 به پایان میرسانم میدانم که وقت
 و شرایط برایم بسیار مناسب بود.
 محبوب مردم سراسر جهان شدم.
 هم دوستم داشتند و هم از من
 نفرت میکردند.
 بلی زنده گی ازودیمه هایش
 خوبترین و بهترین را بمن ارزانی کرد.

البته يك کی از زمانلمات راهم
 تلاشچان چارلی بیشتر چه
 ها و کارگران بودند، و برخلاف تصور
 همگانی فلماهی تا سال ۱۹۲۰ -
 هنوز مورد علقه امان و اشراف
 تر از نگرفته بود، زیرا آنها هنوز
 خام و عوام پسند بودند. شاید -
 تقاضای زمان بود که آنها را رنگ -
 ماهانه داشته باشد. طبقه با
 سواد و تحصیل کرده کی در بر تبه
 چارلی علقه مند شدند و بنابراین
 نتوانستند او را منحرف سازند. از
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((کوچه
 درام)) ۱۹۱۷ او دوش نگ ۱۱۸ -
 و ((پسرن)) ۱۹۲۱ او ((زایر)) ۱۹۲۳
 و ((جستجوی خلا)) ۱۹۲۵، او -
 ((روشنایی شهر)) ۱۹۳۱ او «صفر
 جدید» ۱۹۳۶ آنچه به نظر میرسد
 نه دگرگونی بک زرنمایان و کامل -
 شدن شخصیت ((ولگرد)) است. حتی
 لباسش که اتفاقاً برای بعد از ظهر
 پارانی تدارک شده بود کم کم معنی
 خاصی مییافت. در این لباس زنده -
 پوشی از نگاه نجبا، لوکس
 از نظر فقرا، نقش مبرد
 فقیر بی همه چیزی را بازی میکرد که
 باشجاعت تمام واقعت تلخ فقیر تھی -

دستی خود را نادیده میگرفت چارلی
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از
 حیلہ های بصری و تبدیل ناگهانی
 اشیا که در قلمهای نخستین به
 کاربرد استفاده میکرد. مثلاً در
 ((پسرن)) وقتی چارلی دستکش بی
 انگشتش را بیرون میکشید تا هم سوخته -
 بی را از قوطی سگرت (قوطی سارین
 است) بیرون آورد این حرکت عادی
 را ظوری انجام مدهد که مانند
 تنفس بسیار ضعیف و گرانجا به
 نرس میرسد. در ((روشنایی شهر))
 چارلی در مهمانی مجلی ایشیا را
 بی بلند و از درون شگش صدای
 وصل شنیده میشود و نیز در کاربرد
 وقتیکه توشه های کافذ با مگروشی
 مخلوط میگردد. این دو واقعه هر
 يك عمده براینکه به جای خود بسیار
 خنده دار است در ضمن تعایشگر
 است که چگونه چارلی از در و جان
 میکشید تا هرگز جماعت نشود. تا
 میلوونان، دختران، بانوان خوبی
 لباس او را در جمع خود میزدند و بی
 چارلی بخی مییافتند که کوچک
 مردی هرگز نمیتواند هرگز این -
 جماعت شود. سرنوشتش چنین است
 که همیشه در تاریکی به امید و انتظا

بسر زد و همیشه با همی دوری نسا -
 امید را از خود دور براند.
 شاید در اینکه چاپلین در روز -
 گارانی که مردم به سن و رسوم
 جامعه گردن نهاده بودند -
 شخصیت ولگرد خود را جلوه دهد
 معنای خاص نرفته باشد. شاید
 چاپلین دیگر (صردک کوچک) به
 نهر و ایستادگی اش در برابر اجتماع
 ایمان نداشت و شاید احساس میکرد
 که رسانیدن پیامش به جهانسان
 بیان صریح تر و مستقیم تر را ایجاب
 میکند. وان اتکا به نفس و ملامت
 نروانی چارلی ولگرد دیگر برای -
 این منظور کافی نبود. حتی ارسال
 ۱۹۴۰ به بعد با فلم ((دیکتاتور
 بزرگ)) چارلی شخصیت خود را کار
 گذاشت، تا ازته دل پیام میدهد -
 واری دهد و دلگرم کننده اش به
 گوشه های مردمان خود شنوده در
 نیرسا و ظلم و استبداد برساند.
 در فلم بعدیش ((سوپرود)) -
 ۱۹۴۷ چارلی ولگرد بکل ناپدید
 شد. در این فلم، که شاید -
 همین امروز تهن فلم باشد، قاطعی
 در دفاع از خود میکشد که جنیت او
 اصلاً گناه نیست بلکه قیاسه
 آن وحشتناک است. ((قتل یک
 تن انسان را چینیکار همساز و
 قتل چندین میلیون تن باعث افتخار
 است.))

از وی. تاسی و لوستل جسی
 اداری مرستیال ددنی نیسی
 وری صلاحیت به زور. تولسو
 د فترتونه دخیل خان دسر -
 پرست والی رسمی اطلاع میرسوله
 اود همانی وری له فرمی و روسته
 چی فنی مرستیال ترجمی خان
 و رساوه. نوتولود فترتونه بی د
 خیل کالت متحد المال مکتوبونه
 ولزیر. به دوهمه ریخ سعار
 اداری مرستیال بنغه جسی
 موسی ته رانی. حال داجسی
 فنی مرستیال له بیبسی ناخبره
 به اووه جسی تمکی موثرکی له
 نوروما مورینود مخه خان موسی
 ته راروسی. خوگله چی خوکیدار
 ورته وای چی اداری مرستیال
 ترده دمخه راغلی دی. نونسی
 مرستیال د موسی به عمرمی
 دروازه کی لکه ریخ لری به خای
 ریخ کلک باتی کیزی. اوسر به
 وگورچی دغه لویه دجابه کتبه
 راخرخی.
 (یونیم اواملا موزیک دی به
 خبله لوستونکی و غمز وی)
 راوی: که فنی مرستیال
 موسی دروازه به خوله کسی -
 لری غرنی ته تکیه نه وای کری.
 نویی له شکه به به خمکه راغور -
 خریدلی وای. دومره ورسره
 بخت یاری وکره چی دامامورینو
 موزیکه ویرا رسیدلی. که نویسه
 دغمی وضعیت د فنی مرستیال

لیدل کومه ریخ خبره نه وه هغه
 داداری مرستیال به دغه موقتی
 برلاسی ناامیده نه شو. او نیخ
 خیل دفتر ته لار. فنی مرستیال
 ددی له باره چی اداری مرستیال
 بی به راتلو بوه نه شی. خیل
 بو تونه بی دد هلیزه دروازه کی
 وایستل اولکه دچرگانو دغله
 غوندی دگوتوبه خوگوخیل دفتر
 ته لار.
 (د فنی مرستیال د ورو ورو -
 قد مونوبه مگرونوکی دی محترم
 لوستونکی د قمرگلی دغه مند ره
 چی: ((و رو و رو کیده قد مونسه
 اشنا)) له خانه سره زمزمه کری (ی)
 به دغه ریخ اداری مرستیال
 دومره دروند دریاست به جوکی
 باندي ناست و چی به ار مونو
 به هم جانه وای و رخنای وای.
 دغرمی و پوی بی هم دخیل گارد
 میزله پاسه و خور. او به دا لویه
 ریخ کی بی ترمازد یگره پوری به
 جای روزه هم ماته نه کری.
 د فنی مرستیال خانه سامان
 حضرت میر چی یورخ دمخه بی
 دکیم غروری کارله باره له فنی
 مرستیال خخه اجازه اخستی وه.
 به دغه ریخ کار ته نه و راغلی.
 کله چی اداری مرستیال له دی
 بیبسی خبر شو. د اجیرانوجا -
 ضری بی دفتر ته ورونیسته اوسه
 خیل قلم بی ((نیم روزه)) غیر -
 حاضر کری. فنی مرستیال به دغه

ریخ دجوکی به نه نیولود و سره
 خپه نه و لکه دخیل خانه سامان
 غیر حاشیه لوجی به قهر کر.
 دوه د ری حله بی تیلون ته
 لاس و رتیر کری. خود تیلون له
 لاری اداری مرستیال به بی ابه
 کری. خوهرخل به بی یسه
 شیطان لعنت کی او دغه کلمات
 بی بل وخت ته برینبود. هغه
 پوهیده چی اداری مرستیال د
 ریاست به جوکی پوری مییخ
 شوئی نه دی. او غرور به یوخت
 چی فنی پورته شی. هغه وخت
 بی فنی مرستیال بی فال به
 زه کی نیولی ز درسی وخت
 پای ته رسیدل وو. کله جسی
 رسمی وخت پای ته ورسیده. نو
 فنی مرستیال داداری مرستیال
 د غافلگیر کولو له باره د نورومامو -
 ریخ به خیر له دفتر ته راویت او
 به لوی لاس دریاست د دفتر
 دکری تر خت تیر شو او هداسی
 حال کی چی اداری مرستیال
 دریاست د جوکی له سرنه ورته
 دستر کولاندی کتل له موسی
 ووت.
 اداری مرستیال درسی وخت له
 پای ته رسید و روسته بوره یسو
 ساعت لا هماغسی تینک به جوکی
 پوری نبستی و. کله چی دخیل
 رقیب به تللو پاوه شو. نو
 دروازه بی به خیل لاسر کولپ
 کره او کونجی بی به حیث کی له

خانه سره و اجوله. خو خیرنه و
 چی فنی مرستیال به کونجی
 لا بیون ترلاسه کری وه او هم بی
 دیوال له لاری موسی ته د -
 بیرته رانوتلونیت کری و.
 (دلته دی یوازی دریا بیه
 لنده نغمه د خوتانیوله باره -
 ویزول شی).
 فنی مرستیال د ما بنام پوی
 به کورکی و خور. اود سهار له
 باره بی بیه وجه پوی او خور
 ایشیدلی هکی له خانه سره
 به بکری و اجولی. د ما بنام
 به خره کی د موسی به دیوال
 وروایت او به بیخه زه بی د
 ریاست دروازه و خلاصه کری. ایه
 خرخی جوکی شیز اووه خرخه
 هاخواد یخواتا و راتاوشو. که خره
 هم د شیب د خوب او بلاستی
 له باره به دفتر کی یوغت او -
 مناسب کوچ هم بوته و. خوله
 دی ویری چی سهار دی ویده
 و او جوکی بی اداری مرستیال
 ونه نیسی. نویسه بی به هماغه
 جوکی سبارک. (دلته دی لوستو -
 نکی داس فکروکی چی گوندی
 چرگان بانگونه کوی اوله دغسو
 بانگونوسره یوخای دی د صحنی
 بیلولو یوموزیک هم ورسره ویری
 سهار اداری مرستیال بی
 دخیل رقیب له ویری به هماغه
 پورنی وخت موسی ته راغلی.
 باتی به (۷۷) مخ

چاپخانه

۹۱۵



مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی
تان با ناد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما يك بارتی
و یا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا در -
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله
هنرمندان در آنجانبی، نیویاری، دلیپ گماز
نروان بلراج سها نی و چند نفر دیگر از هنرمندان
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند
راستی در نظر دختران آن که دو خواهر بودند
و حدیثاً در جهان فنی شروع بکار نموده بودند،
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هویلا، کیتیز
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -
موجهر شوهر همشیره مد هویلا هم تشریف داشت
که او هم يك هنرمند جهان شناخته شده فلم بود
عکاس موفقی گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو آغاز شد
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک
افغانستان که مخصوصاً بسته برادام، کشمیر
و انگور و زعفران افغانستان در هند شهرت
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان
پیدا شود که آدم را سوال بپرسد و سوالا مختلف
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست
میداری که یگری می پرسید سبب و عوامل این عشق
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت
انتخاب کرده بی و دیگری می پرسید معنی عشق چیست
و من باید بگویم این سوالها جواب میگفت، بعد و ن
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و من به اردو و چارمی
هم به زبان دری - من در بین خیران و سرگردان
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بدهم
همچنان مد هویلا را میوال بیج کرده بودند که
آیاتوهم علی مشیری را دوست میداری یا اینکه
عشق او کفره است که یگری میگفت چطور است
با او ازدواج کنی ؟
و من درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که
کتاب (وینوی شوق) را که برای مد هویلا نوشته
بودم و شام ده هزار بیست میباشد - با تشریفات
مخصوص بحضوری تقدیم کنم که این صحنه از طرف
حاضرین با یک زده تهای زیاد استقبال کرد -
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه
آن میناتور و دیباچه جداگانه داشت و چندین قطعه
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب
دست بدست گردیده و دوباره بدست مد هویلا رسید
که او کتاب را بوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته
گفت (این يك کتاب مقدس است برای من که باید
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید
که شعرت برای يك ستاره فنی ازین نوع العاده
دارد) - مد هویلا ضمن بیان خوش اخلاصه
نمود : (تو من لقب وینوی شوق را دادی که این
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف
دای - جست آمریکا هم من بیگرای من منتشر
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده
است)
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا
انقدر بلند بردی که به ستارگان آسمان رسانیدی
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا
نمیدانم و یا حق ناشناس و ناسیاس هستم)
مد هویلا انزود : (در یکی از جراید فنی بعضی
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -
بودند و من این را نمانید نمیکم اگر به معنی جنون
آن باشد و اگر به معنی وفاداری و افکاری و عشق
باید اریاشده جزای ؟
زیرا تو شاعر هستی نویسنده بود اکثر هستی
من توانای مجنون عاقل نامد تو سمبول و رهنمای
عشاق هستی، تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر
عالی هستی، تو توانستی با تمام مشکلات دست
و پنجه تنم کنی و ناممکنات را ممکن سازی، هستند
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان
پذیر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان
تالیا (پیدی) آمدی بعد از کدام حادثه
بود که مرا وادار کردی تراه نزد خود بپذیرم - هر
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده
ای باز همه اشعاری که برای من نوشته ای بیکبار دیگر
ساز و شکران خویش را در حضور همه این هنرمندان
دایرگروهها، ژورنالیست ها و مدبران جراید بتو
تقدیم میدام امید رام پذیرفته گردند) در اخیر
گفتار و بیانیه مد هویلا در وقت از قسمت آخرین
کتاب را برای من چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار
بیست که سروده بودم - گفتم :

هو کن گریمن جسارت کرده ام
ازم در يك اشاعت کرده ام
نیت نگاهشتری مفتون تو
گشته عالم غرق در آسوس تو
مد هویلا فوراً گفت : من غرق در آسوس تو
در اینجا مد بر سمبول مجله کهنکشان گفتم :
(زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعری برای
بخشید یعنی در عرض صحت هزار بیت که سروده بود
صحت هزار طلیبی اشعری برای فردوسی داد - و او
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته و خاموش
ماند - مد هویلا گفت : (من قدرت برداخت
ده هزار طلا را با هم و این مبلغ را برای داکتر هلی
بپرداختم) من گفتم : (قبول نمیکم - زیرا فقط يك
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ازین دارد)
گفت : (من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -
هزار طلا میدانی) - مد هویلا همیشه مرا با هم
خدا میگرد و من هم او را مد هوی - و گاهی متاخر مد
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند
در وقت بدستن حسین و رقیب - بعد از صحبت
بموسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی
و سپس طعام شب و بعد از آن هم محفل بی پایان رسید
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا
از ترنید بیرون کرده بگفت : (بیا همراه من برویم
زیرا هتل محل رهائین تو از اینجا زیاد دور است)
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت : (بهتر
است هلی شب همین جا ماند جا دارم) و من این را
از خدا میخواستم و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا
در کتابچه با دست خود نوشتم :
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم
بوی بیگر نگار سوز قدی لاله رخساری
سرا یا آنت دل بود شب جاییک من بودم
رقیبا گوش بر آواز او درناز من حیمران
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم
- به هر حال اکنون که ماد هویلا عزیز شما
جهان فنی را و داع گفته کنون عاشق کی استید ؟
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال
و مشکلات برای من است که میخواهید حتماً سرا
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جواب تان
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا تان
تان جواب گو باشم
پس گفتم :
ما من خداداندولی در شانه من بینم
که از سودای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته
باشید از شمارایی رحمت تان که با من این صحابه
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم
یک راضی علامه اقبال :

در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردیم ، ما از نظریات و انتقادات آنان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمدصابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریبا وین خیرصافی ، احمدنوبه احسان الدین ، تمیم صادق سیحیلا فرملی ، محمد داود فرملی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویامشعل ، صدیقہ فریبا سریزاده ، عمایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ ، دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی گارمند شوراب زبیر حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرملی ، سونیا اسلمیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکریدہ نادیه رضایی ، ناجیہ ، ختابہ نور ، احمد شکیب ، عبدالرشید و حیدر الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلمیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکریدہ ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، جمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیامی ، فوزیہ نوایی عوث اللہ ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینسا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تفتیق ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطن ، فائزہ شهاب زرمینه فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نفیسہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند ، نوربہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیب نیلہ انور ، مارینا خوشه چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زہی ، غلام داود محمد یار سمیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالہ ، اصمعیل یق یار امید ، فیز محمد متین ، لیل سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انورونی احمد شکیب ، سید اسد اللہ نقشبندی ، محمد داود حسام ، سید موسی عباسی ، احمد سیا ، صبیح سرباز خاندونی و امنیت دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق سی ، محمد امام حزین محصل سال چہار پونہنخی فارسی بوختون کابین

دوستان خوب از کسارت ارسالی تان تشکر و توفیق مریت شما را تمنایم . رضوان ساحلی از مرآت شریف ، چہار نامہ تان سر بہ سر رسید ، گپ های تان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد . عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شما ہم آدم بزرگاری هستید لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزادہ از ولایت ہلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ما ہم میخواہد سیاورن را اول بہ شما بفرضیم ، حتماً در نظر داریم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم .

مود و فیشن یا سرنوشت مہین

شمس علی شمس محصل استیقت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکرہ دادہ اند کہ اگر چاپ نشود ہمکاری ام را قطع می نمایم .

((بہ سرنوشت مہین خویش می اندیش))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس ہای بد ریزد قیام میشوند بہ چہاران خزان زدہ مہین شان ببندیشند زیرا مردم از روشن تقاضای خدمت را دارند و نمی خواہند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسہای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجلہ سیاورن را دقیق شویم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بینیم و رنگہا را برمی گیرند . اگر این صفحہات را از مجلہ جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم گرد آورده ہای بہترین را ہمایی در گزینش رنگہا در چہان مود و فیشن خواہد بود و ذوق ہای گوناگون جوانان ما با شک ہای گرسنہ و در انتظار نان سوسنق ہمہ ذوقہا محسوب خواہد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مہین بہ تلائم جوانان متعلق است نہ بسہ بیاریہ گوناگون آنها . ومن فقط بہ سرنوشت مردم و جامعہ خویش می اندیشم و از ذوق ہای کود کانه و نابہ هنگام امتناع میوزیم زیرا این ذوق (بہ مود و فیشن) بہ یک پژوهندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

(براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیاز ہای دارد کہ باید انرا در نظر گرفت)

یاسخ ہای کوتاہ

محمد نعیم ولی عزیز اولی محصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راہ دور نامہ می فرستید لطفاً از ہترین مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان ہای کہ فراوانتر است . احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر گلہ و گداری ہنکاری تان را بدین موشوم بہ ما نامہ بنویسید .

از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از ہنر کندز ، سلام ہا ہا ما ہم بدینا تشکر و نظریات شمارہ مجلہ سیاورن مورد توجہ ما نظر گرفتیم ، تشکر از دوستانی چون شما کہ با صحت تان ما را یاری میرسانید ، مواد شمارہ مار یک تا ششم تان مواردی است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تأمل پذیر باشند . چاپ شمارہ اول کارمکن ہم نیست و ہم استولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم ، ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کھدات را بدین ترتیب و تلویزیون مانیت چیز است مربوط بہ خود آنها ما نشر است و کجا ما نظر اداری مجلہ ما نیست کہ بفرمایید ما خبری ہر ارا از خوان نام آہنگ ساز تشکر یاد نمود . از شما تشکر .

بہ ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا دربی ، نظریات شمارہ ما مورد داستان بازگور کرد ان در نامہ ارسالی تان خواندم . تشکر از توجہ تان اما در مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگور در نوشتہ الیور گولسد اسمیت چاپ شمارہ سوم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تا مل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شمارہ متذکرہ مجلہ سخن را بہ دفتر تبریحہ بیاورید ، از ہنکار شما صمیمانہ سپاسگزاریم .

یاسخ تان را بخوائید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه ہای مختلف را بدین ترتیب ہمچنان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند . اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب درایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد ، تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند . با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنونی ما . بہ این فکر نیستند کہ باید بہ راد یو تلویزیون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشیر ما خود را از غریب راد یو ویا تلویزیون بشنوند و در مجلات نام شان بہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم ما میتوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا برنامه را تعقیب بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ ما را سرتابا بہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مکریم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات ویر نامہ ہای راد یو تلویزیون در ہمہ کشور ہا بہ عمل است آنچه کہ درین نامہ ما آورده شدہ در انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حتی است .

مطالب ارسالی شما

نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

زبان پوستر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارومل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

- ۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .
- ۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی برو باره متحن وبرهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مذاقات ومضاکلا حوصله فراوان دارند .
- ۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومسارونی باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مساعفند ومعلمی برکاروشایسته معرفی گردیده اند .
- ۴- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان برحوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .
- ۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرسرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم صرف کرده وبدریسات چیزی نمی گذارند .
- ۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .
- ۷- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین ((مساوی)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .
- ۸- روشانه ((زین)) ازگوزن کابل سنتر

چطور از طرز چسباندن پوستر بر روی پاکت از دورن فرستنده آگاه شویم ؟

- ۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است ((فکر سواردم بیرون است))
- ۲- چنانچه پوستر قدردی متقابل به سمت راست باشد مقصدش این است ((بمن اطمینان داشته باش))
- ۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است ((دیوانه وار ترامیرستم))
- ۴- اگر سر پوستر قدردی متقابل به سمت چپ باشد مفهومش این است ((ترادوست میدارم))
- ۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتقابل بر است چسبانیده ، مفهومش این است ((دیگر ترا دوست ندانم))

ارسالی : حلیه

مستوره محبت نامری (استعداد تاز ، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی (بیسی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا
برخیزم از خانه به میخانه گرمزم
سایره شکیب از ولایت جوزجان (بارجه کردن حملات ومصراع وارنوتستن شعر نیست) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید . (۰) شکلا ازلیسه " آنسه " فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید . (۰) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیته های تان با کمی تصرف :
الله یارجان بگیرم اصل نامست
کبوتری میگردم به با مست
اگر یکبار بگویی یار شیرین
شوم ندقه همونک زبانت
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند . مصراع سوم نیز باید است . (۰)
خالده خرم اقل " مهم :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامد سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد " بندری از سروده " تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :
خواهراتم بگذرید از مد تو
مد تو ارقش ندارد یک دو جو
تو مکن تقلید از هر بیگانگان
ابروی خود میرزان را یگسان
کی توامد خوب و نه با همکند
بسل تو این کار رسوا همکند

هنزه نوین انزولسوالی بلخمری :
دوستی های که به نام ((تک بیته)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید . سفوکودی به شهر دور دستی دل نازکتر از جام شکستی
بهارتک وفاکن ((بیوفا)) چنان
به هر آیین و هر مذهب که هستی
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام ازب . اقتصاد :
((نارام)) راهمنظور که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازتختیک ساختمانی :
برادر عزیزه اوقات بیکارت را کارکهد ونوشعمری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکس دیگر ؟

ملالی محبتی : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟
فرده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال))
شما کاسیتی های فراوان دارد .
جستن معشوق از طرف شام و در شعریش ، ((سنی))
نه خواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل " خبیبه :
به املا وانشاتوجه کید بیته اشعرتان :
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .
در کلبه " فزده گان اه و فغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی (خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مامم دارم) . نوبه عطا (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) . سمیرا نجیب سادات و خاطره های بیوزن بیزاد ازلیسه " مهم (دوستی تان قابل نشمر نیست) . عادل اختری از وزارت امور عودت کندگان (شعر انتخابی تانرا اگر قسم یک بیت آن :
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان
تا بیره درد کمر نشناسی دوامکن)
سخن مراد مسکین امسوق " غ ولایت مزار شریف (شعرتان کاستی های دارد با انهم دوست آنرا نشمر کردیم استعداد تانرا با مطالعه بیشتر پرورش دهید :

کنون از حال زار من مبرسید
که فرم دوستان در عالم خود
خراب یزار و حیران نمودی
بت شیرین ادا می از غم خود ()
شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :
ای قاسد آرزو نامه زد لدا زنداری
از هر تسلی زبانش سخنی ساز
لینا نارام ازلیسه آریانا (خواهر عزیز) ماد را در بیته دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید)
اینسه مقبل بنام ازلیسه " مهم (دوست عزیز با شعر ارسالی تان زنده باشید :
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید
برود یوار شورا این سخن باید نوشت
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید ()
میروس نژند ازلیسه انصاری (دستوزبان) وزن قافیه ود دیگر معاییر شعری را با موزید " رباعی تان لغزشهای فراوان داشت) ، فرید احمد امید از مزار شریف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :
باز فصل باغ بوستان میرسد
لبیل دل در گلستان می رسد
سبز میگردد چمنزار امید
نوعوس باغ خندان می رسد)
شکیلا پوهس از مزار شریف (طبع روان تانرا روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :
باز فصل نوهاران آمده
فصل شوق مند لیان آمده
باز گلگهای فریبا و قشنگ
سوی بوستان و گلستان آمده
من شکیلا خوانم هر دم این سرود
لبیل غیلم نزل خوان آمده)
واژه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر ((بوستان)) بسازم این تقییمه رفع میگردد و مصراع پنجم را به خا ارتقلت واژه هر دم این طور سازید خوب است :
((هر زبان خواند شکیلا این سرود)) . آری از طب کابل (شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید . (۰) بارجه " ک ازلیسه رابعه " بلخی (حرفهای که به آری جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند . (۰) تونر عبد - الصادق (هارون) از کینتاری بگرامی (دوستی های تانرا به برنامه های نولکوری راد یوفرستید)
شکیلا نجیب ازلیسه آریانا (نامه تان با خشار چشم رسید یک بیت از گردید های تان :
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این
الوداع ای صبروتقوی الوداع ای عقل ودین)

نگارها

- ۱- کم دانستن ویراگستن مانند بول نداشتن و زیاد خرج کردن است .
- ۲- مانند مرد عمل ، عمل کن و مانند فکر بینه پیش .
- ۳- جدیت و پشتکار آدمی را بفضه نزدیک میکند .
- ۴- از سبکی چارمغز توان دانست که بی مغز است .
- ۵- خوشبخت ترین مردم کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود و از شادایی دیگران انقدر شاد میشود که گویی ایسن شادی مربوط به خود اوست !
- ۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله مکن !
فرستنده شریف نورین

براسم فال گرفتن

متولدین ماه حمل

موفقیت‌های شایانی پیش‌رو دارید، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید. از صحت‌تان مواظب‌تر کنید. بادوستان مهربان‌تر باشید. دیدار تازه در تغییر سرنوشت شما نقش خواهد داشت.

متولدین ماه میزان

ملامت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست. باید شهادت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید. کودکان عزیز می‌توانند شما را خوشتر کنند. مجردها به ایجاد زندگی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می‌کنند.

متولدین ماه ثور

عهر شدن و خصمانیت بی‌مورد عمر شما را نهم می‌سازد. از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می‌برید و این نکته بی‌است که متوجه آن نشده‌اید. قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده‌گی نمایید که استید. ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید.

متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما، ضعف اراده‌تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید. دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است. اعتماد شما نسبت به خانواده‌تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند. مجردها دیدارهای خوبی در پیش دارند. دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید.

متولدین ماه جوزا

امیدهایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می‌پیوندد. یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می‌آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود. فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و نواقص آنرا بپوشانید.

متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربان‌تر باشید. کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارند. کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند. درس بزرگ زنده‌گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است.

متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است. زندگی باغم‌های پیش‌زیباست. دیدار تازه‌ای که دارید برای شما امیدهای جدیدی میدهد. بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امیدهای بزرگ خانواده‌تان رانیز جرات بخشید. آرزوهای تان برآورده میشود و انهم در همین روزها.

متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید. هیچگاه با شاگردان تان رویه نادرست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شما را از پت مینماید.

متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده‌گی تان کار معقول است. تشوشت روانی خود را دور سازید. خوبست که دل‌بسته‌گی‌های تان به کار زنده‌گی افزایش می‌یابد. بیشتر به فکر آموزش باشید. آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت.

متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید. تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است. یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد. قدر دوستی را دانستن، قدر زنده‌گی را دانستن است.

متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برایتان پر خاطره و جالب است. نامه‌های دوستان تان را بی‌پاسخ نماند. همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می‌یابد.

متولدین ماه حوت

به صحت‌تان توجه داشته باشید. ورزش مصروفیت بسیار خوب برایتان خواهد بود. نگذارید کسی از شما بی‌جهت آزرده شود. دیدار عاشقانه بی‌در پیش دارید. امیدوار باشید که بخت با شماست.

تهدیدها از راه آسمان

نزدیک بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بافتند. سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خواهد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت. درباره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند. یک راکت مجهز با کلاهک هسته‌ای میتواند چنین سیاره‌ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد. اما درین صورت نیز بارچه‌های سیاره به زمین خواهد ریخت. نظر بهتر آنکه در سال‌های ۱۹۸۰ آرایه شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم.

ترجمه: حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریب اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود. حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد. سیاره‌های با عرض نیم میل در سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند. درین میان سیاره‌های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون سال یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره‌ها خطر بزرگی را متوجه میسازد. همین سیاره‌ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده بی‌ازستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

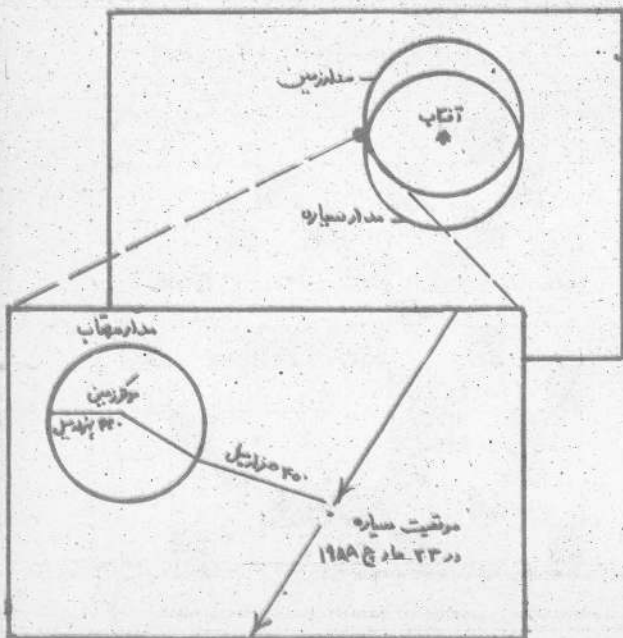
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست اواسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشد. اما قای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکوپ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفرنیا تهیه شده بود مطالعه کرد. گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یارده بوده باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد. حفره‌ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوانست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتید بود به وجود آمده است. اما چنین حادثه‌ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده بر جمعیت رانان بود کند. ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت. مانند زمین که به دور آفتاب گردش میکند. منتها به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریا سپری خواهد کرد. دریا از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون ترقرار خواهد داشت. اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را آرایه داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد این سیاره میتواند بازم خطرناک به وجود آورد یا اینکه به زمین اصابت

نشد بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید. خارج از منزل. همراه باد و ستان یا مشغول تماشای برنامه‌های تلویزیون. به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید. شما ازین خطر آگاه نبودید. اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیکی از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است.

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه‌ای مانند انفجار هزاران بم هایدروجن می آفرید و ملیونها انسان را نابود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد.

پیش ازینکه شمار زیاد بهراس بیفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهابت. با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود. از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزدیک نبوده است. در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد.

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون



مسطرين

سفید بازی را شروع می کنند
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را
مات می کنند .

سفید بازی را شروع می کنند
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات
می کنند .

جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقر - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوی نیست .
- ۳- غم نداری انرا بخسر - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹- یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ای ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰- جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱- بایش رابسته کن همسایه ات را زد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

پرسش ها

انقی :

- مادرومی گویند :
- ۷- مار از ان بدش بدم غارش سبزی می کند . زورش به ان نمی رسد پیالانش می زند .
 - ۸- زمستان زفت روسیاهی به ان مانسد .
 - ۹- شق (اصطلاحی) - هرجا انست دریای لنگ است - خشک بی سر .
 - ۱۰- معکوس ان روشنی (پینتو) - شراب - نخستین عدد .
 - ۱۱- قطی ارمعروف است - وقتی ازت اند تروان با هم می سوزد .

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... بد برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود .
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدویدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر بپول ماریا، $\frac{1}{3}$ پبول شهلا نیز جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پبول دارم که اگر بپول شهلا، $\frac{1}{3}$ پبول شکیبا نیز جمع شود . شهلا گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی $\frac{1}{3}$ پبول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

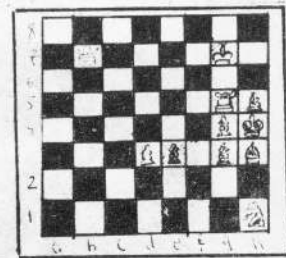
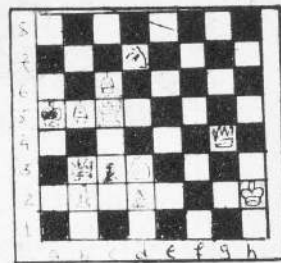
محاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دندانهاش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه $\frac{1}{2}$ (یک بر دو) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

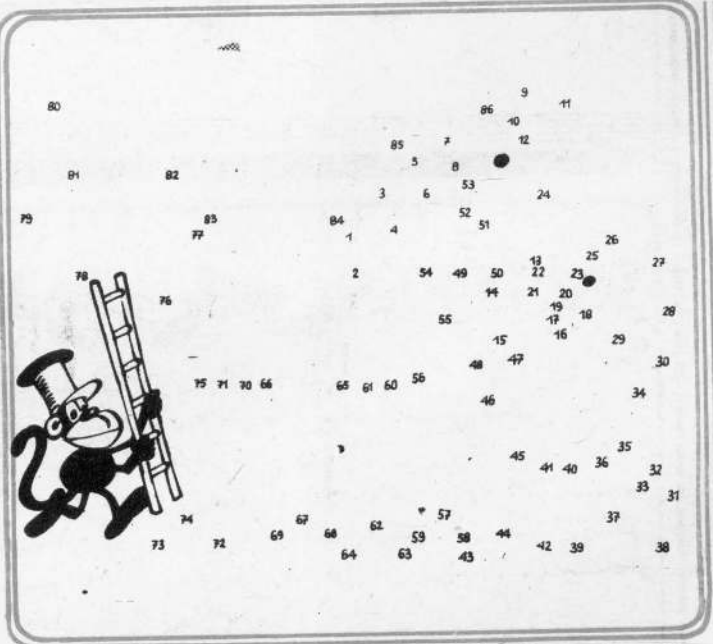
سرگرمی‌ها



پیش ادبی

حل کنید جایز بگید

برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است اعداد را به ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شهادت نامه آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نمود. ما بفرستید.

۶- آیا شهادت نامه نویسندگان قبایل آزاد معلومات دارید؟ لطفاً درین باره ما بنویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نمود. ایده های خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.

صحنه گان

دینی الله عمرخیلی، فریده امید بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک نورجان ضیایی عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا تفتح محمد فتاح، سلم دانستن لیلما کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیما، فرزبان جویان سیدعزت الله مجید، سوما فران فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سیدعزت الله مجید، گل علی فقیه فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله ناچه شکره انور، محمد عمرعزیز عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رانیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار سونیا اسمعیار، مرخیمه محمودزاده احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوطنان!

فرقه کئی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری
نمبر تېلفون (۳۰۲۶۲)

شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی
هرات در تماس شوید و مشکلات
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابله پارک نمبر ہفتہ مارکیٹ

هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس
برای هروقت برای هرکس برای هر جا .
این اجناس را طور عمده از جاوید لعد ، کوچی مارکیٹ
نعلینده کی ان در کوچی مارکیٹ دکان موہن لعل و ہمد کانہائی
شہر ولایات بدست اورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار
(DM4) را تازه وارد نموده است .

نیازمند ان عجلہ نمایند :
تلفونہما (۲۰۰۰۱ - ۲۲۶۲۹)

وحید اللہ پلاستیک

وحید اللہ پلاستیک ہر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیہ مورد ضرورت د و ایسر
و طلاب معارف را بہ قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میر و میر میدانہ مقابلہ تانکہ تیس

فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین
اجناس مورد
نیازتان استقاده
نمایید ارزان و به
مفادیتما

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

فروشگاه

بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش پوشاک ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**